

ParsBook.Org

پارس بوک، بزرگترین کتابخانه الکترونیکی فارسی زبان

ParsBook.Org



The Best Persian Book library



موکل

موکل یعنی چی؟

موکل فرشته ست یا جن؟

موکل رو می شه احضار کرد؟

میشه جنی رو گرفت و برای همیشه مجبور به اطاعت کرد؟

چرا جنها به تسخیر انسان درمیان؟

موکل چی کار می کنه؟

موکل - بفتح کاف - به کسی میگن که کاری یا شخصی بهش سپرده شده.

این کلمه در مورد فرشته ها هم استفاده میشه اما فرشته ها تحت تسلط انسان نیستند و فقط از طرف خدا فرمان می گیرند که عهده دار کار خاصی باشند. بنابراین موکل شدن فرشته ها رو خدا تعیین می کنه. (ممکنه خدا فرشته هایی رو مامور مراقبت از انسانهایی مثل پیامبران بکنه)

و در مورد جنها، موکل یعنی یک جن تحت تسلط که مراقبت از انسانی بهش سپرده شده و باید همیشه همراه اون شخص باشه. موکل باید توسط کسی که قدرت تسلط بر جنها رو داره اسیر و رام و مجبور به اطاعت شده باشه. اینکار از عهده ی هرکسی برنمیاد. احتیاج به قدرت مافوق طبیعی زیادی داره و اینطوری نیست که هرکسی بتونه با یک دعا یا یک دستورالعمل ساده، جنی رو برای همیشه مجبور به اطاعت و مراقبت از خودش کنه. دستورالعمل هایی که در کتابها برای احضار و قسم دادن جن می بینید، ممکنه گاهی اونا رو بمدت کوتاه تحت تسلط قرار بده اما اکثر این قسم ها مدت دار هستند و شما رو برای تمام عمر محافظت نمی کنند و ممکنه بعد از تمام شدن مدت محفوظ بودن، جن عصبانی یا اقوام و دوستانش صدمه ای به شما بزنند.

جنها وقتی آزادند، نیازهای معمول روزانه شون به غذا و لوازم رو از خونه هایی که ساکنش هستند رفع می کنند ولی جنهایی که موکل شده باشند توقع دارند انسانی که موکلش هستند غذا و نیازهای دیگه شونو برطرف کنه. بسته به اشتهای جن ممکنه تهیه ی روزانه انواع خوردنی ها، ۴ تا ۱۰ دست جگر، لباس و هرنوع وسیله و حتی پرداخت هزینه ی جشن و مهمانی لازم باشه. یعنی شخصی که موکل داره مثل اینکه هزینه ی ۱۰ نفر انسان به اعضای خونه ش اضافه شده. اگر خواسته های موکلها برآورده نشه امکان اینکه صدمه ای به انسان بزنند زیاده. بنابراین اگر کسی ادعا کرد با دریافت مبلغ کمی پول برای شما موکل گرفته مطمئن باشید مراقبی در کار نیست اگر هم جنی رو مجبور به مراقبت از شما کرده باشه و خواسته های جن رو تامین نکرده باشه برای شما به جای محافظت، خطر به وجود آورده.

موکل ها همراه همیشگی انسان هستند و باهاش در همه چیز شریک می شن و بسته به خصوصیات و اعتقاد و مذهب خودشون آدم رو کمک می کنند. مثلاً اگر موکل مسلمان باشه، شما رو به سمت نماز و قرآن هدایت می کنه و حتی اگر رفتار تون بنظرش درست نباشه، تنبیهتون می کنه! موکلهای کافر برعکس. اما همه ی موکل ها - از هر مذهبی - مراقب خطراتی که برای انسان

وجود میاد هستند. دوست ندارند کسی غیبت انسان تحت مراقبتشون رو بکنه و اگر کرد تنبیهش می کنند. در کارها، موقع خستگی و ناراحتی و مشکل کمک حالند و اکثرا با انسان در ارتباطند. حتی اگر انسان قادر به دیدن و شنیدن اونها نباشه، از طریق القای ذهنی باهاش ارتباط برقرار می کنند و روی رفتار و زندگیش تاثیر زیادی دارند.

چطور موکل داشته باشیم: برای اینکه موکل داشته باشید باید اولاً قدرت تسلط بر جن داشته باشید (ارثی یا اکتسابی) و روشهای قسم دادن و مطیع کردن جنها رو بلد باشید. بعد یک جن بیچاره ای رو پیدا کنید و تحت تسلط بگیرید و مجبور به همراهی همیشگی با خودتون بکنید. روش دیگه اینه که شخصی که تعدادی جن رو تحت تسلط خودش داره، یکی از اونها رو برای مراقبت از شما مامور کنه. هر جنی که اسیر و مطیع انسان باشه، میشه بعنوان موکل، مامور مراقبت از کسی کرد. اینطوری نیست که یک جن خاص مخصوص مراقبت از شما باشه و بگردید پیدااش کنید.

احضار موکل: از اونجا که موکل هم یه جن مثل بقیه ی جنهاست، احضارش هم مانند سایرین با روشهای معمول احضار جن انجام می شه.

من و موکل: یه زمانی که زندگیم در خطر بود جنهایی در فواصل زمانی مختلف از طرف استادم مامور شده بودند مراقب من باشند. همه ی اونها الان از دوستان صمیمی من هستند و گه گاه می بینمشون و برای لطفهایی که به من داشتند همیشه ازشون ممنونم. کارهای موکل: کارها و مدت زمان همراهی موکل بستگی به وظیفه ای که بهش داده شده داره. گاهی ممکنه جنی مامور باشه فقط ۲۴ ساعت مراقب جان یک نفر باشه یا اینکه مامور باشه نگذاره کسی براش سحر و اینجور چیزا بگیره و ممکنه ماموریت خاصی نباشه و موکل فقط همراه و مراقب سلامتی کلی باشه. در هر کاری می شه از جن همراه کمک گرفت. لازم نیست شما اونو ببینید. کافیه ازش چیزی بخواید و بین ۱ تا ۳ ساعت بعد معمولاً انجام می ده. گاهی فقط دیدن ناراحتی شما کافیه که کاری براتون انجام بده و لازم نیست حتی بهش بگید. موکل اگر محدود نشده باشه (توسط کسی که اسیر و قسم خورده ش کرده) در زندگی انسان دخالت می کنه و اونو به سمتی که خودش مایل باشه می کشه. می تونه برای رسیدن به هدفهاشون کمکتون کنه و شرایط رو به نفع شما تغییر بده. خلاصه موجودی که می تونه نامرئی باشه، مسافتهای طولانی رو در کسری از ثانیه بره و برگرده، از تمام علمهای دنیا آگاهی داره و روی ذهن و رفتار شما و دیگران تاثیر و تسلط داره، رو تصور کنید و ببینید چه کارهایی می تونه انجام بده.

خیلی ها درباره چیزهای مورد علاقه و تنفر جن ها پرسیده بودند. حواستون باشه که وقتی می گید جنها، دارید در مورد یک جامعه ی بزرگ با تعداد زیادی نژاد و عقیده و مذهب و تفکر و سلیقه صحبت می کنید. چنین سوالاتی خیلی کل هستند، هیچ دو جنی تمام سلايق و تفکراتشون کاملاً شبیه هم نیست.

قرنهاست در مورد مسائل ماورالطبیعه شک وجود دارد. بین دانشمندان و عالمان و مذهبی ها و سیاستمدارها و عوام و... درمورد

حقیقت داشتن یا نداشتن موجودات ماورالطبیعه بحث می شه و هیچ گروهی هم نتونسته دیگری رو قانع کنه.

انسان اگر نخواد به هیچ صراطی مستقیم نمی شه! وجود خدا رو هم با فلسفه بافی نفی می کنه. اگر واقعا علاقه دارید حقیقت رو بفهمید تحقیق و پی گیری کنید و خودتون به نتیجه برسید. من اینجا وقایع نگاری می کنم و نظر خودم رو می نویسم و اصراری به همفکر کردن دیگران با خودم ندارم.

اما اگر یک اعتقاد کلی به وجود جن دارید ولی جزئیاتی که من می نویسم بنظرتون خرافه و دروغ می رسه، یه اشاره کوتاه می کنم. غیر از هم غذایی و همزیست بودن، روابط انسان و جن ممکنه به حدی برسه که همدیگر را پرستش کنند. همین الان هم شیطان پرستهای واقعی وجود دارند. اگر این مخلوقات قادر به صحبت و تاثیر گذاشتن روی انسان نبودند و اگر انسان قادر به دیدن و استفاده از قدرتهای جن نبود، چطور روابط اینقدر تنگاتنگ می شد که به پرستش برسه؟ فکر می کنم روزی می رسه که پیشرفتهای انسان روی ذهن و قدرتهای درونی متمرکز می شه و همه قادر به دیدن و ارتباط مستقیم و مرئی با جن باشند.

ترس از جن

این ترس خیلی طبیعیه. جن ها موجوداتی هوشمند و قدرتمند و ناشناخته هستند. ترس از چنین موجودی اگر قصد آسیب رساندن داشته باشه، طبیعیه. بخصوص وقتی آدم نتونه ببیندش و اصلا شناسدش! پس بهترین راه اینه که همچنان ندونیم و شناسیم و بی خیال زندگی کنیم؟ اگر شما در مورد جنها ندونید و بهشون فکر نکنید، آیا اونها از عالم حذف میشن؟ نه. اونها همچنان هستند و روی شما و زندگیتون تاثیر دارند چه شما به اونها فکر کنید و درموردشون بدونید، چه دور باشید و رد کنید. مطمئن باشید با آشنا شدن و منطقی و روشن فکر کردن در این مورد، ترستون کم کم از بین می ره.

خصوصیات جنها - غذای جن

اکثر اطلاعاتی که انسانها از جن دارند، محدود به همون چیزهایی ست که در قرآن اومده. اینکه از آتش ساخته شدند، زاد و ولد دارند و ... من مدتها دلم می خواست چیزهایی خاص تر در مورد خصوصیات جن ها بنویسم. چیزهایی که افراد کمی می دونند. اما چون پست طولانی می شه، مجبورم در چند قسمت مطالب رو بذارم. اولین قسمت را به غذای جن اختصاص می دم.

جن ها علاوه بر باقی مونده ی گوشت روی استخوان، غذاهای دیگه رو هم می خورند، پلو، گوشت، شیرینی، ترشی، تنقلات و ... می تونن حتی از داخل بدن آدم غذا رو بردارند. من گاهی با جنی جایی می رفتم، اونجا نمی شد که خودش غذا رو برداره چون غیب شدن غذا باعث ترس می شد، مجبور می شد از گلوی من بخوره. من غذا رو کمی می جوم و قورت می دم، غذا تا یکی دو سانت از گلو پائین می ره و بعد ناپدید می شه. البته این مناسبه مهمونی های شلوغه که کسی متوجه نشه سه چهار پرس غذا خوردم و هنوز گرسنه م! این روش به دلیل مشخص برای جنها چندان دلپذیر نیست، فقط در صورت اجبار چنین کاری می کنند.

این روش با روشی که جن بدون اجازه غذا رو بعد از وارد شدن به معده یا روده بر می داره فرق می کنه. در روش اول ضرری وجود نداره اما در روش دوم بدن صدمه می بینه.

غذایی که جن ها علاقه بسیار زیادی به خوردنش دارند، جگره. معمولا به عنوان پاداش کارایی که انجام می دن، در کنار خواسته هاشون چند دست دل و جگر هم می خوان. و یک چیز که خودم وقتی شنیدم خیلی منقلب شدم اینه که جن های کافر از خون افرادی که مشروب نوشیده باشند، مصرف می کنند و با این کار آسیب زیادی به سلامت عقل انسان می زنند.

اگر دوست ندارید احیانا جنی از غذایی که شما می خورید استفاده کنه، غذا را با بسم الله بخورید. در اینصورت نه از گلو، نه از داخل بدنتون نمی تونه برداره. در مورد آب هم صدق می کنه. یک روش بسیار خوب در مورد آب خوردن اینه که آب رو حداقل در سه مرحله سر بکشید، برای شروع هر مرحله بسم الله و در پایان هر مرحله الحمدلله بگید. یکی از نتایج این آب که منو شیفته کرده اینه که تا حدود دو روز (یعنی ۴۸ ساعت) جن های کافر نزدیک نمی شن. کلا هر چیزی رو که جایی می ذارید اگر با بسم الله همراه کنید، جن ها بهش دست نمی زنند.

شاید این سوال براتون پیش بیاد که اگر جن ها غذایی که ما بدون بسم الله می ذاریم داخل یخچال می خورند چرا غذاها مون سر جاشه، چرا غیب نمی شه؟

دلیلش اینه که: در مواقعی که غیب شدن غذا تابلو باشه، اولاً جن ها تمام غذا رو نمی خورند کمی باقی می ذارند و برای اینکه کم شدنش معلوم نباشه جن های کافر یک کار زشت که بنظر خودشون جالبه می کنند یعنی داخل غذا استفراغ می کنند تا مقدار غذا به اندازه اولش بر گرده. اینکه چطور کاری می کنند تا این استفراغ به شکل غذا بنظر بیاد و حتی مزه ش هم عوض نشه من اطلاعات ندارم ولی اصل قضیه را با چشمای خودم دیدم. حالا باور هم نمی کنید برای احتیاط هم که شده بد نیست یه بسم الله همراه غذا کنید!

جن ها گوشت انسان نمی خورند. اما گوشت حیوانات را چرا. جن های کافر گوشت را نپخته می خورند، جن های خداپرست برعکس.

خصوصیات جنها- جن کافر

من از چهره ی جن ها خیلی خوشم میاد. خصوصیتی که تقریباً همه شون دارند چشمهای کشیده مورب با مردمک بیضی ست و رنگهای متنوع. قرمز، بنفش، زرد، نقره ای سربی، نارنجی، آبی، سبز، قهوه ای، سیاه و خلاصه هررنگی که تصور کنید با تمام طیف هاش. موهاشون هم به هر رنگی هست، ولی طلایی و نقره ای روشن رایج ترند. رنگ چشم، حالت و رنگ مو، رنگ پوست و ترکیب بدنی جن ها با روحیات و اخلاقشون شباهت و هماهنگی زیادی داره. البته توضیحش آسون نیست، اگر زیاد ببینید و با

رفتارشون آشنا بشید، می تونید از روی ظاهر شخصیتشون رو حدس بزنید.

بعضی از خصوصیات که من در جنهای کافر زیاد دیدم : پوست خیلی خشک و مات متمایل به زرد و خاکستری تیره. چشمهای فرورفته و بدون مژه. دهانی شبیه به یک شکاف بزرگ و بدون لب. آرواره های بزرگ و محکم.

این جنها معمولا خشن و بی ملاحظه هستند و از شرارت لذت می برند. مسخره کردن، آزار دادن، نزاع و درگیری و کثیفی و شلوغ کردن رو دوست دارند. بدون هیچ دلیلی ممکنه کسی رو آزار بدن. شاید حتی شما بهشون هیچ صدمه ای نزده باشید، براشون مهم نیست.

اما جن های خداپرست خیلی اوقات اگر انسان سهوا بهشون صدمه ای بزنه، گذشت می کنند. اگر هم بخوان ابراز ناراحتی کنند، نهایتا به شکستن یک وسیله کوچک یا ایجاد سردرد جزئی بسنده می کنند.

جن های کافر وقتی برای انجام کارهای ناشایست اجیر میشن، ضربه های بی رحمانه و بیش از حد وارد می کنند.

همونطور که در مطلب غذای جن گفتم جن ها گوشت انسان نمی خورند، ولی بسیار پیش میاد که جن های کافر، جگر انسانی رو که کشته اند، بجوند. اکثر اونها با ولع و عجله غذا می خورند. بخصوص غذای مورد علاقه شون جگر رو که با پاشیدن خون به اطراف و بدن و صورت خودشون و هورت کشیدن و سروصدا کردن می خورند و صحنه های غیر قابل تحملی درست می کنند. می تونید درمورد اجیر کردن و غذا خوردن جن ها بیشتر بخونید.

اکثر جن های کافر تنفس پر سر و صدایی دارند، موقع راه رفتن هن هن می کنند. علاقه به ایجاد ترس دارند. از چیزهای پست و کثیف خوششون میاد. دوست دارند انسانها رو تحت کنترل و قدرت بگیرند و مجبور به انجام کارهایی کنند.

با اینحال تمام جن ها وجود خدا را قبول دارند. جن کافر جنی ست که پیرو شیطان و طرفدار عقاید اونه. (در انسان ما به کسی کافر میگی که خدا را قبول نداره و به طرفداران شیطان میگی شیطان پرست. اما جنها همگی به وجود خدا مطمئن و معترف هستند)

جنهای کافر معتقدند از انسان پر قدرت تر و باهوشتر و برترند، برای اثبات این مسئله ممکنه انسان رو فریب بدن، بهش صدمه جسمی بزنند، تسخیر و وادار به انجام کاری کنند، با آزار و ایجاد مشکل و انواع فریبهها اعتقاد و امیدشو کم کنند و... بنابراین قابل فهمه که اگر تحت فرمان انسانی در بیان خشمشون از انسان بیشتر میشه و درصدد آزار بیشتری هستند.

خصوصیات جنها - جن خداپرست

جن ها مثل انسانها، از نژادهای مختلف هستند. قیافه ها ، طرز حرکت و حتی آفرینش اندامهاشون با هم فرق داره. بعضی نژادها سه یا دو انگشت دست دارند، بعضی پرموترند، بعضی نژادها قد بلند با پاها بزرگند و روی زمین می دوند و نژادهایی از جن هستند که فقط نیم تنه شبیه انسان دارند و قسمت پایینی بدنشون توده سفید ابری شکلی ست و روی هوا می لغزند. حتی نژادی از جنها، هم نر و هم ماده اند. یعنی هم خصوصیات اخلاقی نرها رو دارند و هم ماده ها رو و بسیار پر قدرت و کاملند. تعداد نژادهای جن

خیلی زیاده. ممکنه شما یا دیگران انواع دیگری از اونها رو دیده باشید. من فقط از تجربیات خودم می نویسم. در پست قبلی خصوصیات کلی که در جن های کافر بسیار دیدم نوشتم. امروز کلیاتی از خصوصیات رایج بین جن های خداپرست (مسلمان، مسیحی و ...) می نویسم.

جن های خداپرست زیباتر و دلنشین تر از جنهای کافرنده، هرچند نژادهایی دارند که چندان زیبا نیستند یا ترسناک بنظر می رسند اما حداقل از نظر رفتار دلنشین ترند و کمتر پیش میاد خودشونو به عمد ترسناک جلوه بدن. بیشتر اهل گذشت و آرامش و سکوت هستند. جنها هرچی آرامتر و مهربانتر باشند از نژاد اصیلتری هستند و جن هایی که شیطنت و شرارت بیشتر دوست دارند از نژادهای اصطلاحا پست تری هستند. این مسئله هم در جن های کافر و هم خداپرست صدق می کنه.

اکثر جن های خداپرستی که من باهاشون روبرو شدم، اگر ماده بودند موهای بلند به رنگهای نقره ای و طلایی روشن داشتند، دهان کوچک و چشمهای مورب خوشرنگ با نگاه نافذ و نرها معمولا موهای تیره تر و کوتاه داشتند. موهای تمام جن ها کمی مات تر از موی انسانی. جن های خداپرست به فکر صدمه زدن به انسان نیستند و حتی اگر از انسان صدمه ببینند بسیار پیش میاد که گذشت کنند. بعضی جن های خداپرست بسیار مهربان و بزرگوار و دانا هستند و حضور و کمکشون به انسان خیلی با ارزش و البته نادره.

جنهای خداپرست کمتر به طرف انسان میان چون تمایلی به ایجاد ترس و مشکل برای انسانها ندارند. انسانها حتی اگر جن ها رو نبینند، موقع حضورشون دچار درد و اصطلاحا سنگینی میشن. بخاطر سطح انرژی های مختلف. جن های خداپرست به شدت از انجام کارهای ناشایست دوری می کنند. بخصوص از برداشتن وسایل و متعلقات انسانها. اگر برای انجام کار ناشایستی اجیر بشن، با اکراه انجام میدن و کلا در هر شرایطی جنهای خداپرست با ملاحظه تر از جن های کافرنده.

جن های خداپرست معمولا غذای پخته می خورند. از گوشت یا خون انسان به هیچ وجه تغذیه نمی کنند. معمولا مودبانه و آرام غذا می خورند - البته طرز غذا خوردن به سطح تربیت نژادی شون هم بستگی داره! - و به پاکي غذا اهمیت می دن. در مورد طرز غذا خوردن جن ها در این پست بیشتر می تونید بخونید. اینجا هم خصوصیات رایج جن های کافر را ببینید.

توی خونه ی ما دیدن موجودات غیرارگانیک عادی

"امروز یکی دیدم با صورت اسب که دو سه چهارراه دنبالم کرد"

من از ۱۱ سالگی شروع به یادگرفتن آداب معاشرت و قوانین زندگی با جن ها کردم. یاد گرفتم جن ها رو با وجود تغییر شکل دانشون تشخیص بدم (در حد مقدماتی) و بهشون احترام بذارم و از خودم محافظت کنم. هر چه بزرگتر می شدم بیشتر یاد می گرفتم. نژادها، مذهب ها، رفتار خاص و شخصیت اونا رو می شناختم و بتدریج می فهمیدم در مقابل قدرتهای زیاد اونها کاملاً بی دفاعم.

چیزی که خانواده م بمن یاد دادن، در طول سالها سروکله زدن با این موجودات تجربه و کسب کردن ولی اونقدر کافی و کامل نیست که امنیت رو تضمین کنه. بارها تجربه کردم که ورد ساده و قدرتمند "بسم الله الرحمن الرحيم" با یک بار خوندن اثر نمی کنه و مجبورم ۴-۵ بار بگم.

از طرفی جن ها، می تونن قدرت انسان رو تشخیص بدن. یعنی هرجنی که از اطراف خونه ما رد می شه می فهمه اینجا کسانی هستن که قدرت دید دارن و جذب میشه. حالا اگه جن بی آزاری بود، به یه کنجکاوی ساده، کمی گشتن و امتحان قدرت ما ختم به خیر میشه ولی وای به وقتی که به فکر آزار باشه.

قبلا وقتی چنین چیزی پیش میومد وسایلمون گم یا جابجا میشد، غذاهامون دست می خورد، خونه به اصطلاح سنگین میشد و بعضی هامون درد داشتیم. گاهی پدرم می تونست اونا رو بیرون کنه و گاهی که نمی تونست باید صبر می کردیم خودشون برن و تا مدتها اذیت می شدیم.

گذشته از این جن ها از راههای دیگه ای هم سراغ ما میومدن...

یکی از کابوسهای بچگی من ۹ سال همخونگی با جن مردم آزار کافری بود که قد بلند و بدنی سنگین داشت و ضربه های زیادی به ما زد.

کوچکترینش ترسوندن من بود که تا اون زمان برخورد زیادی با جن های کافر نداشتم وقتی از مدرسه بر می گشتم، مامانم پشت پنجره می ایستاد و من عادت داشتم از حیاط نگاهش کنم و براش دست تکون بدم، اما خیلی مواقع دو تا مامان می دیدم. یکی پشت پنجره ی آشپزخونه، یکی پشت پنجره ی پذیرایی که هر دو منو تماشا می کردن. گاهی با تقلید صداهامون ما رو به اشتباه مینداخت یا صدای فامیل یا دوستانمون می شنیدیم که از اتاق دیگه ای با گریه و جیغ یا اینکه عادی صدامون می کنن.

البته این جریانات مال چندین سال پیشه، زمانی که امنیتمون در مقایسه با الان صفر در صد بود. مدتی ست که با کمک دوست و استاد عزیزم که اینجا M می نامم، از شر جن های کافر در امانیم و اگر کسی هم به خونه مون بیاد، مدت زیادی نمی تونه بمونه و آزار زیادی نداره. در این مدت با جن های مهربان و خردمند هم آشنا شدیم که کمکهایی زیادی بهمون کردند. خب به موضوع اصلی برگردیم.

تا قبل از ۶-۷ سالگی رو یادم نیست ولی حدودا از اون سن به بعد با مشکل "پرش" روبرو بودم. البته خودم اسمشو پرش گذاشتم. یه جور از دست رفتن حالت خودآگاهی. مثلا ممکنه الان که در حال تایپ این مطلبم، لحظه بعدی که پلک زدم و چشمامو باز کردم، در حالی خودمو پیدا کنم که توی کوچه با مشمای خرید تو دستم هستم! اوایل فکر می کردم جایی غیب میشم و بعد جای دیگه ای ظاهر میشم، اما اگر اینطور بود باید اطرافیانم در لحظه ی ظاهر شدنم تعجب می کردن. بعلاوه من وقتی غیب هستم

چطور خرید کردم؟ بدون اینکه اصلاً یادم باشد. تازه ساعتی که من مثلاً جلوی کامپیوتر بودم تا زمانی که خودمو تو کوچه پیدا می‌کنم، حداقل یک ساعت فاصله داره درحالی‌که برای من اندازه یک پلک زدن گذشته.

به کمک استاد M یک نمونه از پرش رو در کتابی به اسم "من بزرگ" پیدا کردم. نویسنده ی این کتاب دن چاون که جایی گفته خودش تجربه ی پرش داشته، این تجربه رو در شخصیتی به اسم "اندی" در کتابش نشون داده. از قلم سلیس و زیبای "دن چاون" توصیف پرش رو بخونید: ""داشتم آرام از کنار کوچه راه می‌رفتم و به عکسی در دستم نگاه می‌کردم. چند لحظه بعد خودم را سر میز شام دیدم و دیدم که دارم قاشق را می‌برم طرف دهانم. حسی شبیه پریدن از خواب بود، فقط سریع تر. انگار در یک چشم بهم زدن از جایی به جایی منتقل شده بودم. انگار خانواده ام متوجه نبودن من نشده بودند. همه شان ساکت و جدی مشغول خوردن بودند. انگار همه چیز کاملاً عادی بود. بنظر نمی‌رسید کسی از ظاهر شدن ناگهانی ام یکه خورده باشد. یه ساعت دیواری نگاه کردم، یک جوریهایی حجم زیادی از زمان از دستم رفته بود، دست کم نیمساعت، سه ربع. آخرین چیزی که بوضوح یادم می‌آمد خیره شدنم به عکسی بود که در دست داشتم. انگار به یک نحوی از خودم، از تنم خارج شده بودم. کجا رفته بودم؟ در ذهنم هیچ خاطره ای نبود، فقط خلا بود و بس.""

چند بار سعی کردم با کمک خانواده م از اینکه چه کاری موقع پرش انجام میدم، سردر بیارم. اما اونا هیچ تغییری نمی‌بینن، گویا در مدتی که زمان از دستم در میره عادی ام و کارای معمولی می‌کنم. اما وقتی به خودم میام هیچی یادم نیست. این مسئله باعث میشه فکر کنن فراموشکارم. مثلاً حرفی رو همین دیروز زدم و حالا به هیچ وجه یادم نیست! چون وقتی اون حرفو زدم در حال پرش بودم. استاد M چیزی در موردش بهم نمیگه اما من فکر می‌کنم این پرش از دسته گلهای همون جن کافر همخونه مون بوده باشه.

ارتباط با جن

دوست شدن با جنها کار بی دردسری نیست که برای تجربه یا تفریح بشه سراغش رفت. اگر با خواست خودتون وارد دنیای جنها بشید، اونها هم بیشتر در زندگی شما دخالت می‌کنند. معمولاً جنها حریم خصوصی برای انسان قائل نیستند. در هر حالتی و هر جایی ممکنه به سراغ شما بیان. اگر از اونها درخواست کمک کنید، ممکنه کمکتون بکنند ولی درمقابل شاید درخواستهایی از شما داشته باشند که نخواین انجام بدید ولی اونها مجبورتون کنند. جنها قدرت کنترل و نفوذ محدودی بروی مخلوقات دیگه دارند که هرچقدر قدرت روحی مخلوقی بیشتر باشه، نفوذ و تسلط جنها روی اون کمتر میشه. بنابراین کسانی که مراقبه نمی‌کنند - عبادتهای اکثر دینها نوعی مراقبه ست - آسیب پذیرتر از دیگرانند و بهتره از دوست شدن با جنها صرفنظر کنند. تمسخر و به بازی گرفتن از مواردی ست که جنها رو تحریک و خشمگین می‌کنه. هیچوقت برای تفریح و خوشگذرونی سراغ جنها نرید.

اگر مطالب مربوط به خصوصیات جن رو خونده باشید، متوجه شدید که جنهای مسلمان علاقه ی چندانی به دوست شدن با انسان ندارند. در اکثر مواقع وقتی که انسانها برای ارتباط با جنها تلاش می کنند، جن های کافر هستند که به درخواست ارتباط پاسخ می دن و هدفشون اکثرا سواستفاده، آزار و انحراف انسانهاست . ممکنه ابتدا با کمک این جنها به بعضی چیزهایی که درنظر دارید برسید ولی... مثلا ممکنه با جنی ارتباط برقرار کنید و به شما بگه خداپرستم. با مهربونی و لطف زیاد برای رسیدن به موفقیت و ثروت هم کمکتون کنه. اما یک روز ناگهان از شما بخواد که مادرتون رو بکشید. اون موقع حتی اگر پشیمون باشید چاره ای ندارید. اگر قدرت کنترل شما رو داشته باشه که خواستش رو انجام خواهید داد و اگر نتونه کنترلتون کنه و از انجام اینکار سرپیچی کنید، برای انتقام دست به هرکاری ممکنه بزنه. به این شکل یک دلخوری ساده بین شما و دوست جن کافرتون ممکنه زندگی خیلی از عزیزانتون رو بگیره و سرنوشت خودتون رو کاملا عوض کنه.

البته اگر بی اندازه خوش شانس باشید و مهرتون در دل یک جن خداپرست بنشینه و باهاش دوست بشید. باز هم ارتباط راحتی نیست. جنها هم مثل انسانها روحیات متفاوتی دارند. بعضی از جنهای خداپرست شدیداً افراطی هستند. ممکنه بخاطر انجام کاری که بنظرشون گناه بوده از شما ناراحت بشن و به شیوه ی خودشون تنبیه تون کنند. مثل بسیاری از جنهای مسلمان که بخاطر رفتار بد انسانها با پیامبران و امامها، شدیداً از انسانها ناراحتند و گاهی به این دلیل به انسانهای بی ملاحظه که حرمت دینها رو نگه نمی دارند صدماتی می زنند.

پس به این راحتی داوطلب وارد شدن به وادی که خیلی کم ازش اطلاعات دارید نشید. ما در کنار این مخلوقات زندگی می کنیم و صد در صد همه ی شما دوستان تا حالا با تعداد زیادی جن در ارتباط بودید ولی این ارتباط با تسخیر و درخواست امدادهای غیبی فرق می کنه!

در ارتباط جن و انسان، بعضی از موضوعات اهمیت بیشتری دارند که اگر رعایت کنید صدمات کمتری از جنها می خورید و برای جنها پذیرفتنی تر خواهید شد. غیر از قدرت نفوذ جنها و درخواستهای غیرمنطقی شون که در قسمت ارتباط با جن درموردش توضیح دادم، اخلاق تند و حساسیت جن ها به تمسخر هم از موانع ارتباط انسان و جنهاست.

یکی از تجربه های بدم رو تعریف میکنم

یکی از دوستان برام یه عکس فرستادند. موجودی با ظاهر ترسناک که قابل تحمل نبود. از صورتش رشته های گوشت بهم پیچیده بیرون زده بود و از انتهای رشته ها مو و چرک و خون بشکل تهوع آوری آویزون بود. جای چشمها دو شکاف مورب بود و دو زائده شبیه ناخن تیز از داخل شکافها بیرون اومده بود... تعریف جزئیات ناهماهنگ صورت و بدنش رو کنار می دارم. بنظرم رسید عکس واقعی نباشه چون خیلی ناقص الخلقه بود. من با ناباوری و لبخند تمسخر عکس رو دیدم و پاک کردم. نیمه های همون شب برای کاری بیدار شده بودم. صدای هن هن و زوزه هایی شنیدم، به دنبال صدا به آشپزخونه رفتم و اونجا صاحب عکسی که دوستم

فرستاده بودند دیدم. غیر از ظاهر ترسناک بوی خیلی بدی هم می داد. نفسم گرفت و با حال تهوع و وحشت شدید کف راهرو ولو شدم. نمی دونم چه صدایی از خودم درآورده بودم که پدرومادرم بسرعت اومدند و به سختی اون مخلوق رو بیرون کردند. همگی حال بدی داشتیم و من تا مدت‌ها روحیه مو باخته بودم. بعدها فهمیدم دلیل اومدن اون مخلوق، ناراحت شدنش از لبخند تمسخر من بوده.

جن ها موجوداتی بی اندازه حساس هستند و اکثرا اخلاق تندی دارند. محبت و خشمشون در انتها درجه ست. برای همین باید درمورد جنها با احتیاط زیادی رفتار کرد. اگر باورشون ندارید یا گاهی مطالب یا عکسهایی می بینید که عقلتون اونها رو نمی پذیره، هرکاری می کنید، توهین و تمسخر نکنید. من هم به تازگی این موضوع رو متوجه شدم که جن ها به عکسهاشون حساسند! البته صد در صد عکسهای ساختگی زیادی هم از جنها و ارواح وجود دارند، ولی من که ترجیح می دم حتی ساختگی ها رو هم مسخره نکنم!

اگر از قدرت تسلطتون بر جنها مطمئنید، می تونید حتی فکر تمسخر رو هم از ذهنتون بیرون کنید، از دخالت جنها در زندگیتون نگرانی ندارید و برای ارتباط با جنها هنوز هم مصر هستید، باید با یکی دیگر از ملزومات این ارتباط آشنا بشید.

کسانی که قصد ارتباط با جنها رو دارند، باید اعصاب و قلب قوی داشته باشند. صحنه های دلخراش و ترسناک آشفته شون نکنه و جرات زیادی داشته باشند. باید طوری باشند که اگر مقابلشون بچه ای رو داخل چرخ گوشت بیندازند، بدون آشفته شدن تا آخر تماشا کنند.

من هم به ناچار تمرین های سختی برای قوی شدن قلب و اعصاب انجام می دم. غیر از استفاده از انرژی سوره ی "یس" که باعث قوت قلب میشه، تمرینهای ذهنی برای قوی کردن اعصاب انجام میدم و گاهی از دوستانم کمک می گیرم.

شنیدن صدای فریادها و زوزه ها، تحمل پاشیده شدن کثافات و چرک و خونها روی بدن، استشمام بوهای زننده ی این کثافات، حتی گاهی چشیدن مزه ی اونها، دیدن صحنه ی بریده شدن دست و سر و اعضای بدن عزیزان، کشته شدن و ضربات ترسناک، چهره های بدشکل و مورد حمله ی موجودات ترسناک قرار گرفتن کمک بیشتری می کنه. که البته می دونم برای همه ممکن نیست. بارها صحنه های ترسناکی از زجر کشیدن عزیزترین هام دیدم که کوچکترینش با فشار و ضربات متوالی کشیده شدن داخل یک چاه کوچک حمام بوده. (البته نه واقعی) چنین چیزهایی اگر بدون آمادگی قبلی دیده بشه باعث اختلالات روانی، سکت و مرگ میشه، اما جنها ملاحظه ی آمادگی انسان رو نمی کنند.

ممکنه در دنیای جنها مجبور به تحمل صحنه های بسیار بدتری بشید. اگر شما رو برای شوخی و تفریح به تماشای صحنه های خشنی ببرند ممکنه دچار شوک و سکت و عوارضش بشید. پس تا وقتی کاملا آماده نشدید، مراسم تسخیر یا احضار انجام ندید، چون درواقع خطر مرگ رو پذیرفتید.

هنوز چیزهای ترسناک زیادی در دنیای آفرینش خدا هست که حداقل من تحمل دیدنشون رو ندارم. هزار چندانگهی در طول تمرینها خودمو می بازم و فقط به خدا پناه می برم. پیشنهاد من به دوستانم - حتی به کسانی که دنبال ارتباط با جن نیستند- اینه که سوره "یس" رو زیاد بخوندند چون قلب و اعصاب رو قوی می کنه.

سری مطالب ارتباط با جن، قدمهای ابتدایی ورود به دنیای جنهاست. بعضی دوستان انتظار دارند یک ورد یا دستورالعمل بدم که با انجام اون فوراً یک جن ظاهر بشه و باهاش طرح دوستی بریزند. یعنی واقعا نمی خواید قبل از شیرجه زدن داخل این دنیای جدید، کمی اطلاعات و آمادگی داشته باشید؟

ما ناچار به پذیرفتن ناگهانی این دنیا بودیم. با اینکه خانواده مون با تمام توانشون سعی در مراقبت از ما داشتند، صدمات زیادی تحمل کردیم و غیر از اون، مجبور به تحمل تنهایی محض هستیم. سه جور تنهایی متفاوت.

نوع اول: اسراری هست که اگر به دنیای ماورا وارد شید، درک می کنید ولی اگر اونها رو عمومی کنید مورد خشم قرار می گیرید و بسختی مجازات می شید. گاهی بعنوان مجازات باید زندگی این دنیا رو ترک کنید. اینها اسراری هستند که فاش شدنشون می تونه عالم هستی رو زیرو رو کنه. حتی دو نفر که هردو از این اسرار آگاه باشند، درمورد اونها با هم صحبت نمی کنند.

نوع دوم: فکر می کنید چند درصد مردم واقعا با این مسائل برخورد می کنند؟ و به بی نهایت بودن مخلوقات خدا اعتقاد قلبی دارند؟ برای اکثریت مردم جنها فقط موجودات نامرئی داستانهای قدیمی هستند و حضورشون در دنیای نیمه متمدن واقعی غیرممکنه. حتی بعضی از مسلمانهای مذهبی می گن که: بله ما قبول داریم جن هست و با انسان زندگی می کنه چون در قرآن اومده ولی خب بهتره زیاد در موردش فکر نکنیم و به خرافات نپردازیم! چطور برای سایر مسائل که در قرآن اومده هزار جور تبصره و کتاب توضیح المسائل و تحلیل کارشناسی واجبه ولی اگر در مورد موجودات ماورالطبیعه صحبت کنیم خرافه ست؟ حتی بین کسانی که اعتقاد واقعی دارند هم تعداد کسانی که جنها رو ببینند زیاد نیست. ما مجبوریم همیشه از دیگران مخفی کنیم. چون اگر بگیم ممکنه باعث تمسخر بشه و نهایتاً تحریک و خشمگین شدن جنها.

نوع سوم: تنهایی در زندگی شخصی. ازدواج برای کسانی که وارد دنیای جنها بشن خطرناک و سخته. اولن بخاطر اینکه ممکنه مجبور به مخفی کردن تمام حقایق و مکنونات قلبی و آگاهی ها از همراه زندگیتون باشید. بعد هم بخاطر اینکه هر خطای کوچکی که باعث دلخوری یا دشمنی جنها بشه، خطری برای زندگی خانواده و عزیزان شماست. خودخواهی نیست که آدم برای تنها نبودن خودش دیگری رو با خطر مرگ روبرو کنه؟ بگذریم از عوارض دیگه ی این وادی که مثلاً می تونه شما رو دچار مشکلی مثل

"پرش" کنه که اون وقت تحمل کردن موجودی که معلوم نیست خودشه یا در حال "پرش" صبوری زیاد می خواد!

: "عمر جن"

اگر میانگین عمر انسانها رو ۸۰ در نظر بگیریم، میانگین عمر جن ها ۱۰۰۰ ساله اما مثل انسانها ممکنه از میانگین بیشتر یا کمتر هم زندگی کنند. فکر می کنید موجوداتی که تا الان مثلا ۵۰۰-۶۰۰ سال زندگی کردن حتما پیر و فرسوده هستن، نه؟ اما اینطور نیست. نکته جالبی که در مورد عمر جن ها وجود داره، روند رشد جسمی شونه.

جن ها از نظر فیزیکی بسیار کند رشد می کنند. جسمشون تقریبا ۱۱ برابر کندتر از انسان رشد می کنه. یعنی اونا ۱۱ برابر دیرتر از ما پیر می شن.

یه مثال می زنم.

فرض کنید همین امروز یه نوزاد انسان و یه نوزاد جن همزمان به دنیا اومده باشند.

۱۱ سال دیگه اون نوزاد انسان چه شکلی می شه؟

یه بچه مدرسه ای کلاس پنجم دبستان در نظرتون میاد. درسته؟

حالا نوزاد جن چی؟... اون بعد از ۱۱ سال تازه اندازه ی یه بچه ی یکساله شده.

برعکس این جریان ، جن ها از نظر رشد عقلی و احساسی خیلی خیلی سریع تر از انسان هستند.

یعنی یک جن هر روزی که از عمرش می گذره به اندازه ی ۵-۶ سال آگاهی و شعورش بیشتر می شه. طوری که نوزاد جن ۳ هفته بعد از تولدش تمام آگاهی هایی که یه انسان عادی در طول زندگیش می تونه بدست بیاره، در ذهنش داره.

البته مقیاس ها و اعدادی که من استفاده کردم، تقریبی بودند و یه چیز حدودی گفتم که بتونید تصور کنید وگرنه محاسبات دقیق نیست.

جن یکی از مخلوقاتیه که در ادیان بویژه در دین اسلام کرارا از آن یاد شده البته از نظر علمی ثابت شده است که موجوداتی وجود دارند که از دیده گان ما مخفی هستند و بعضا کسانی هستند که میتوانند آنها را ببینند ...

از بعد علمی کتمان بر این واقعیت نیست که موجودات و یا اجسامی نیز که ارتعاشات و فرکانسها و بطور کلی مختصات موجی آنها درحد بالای هستند از دید ما خارجند.

کُتک خوردن از جنها

داستانی عجیب ولی واقعی

زن جوان وقتی پس از ماهها آزار واذیت توسط جن ها ناچار شد تن به خواسته های آنها بدهد و با چشمانی اشکبار در دادگاه کرج حاضر شد. این زن و شوهر جوان پس از چند سال زندگی برای اینکه زن جوان از شکنجه ها و آزار واذیت جن ها نجات یابد طلاق

گرفت . ۲۱ تیر ماه سال ۱۳۸۳ زن وشوهر جوانی در شعبه ۱۷ دادگاه خانواده کرج حاضر شدند و درخواست شان را برای طلاق توافقی به قاضی اکبر طالبی اعلام کردند . شوهر ۳۳ ساله این زن به قاضی گفت : من وهمسرم از اول زندگی مان تا حالا با هم هیچ مشکلی نداشتیم ولی حالا با وجود داشتن دو دختر ۱۰ و ۲ ساله به خاطر مشکلاتی که همسرم به آن مبتلا شده است ناچار شده ایم که از هم جدا شویم. مرد در ادامه حرفهایش گفت : هر شب جن ها به سراغ زنم می آیند واو را به شدت آزار واذیت می کنند من دیگر نمی توانم زنم را در این شرایط ببینم . زن جوان به قاضی گفت : ۱۳ ساله بودم که در یک محضر در کرج مرا به عقد همسرم که ۹ سال از من بزرگتر بود در آوردند . درست یک هفته بعد از عقدمان بود که خواب های عجیبی را دیدم . در عالم کودکی بودم و معنای خواب ها را نمی فهمیدم ولی اولین خوابم را هرگز فراموش نمی کنم . آن شب در عالم رویا دیدم که چهار گربه سیاه و یک گربه سفید در خانه مان آمده اند. گربه های سیاه مرا به شدت کتک می زدند ولی گربه سفید طرفداری مرا می کرد و از آنان خواست که کاری به من نداشته باشند از خواب که بیدار شدم متوجه خراش ها و زخمهایی روی بدنم شدم که به آرامی از ان خون بیرون می زد . دیگر ترس مرا برداشته بود حتی روزها وقتی جلوی آینه می رفتم گربه ها را درچشمانم می دیدم . از آن شب به بعد جنگ وجدال های من با چند گربه ادامه پیدا کرد . (جنها در عالم انسانها و در کوچه و بازار ، معمولا به شکل گربه سانان ظاهر میشوند . البته به هر شکل دیگری هم که بخواهند،متوانند ظاهر بشوند) در این مورد ابتدا با هیچ کس حرفی نزدم وتنها خانواده من و خانواده او جای زخمها را می دیدند دوران عقد ۹ ماه طول کشید چون این شکنجه ها ادامه داشت خانواده ام مرا نزد یک دعانویس در ماهدشت کرج بردند او در کاسه آبی دعا خواند و بعد کاسه را کنار گذاشت به آینه نگاه کردم گربه ها را دیدم آن مرد دعانویس دست وپای گربه ها را با زنجیر بسته بود بعد از آن به من گفت باید چله نشینی کنی و تا چهل روز از چیزهایی که از حیوانات تولید شده استفاده نکنی تا چند روز غذا رشته پلو و عدس پلو می خوردم و این مساله و دستوراتی را که او داده بود رعایت کردم اما روزهای بعد پدر شوهرم که خسته شده بود اجازه نداد که این کار را ادامه بدهم . بعد از جشن عروسی ما، آن گربه ها رفتند .جای دیگر یک گربه سیاه با دوغول بیابانی که پشت سر او حالت بادی گارد داشتند سراغم آمدند . غولها مرا می گرفتند و گربه سیاه مرا می زد . من با این گربه ۵ سال جنگیدم تا اینکه یکی از بستگانم ما را راهنمایی کرد تا مشهد نزد دعانویسی برویم. دعانویس مشهدی از ما زعفران - نبات -پارچه و کوزه آب ندیده خواست. او به کوزه چاقو می زد زمانیکه ما از خانه او خارج می شدیم ناگهان کوزه را پشت سرم شکاند و من ترسیدم .او گفت جن ها را از بین برده است . همان شب گربه بزرگ سیاه در حالیکه چوبی در دست داشت به همراه ۱۳ گربه کوچک سراغم آمدند و مرا به شدت کتک زدند حال یک گربه تبدیل به ۱۴ گربه شده بود .باز بستگان مرا راهنمایی کردند سراغ دعانویس های دیگری برویم. در قزوین پیر مردی با ریش های بلند. در چالوس پیر مردی .در روستای خاتون لر. در تهران و.... حتی ۴۰ هزارتومن پول دادیم و دعا نویسی از اطراف اراک به منزلمان آوردیم و ۲۵۰ هزار تومن از ما دستمزد خواست اما او که رفت همان شب باز من کتک خوردم. در این ۱۲ سال ۱۰-۱۵

میلیون تومن خرج کردیم اما فایده ای نداشت. حتی در بیمارستان نزد چند روانپزشک رفتیم ولی کاری از دستشان بر نیامد. چاقو قیچی سنجاق هرچه بالا سرم گذاشتم نتیجه نداشت. حتی دعا گرفتم. جن ها کیف دعا را برداشتند و چند روز بعد کیف خالی را در گردن دخترم انداختند. گربه سیاه به اندازه یک میز تلویزیون بود او روی دو پا راه می رفت بینی بزرگ قرمز و گوشهای تیز و چشمان براقی داشت و مثل آدم حرف می زد اما گربه های کوچک چهار پا بودند و جیغ می کشیدند. از زندگی با شوهرم راضی بودم و همدیگر را بسیار دوست داشتیم. اما جن ها از من می خواستند که از همسرم جداشوم. اوایل فقط شب ها آنها را می دیدم اما کم کم روزها هم وارد زندگی ام می شدند. گربه بزرگ مرا بسیار دوست داشت و با من حرف می زد به من می گفت از شوهرت طلاق بگیر او شیطان و بد دهن است به تو خیانت می کند. شبها که شوهرم می خوابید آنها مرا بالای سر شوهرم می بردند به من می گفتند اگر با ما باشی و از همسرت جدا شوی ارباب ما میشوی اما اگر جدا نشوی کتک خوردنها ادامه دارد. آنها دو راه پیش پام گذاشتند به من گفتند نزد دکانویس برو فایده ای ندارد فقط یا از همسرت جدا شو و یا با ما بیا. آنها شب ها مرا بیرون می بردند وقتی با آنها بودم پشتم قرص بود و از تاریکی نمی ترسیدم چون از من حمایت می کردند. آنها مرا به عروسی هایشان می بردند فضای عروسی هایشان سالنی تمیز شفاف و مرتب بود در عروسی هایشان همه نوع میوه بود در عروسی ها گربه بزرگ یک سر میز می نشست و من سر دیگر میز و پذیرایی آنچنانی از میهمانان می شد آنها به من طلا و جواهرات می دادند. در حالیکه ساز و دهل نمی زدند اما صدای آن به گوش می رسید در میهمانی ها همه چیز می خوردم و خوش می گذشت اما وقتی پای حرف می رسید آنها مرا به شدت کتک می زدند فضایی که مرا در آن کتک می زدند با فضای عروسی شان زمین تا آسمان فرق داشت.

محلّه ای قدیمی مثل ارگ بم با اتاق های کوچک در فضایی مه آلود و کثیف که معلوم نبود کجاست در آن فضا فقط گربه بزرگ روی صندلی می نشست و گربه های کوچک همه روی زمین روی کول هم سوار بودند بیشتر ساعاتی که مرا کتک می زدند ۳ صبح بود حدود ۲ ساعت مرا می زدند اما این دو ساعت برای شوهرم شاید ۲۰ ثانیه می گذشت او با صدای ناله های من بیدار می شد و می دید از زخم ها خون بیرون می زد. زخمها را با بتادین ضد عفونی می کردم وقتی گربه بزرگ مرا می زد جای زخمها عمیق بود اما تعداد زخمها کمتر بود. گاهی که او نمی زد و به گربه های کوچک دستور می داد آنها خراشهای زیادی به شکل ۷ را روی تنم وارد می کردند حتی صورت مرا با این خراشها شطرنجی می کردند حتی گاهی شبها مرا تا صبح می زدند. شبهایی که قرار بود کتک بخورم کسل می شدم و می فهمیدم می خواهند مرا بزنند. آن ها سه سال مدام به من می گفتند باید از شوهرت طلاق بگیری. در حالیکه دختر بزرگم ۷ ساله بود من دوباره باردار شدم. آن ها بقدری عصبانی بودن که مرا تا حد بیهوشی کتک زدند. در ۹ ماه بارداری بارها آنها به من حمله می کردند تا بچه را از شکم بیرون بکشند و او را از بین ببرند شبها همسرم بالای سرم می نشست تا آنها مرا کتک نزنند اما او فقط پنجه هایی که به بدنم کشیده می شد را می دید و کاری نمی توانست بکند.

زمانی که منزل مادرم می آمدم جن ها با من کاری نداشتند و سراغم نمی آمدند اما به محض آنکه پا در خانه شوهرم می گذاشتم

آنها اذیت و آزار را شروع می کردند . یک شب پدر شوهرم گفت تا صبح با قمه بالای سرت می نشینم و هر چند وقت قمه را از بالای سرت رد میکنم تا آنها کشته شوند. نزدیکیهای صبح پدر شوهرم چند لحظه چرت زد که با صدای فریاد من بیدار شد و دید بدن من به شدت زخمی و خون آلود است . پدر شوهرم سر این قضیه ۴ ماه مارا به همراه اثاثیه مان به منزل خودش برد اما شب که خوابیده بود آنها سراغش آمده و گفته بودند عروست کجاست و او گفته بود در ان اتاق با دخترم خوابیده است. صبح که از خواب بیدار شدم دیدیم صورتم خون آلود است . دیگر کمتر کسی به منزل ما رفت و آمد داشت . یکبار برادرم آمد به منظرمان و دید دخترم مشقهایش را می نویسد و من حمام هستم اما صدایی از حمام نمی آید بعد از ۲۰ دقیقه که در را باز کرد می بیند من در حمام زیر دوش غرق در خونم . یکبار به دستشویی رفته بودم و تا ۳ ساعت بیرون نیامدم. خواهرانم که نگران بودند در را باز کرده و دیدند تمام بدنم چنگ خورده و جای خراش است . گربه بزرگ دوبا علاقه زیادی به من داشت او فقط فردای من را به من می گفت او در مورد من بسیار تعصب داشت و اگر کسی به من توهین می کرد او می گفت تو چیزی نگو تلافی اش را سرش در می آورم . همیشه همه می گفتند آه و نفرین تو می گیرد . من کاره ای نبودم فقط حمایت و تعصب جن ها بود بیشتر اوقات می فهمیدم بیرون چه اتفاقی می افتد حتی خیلی وقتها که قرار بود جایی دعوایی شود من خودم را قبل از آن می رساندم تا جلوی دعوا را بگیرم . همه به من میگفتند اگر از آنها جواهرات بخواهی برایت می آورند . یکبار از آنها خواستم آنها یک انگشتر بزرگ مروارید که حدود ۳۰ نگین اطراف آن بود برایم آوردند اما گفتند تا یک هفته به کسی نگو و بعد آشکارا دستت کن اما شوهرم آنرا در جیبش گذاشت و به همه نشان داد . جن ها آمدند آنرا بردند و به من گفتند لیاقت نداری . دیگر کم کم نیرویی مرا به خارج از خانه هدایت می کرد و بی هوا بیرون از منزل می رفتم اما نمی دانستم کجا بروم . این اواخر به مدت سه ماه زنی جوان و بسیار زیبا با موهای بلند و طلایی رنگ در حالیکه چکمه ای تا روی زانوهایش می پوشید از اوپن آشپزخانه وارد منزلمان می شد . دختر کوچکم او را دیده و ترسیده بود. روی چکمه هایش از پونز پوشیده شده بود او روزها به خانه ما می آمد و بسیار کم حرف می زد و زیبایی و قدرت این زن حیرت آور بود او بدون آنکه چیزی بگویم ذهن مرا می خواند و کارها را انجام می داد حتی دکور منزل را تغییر می داد و لباسهای او مانند لباسهای من بود اگر من در منزل روسری به سر داشتم اوهم روسری به سر داشت. او در منزل همه کارها را می کرد اما وارد آشپزخانه نمی شد و چیزی نمی خورد . یکبار برای من گوشت قربانی آورد . تا اینکه همسرم به خانه برگشت و از تغییر دکوراسیون اتاق خواب ناراحت شد و آن را مانند اولش کرد. زن چکمه پوش دیگر سراغم نیامد ولی گربه بزرگ گفت همسرت تاوان کارش را می دهد و همسرم به زندان افتاد. این روزهای آخر سه زن و یک مرد به سراغم آمدند و در اتاق پرستاری مرا اذیت می کردند یکی از زن ها شبیه من بود آزار آنها که تمام می شد گربه ها می آمدند . از شوهرم خواستم که از هم جدا شویم دیگر توان مبارزه با آنها را نداشتم روز ها در حین جمع وجور کردن خانه ناگهان بویی حس کردم بویی عجیب بود می فهمیدم الان سراغم می آیند و مرا به قلعه می برند و کتک می زنند. ناگهان بیهوش می شدم گاهی تا ۴۸ ساعت مگ بودم راه می رفتم و غذای

زیادی می خوردم اما خودم چیزی نمی فهمیدم. صبح روز بعد زوجین در دادگاه حضور یافتند روی صورت زن جوان زخم عمیق سه چنگال با فاصله ای بیشتر از دست انسان وجود داشت و صورت و دست های زن خون آلود بود. در ۱۰ مرداد حکم طلاق صادر شد. زن جوان گفت جن ها دیشب آمدند ولی دیگر مرا نمی زدند آنها خوشحال بودند و گفتند اقدام خوبی کردی آن را ادامه بده این زن جوان گفت: رای طلاق را دوماه بالای کمد گذاشتم و اجرا نکردیم آن ها شب سراغ من آمدند و مرا وحشتناک کتک زدند طوریکه روی بدنم خط و نشان کشیدند. با همسرم قرار گذاشتیم ساعت ۱۹ عصر روز بعد برای اجرای حکم طلاق به دفترخانه برویم و حضانت دو دختر م به همسرم سپرده شد. ساعت ۱۷ آنروز قبل از مراجعه به محضر همسرم مرا نزد دعانویسی برد. مرد دعانویس به همسرم گفت: اگر زنت را طلاق بدهی جن ها او را می برند و از ما ۱۰ روز مهلت خواست تا جن ها را مهار کند. خانواده ام گفتند تو که ۱۲ سال صبر کردی این ۱۰ روز را هم صبر کن اما در این ده روز کتک ها شدیدتر بود طوری که جای زخمها گوشت اضافه می آورد حتی سقف دهانم را زخم کرده بودند و موهای سرم را کنده بودند. چند بار مرا که کتک می زدند دختر کوچکم برای طرفداری به سمت من دوید اما آنها دخترم را زدند. پس از اجرای حکم طلاق جن ها خوشحال بودند بعد از آن چند بار به منزل همسرم رفتم تا کارهایش را انجام دهم و خانه اش را مرتب کنم اما جن ها با عصبانیت سراغم آمدند و دندان قروچه می کردند. بعد از طلاق که به خانه پدرم به همراه دو دخترم برگشتم دیگر آنها سراغم نمی آیند و مرا نمی زنند. تا چند وقت احساس دلتنگی به آنها دارم اگر بخواهم می توانم آنها را ببینم.

ارواح شریر کدامند و چه تفاوتی با جن دارند؟

ارواح شریر کدامند و چه تفاوتی با جن دارند؟ مطالعات بر روی آثار بشر بدوی از قبیل نقاشی ها و کنده کاری های غارها نشان می دهد که انسان از ابتدای آفرینش وجود موجوداتی غیر از خود را در محیط پیرامونش حس کرده است موجوداتی که ترس و وحشت و حتی نوعی پرستش و کرنش را در آنها ایجاد می کرده است پس از اختراع زبان و خط هر قوم و قبیله ای نامی بر آنان گذاردند و برای ارتباط یا دفع آنان آدابی را برای خود قائل شدند و این آداب نسل به نسل تداوم یافت چنانکه امروز هنوز در آفریقا رسومى با همان روش سنتی برای ارتباط با این موجودات و یا دفع آنان صورت می گیرد به عنوان مثال در آیین مسیحیت جن گیری یک سابقه دیرینه دارد که اغلب کشیش ها اقدام به آن می کنند و در واقع معتقدند که شیطان در قالب جسم فردی رسوخ می کند البته تقریباً به غیر از مسلمانان همگی این موجودات را ارواح شریر می نامند و برای دفع شر آنان اعتقادات مخصوص به خود دارند. مثلاً برخی از اروپاییان امروزی بر مبنای یک تفکر سنتی وقتی در خیابان راه می روند دست های خود را تکان می دهند تا از ارواح شریر دور بمانند و یا در روز معین از سال مراسمی برپا می کنند که در آن عده ای بسیار از مردم لباس شبیه به لباس اتاق عمل می پوشند، بوقی در دست می گیرند و در آن می دمند. اما بنابر اعتقادات مسلمانان تنها موجودات ماواء الطبیعه فرشته ها و جن ها هستند و روح انسان وقتی کاملاً از بدن انسان خارج شود نه تنها قدرتی ندارد بلکه انسان هم نمی تواند هیچ گونه تسلطی بر آن داشته باشد

مگر به خواست خداوند. در کتاب ارتباط با ارواح این طور آمده: تسلط ارواح عقب مانده بر انسان ها را در اصطلاح جن زدگی می گویند که در واقع به همان مفهوم افسون و تسخیر است ما استفاده از این اصطلاحات را به دو علت صلاح نمی دانیم اول این جن واژه ای است مخصوص موجودات هوشمند که بر طبق روایتی عامیانه معمولاً برای ایجاد شر خلق گشته اند و همواره محکوم به بدی کردن می باشند حال آنکه هیچ موجودی به خاطر بدی کردن آفریده نمی شود معشیت پروردگار چنان است که راه تکامل و تعالی همواره به روی تمام موجودات هوشمند باز باشد دوم این که اصطلاح جن زدگی غالباً بدین معنی به کار می رود که جسم شخص جن زده را یک جن دیگر و یا روح تصرف شود بعضی در واقع دو نوع سکونت در قالب یک بدن و این فقط یک نوع استثناست نه یک تصرف یا دشمن و آزار بدین جهت واژه جن زدگی به مفهوم عامیانه برای ما قابل قبول نیست آنچه از این متون و بسیاری از متون دیگر برمی آید این است که واژه جن در فرهنگ های دیگر نیز وجود دارد ولی عموماً آن را شیطان ویا ارواح شریر می نامند در حالی که ما مسلمانان معتقدیم که در میان جنیان جن صالح و نیکوکار نیز وجود دارد.

نزول جنیان از آنجایی که نوع خلقت جنیان با انسان ها متفاوت است واضح است که مکان

زندگی آنها متناسب با نوع خلقت آنها باشد ولی آن مکان ها کجاست؟ در بین عوام شایع است که زیر

زمین ها جاهای تاریک و مرطوب مانند حمام ها، چاه ها و عمق جنگل ها جایگاه جنیان است. اما بررسی ها حاکی از آن است که قطعاً آنها در جایی زندگی می کنند که از انسان ها به دور باشند. در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده که: در وادی شقره(بیابانی که رنگ خاکش سرخ مایل به زرد است) نماز نخوان زیرا در آنجا منازل جن است.(وسائل الشیعه، ص ۴۵۲) قابل ذکر است یکی از معروفترین مساجد مکه به نام(مسجدالجن) در غرب شهر مکه محل نزول جنیان در مکه است و مستحب است حاجیان در آن مسجد رفته و دو رکعت نماز به جا آورند. تولید مثل جنیان آنچه مسلم است این است که بنابر ذات وجودی جنیان آنها نیز مانند انسان دارای غریزه جنسی بوده و تولد و تناسل دارند و لازمه ادامه و بقای نسلشان آمیزش جنسی مؤنث و مذکر است. اما این سؤال که آیا آنها مانند انسان ها و سایر جانداران با عمل لقاح و تشکیل نطفه تولد می یابند چیزی نیست که از کلام خداوند بتوان استنباط کرد ولی ابن عربی در فتوحات گفته است تناسل بشر به القای آب نطفه در رحم است و تناسل جن به القای هوا در رحم اثنی(جنس ماده) می باشد(جن الشیطان، ص ۵۷) روایتی است از بخشی از وصیت حضرت رسول به امیرالمؤمنین که فرمود: ای علی در شب اول و وسط و آخر ماه آمیزش مکن همانا جنیان در این سه شب به پیش زنان خویش(برای مقاومت) می روند.(وسائل الشیعه، ص ۹۱) و در آیه ای برای وصف حوریان بهشتی آمده است: حوریان بهشتی را قبل از شوهرانشان نه آدمی و نه جن دست زده است.(سوره

الرحمن، آیه ۵۶ و ۷۴)

جن ها در چه مکان هایی زندگی میکنند؟؟؟

همان طور که پیش از این گفته شد، جن موجودی است مادی که از آتش خلق شده است از آنجایی که دارای حیات است و طبق آیات الهی زاد و ولد می کند پس نرو ماده دارد، خواب و خوراک دارد و پایان زندگی اش با مرگ توام است و باز بنابر آیات کریمه، زندگی پس از مرگ نیز خواهد داشت. تغذیه جنیان از آنجا که هر موجودی برای ادامه حیات خود احتیاج به تغذیه و خوراک دارد جنیان نیز به طور قطع از چیزهایی تغذیه می کنند. چنانکه «ابن بابویه» نقل کرده است: «گروهی از طایفه جنیان خدمت پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شدند و عرض کردند: ای رسول خدا چیزی برای خوردن به ما عطا فرما، حضرت هم استخوان و بازمانده غذا را به آنها عطا کرد.» (وسائل الشیعه، جلد ۱، ص ۲۵۲) و نیز امام صادق (ع) می فرماید: استخوان و ضایعات غذای جنیان است. (وسائل الشیعه) سخن گفتن جنیان فطرت انسان به گونه ای است که احتیاج به سخن گفتن و ارتباط برقرار کردن با هم نوعان خود ساخته است. از طرفی اصوات در حیوانات هم به طریق علمی و هم تجربی ثابت شده و همچنین در قرآن و روایات ذکر شده است که بعضی از پیامبران (مانند حضرت نوح و سلیمان) زبان حیوانات را دانسته و می توانستند با آنها سخن گویند. در جنیان نیز به همین گونه است. از آنجایی که جنیان نیز مادی هستند و زندگی اجتماعی آنها ایجاب می کند که با یکدیگر سخن بگویند، پس به طور قطع و یقین آنها اصواتی برای انتقال مفاهیم به یکدیگر دارند ولی در فهم ما نیست. البته کسانی می توانند به طریقی حرف های آنها را دریابند و با آنها سخن گویند؛ چنانکه حضرت رسول و برخی از امامان با آنها صحبت می کردند و افرادی بنابر توانایی های خاصی می توانند با آنها ارتباط برقرار کنند (ارتباط دهندگان یا جن گیران)

قرآن و جن

« جن » موجودی است ناپیدا که مشخصات زیادی برای آن در قرآن ذکر شده است، از جمله:

- ۱ - جن از شعله آتش آفریده شده؛ بر خلاف انسان که از خاک آفریده شده است. (سوره الرحمن، آیه ۱۵)
- ۲ - آنها نیز تمایلات نفسانی دارند. (سوره الرحمن، آیه ۵۶)
- ۳ - جنیان دارای علم و ادراک و تشخیص حق از باطل و قدرت منطق و استدلال است. آیات مختلفی از سوره جن بر این مطلب دلالت می کند.
- ۴ - دارای تکلیف و مسئولیت هستند. آیات سوره جن و آیاتی از سوره الرحمن دلالت بر این دارند.
- ۵ - آنها نیز نرو ماده دارند. (سوره جن، آیه ۶)
- ۶ - گروهی از آنان مؤمن صالح و گروهی کافر هستند. (و انا منا الصالحون و منا دون ذلک) (سوره جن، آیه ۱۱)
- ۷ - آنان نیز چون آدمیان دارای حشر و نشر و معاندند. (و اما القاسطون نکانوا لجهنم خطباً) (سوره جن، آیه ۱۵)

۸ - آنان قدرت نفوذ در آسمان ها و خبرگیری و استراق سمع داشته‌اند ولی بعداً ممنوع شدند. (سوره جن، آیه ۹)

۹ - در میان آنها جن‌هایی یافت می‌شوند که از قدرت زیادی برخوردارند، همان گونه که در میان انسان ها نیز چنین است. (سوره نمل، آیه ۳۹)

۱۰ - آنها قدرت انجام بعضی از کارهای انسان را دارند. (سوره سباء، آیه ۱۲ و ۱۳)

۱۱ - خلقت آنها بر روی زمین قبل از خلقت انسان ها بوده. (سوره هجر، آیه ۲۷)

۱۲ - تعداد جنیان بیش از آدمیان است. (سوره انعام، آیه ۱۲۸)

۱۳ - جنیان چون انسان ها دسته دسته به دنیا آمده‌اند، تا زمان مرگ زندگی کرده و بعد به جهان آخرت خواهند رفت. (سوره فصلت، آیه ۲۵)

آیا جن ها برتر از انسان ها هستند؟؟؟

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید «وما فرزندان آدم را بر بسیاری مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.» (سوره اسراء، آیه ۷۰) و همچنین واجب شدن سجده شیطان و فرشتگان بر انسان نیز، خود دلیلی برای برتر بودن نوع انسان است در پیشگاه خداوند. یک انسان کامل بر همه موجودات برتری دارد و حتی بعضی از انسان ها که راه برقراری ارتباط با جنیان را می‌دانند (مدیوم ها) می‌توانند بر آنها تسلط یابند. باز به قرآن کریم استناد می‌کنیم که می‌گوید «از پریان بودند که به فرمان پروردگارش برایش کار می‌کردند و هر که از آنان از فرمان سر می‌پیچد به او عذاب آتش سوزان را می‌چشانند.» برای وی هرچه می‌خواست از بناهای بلندوتندیس ها و کاسه‌هایی چون حوض و دیگ های محکم می‌ساختند.» (سوره سباء، آیه ۱۲ و ۱۳) اگرچه قرآن کریم در مورد تسلط بر جن فقط از حضرت سلیمان یاد کرده است ولی در بسیاری از کشورها و حتی در کشور خودمان هم نمونه های زیادی دیده شده که اشخاصی با عنوان جن گیر و یا احضار کنندگان ارواح توانسته‌اند از آنها بهره‌گیرند. در هر حال باید دانست که در پیشگاه خداوند انسان اشرف مخلوقات است و یک انسان کامل و مؤمن بر همه خلائق برتری دارد.

آیا جن ها برتر از انسان ها هستند؟ همه ما واژه «از ما بهتران» را به کرات شنیده ایم. این واژه در

فرهنگ عامیانه ما اغلب برای جن به کار می‌رود ولی آیا واقعاً این چنین است؟ آیا جن موجودی

برتر از انسان است؟ جن چگونه موجودی است؟؟؟ آیا می‌توان توسط علوم پیشرفته امروزی آن

را اثبات کرد؟

جن در لغت به معنای مستور و پوشیده است، همان طور که بچه در رحم و پنهان از چشم ما را «جنین» گویند و جنت اشاره به باغی

است که درختان آن مانع از به چشم آمدن زمینش می‌گردد. و شاید علت شک و تردید در وجود جن نیز همان مستور و پنهان

بودنش از انظار و حس بشری است، که به علت آن در ذات خلقتش نهفته است. قرآن کریم خلقت جن را چنین بیان می و جان (که در بعضی از متون اسلامی آمده است، جان پدر جن است همانطور دارد: خدا که آدم پدر انسان) را پیشتر، از آتش زهرآگین آفریدیم. (سوره حجر، آیه ۲۷) انسان را از گل خشک شده ای چون سفال آفرید و جنیان را از شعله ای بی دود. (سوره الرحمن، آیه ۱۲) از این آیات در می یابیم که جن، آتش است و انسان از جنس خاک، و این چنین دریافت می شود که جنیان قبل از انسان خلق شده است، و از آنجایی که هر دو از ماده آفریده شده اند پس مادی هستند، ولی دو تفاوت اساسی آنها را از سایر موجودات متمایز می سازد: ۱. می توانند خود را به هر شکل و قیافه ای درآورند (آکام المرجان) (به استثنای پیامبران و ائمه معصومین و بنا به برخی روایات حتی احدی از شیعیان) ۲. از چشم موجودات دیگر پنهانند. ملاصدرا پنهان و آشکار شدن جن را با هوا قیاس می کند و این طور عنوان می دارد: «بدن های لطیف در الطاف و نرمی متوسط بوده و از این رو آماده جدایی و یا گرد آمدن هستند، چون گردهم آیند قوام آنها بهتر گشته و مشاهده می گردند و چون جدا گردند قوامشان نازک و جسمشان لطیف می شود و از دیده پنهان می مانند. مانند هوا که وقتی ذاتش گردهم می آیند غلیظ می شود و به صورت ابر درمی آید و وقتی ذرات از هم جدا می شوند لطیف می شود و دیده نمی شوند.» همین ذات وجودی جنیان به آنها این امکان را می دهد که خود را به هر شکلی و با هر حجمی درآورند. چه به اندازه سوسوزن و چه در اندازه اتاقی بزرگ. آنها به واسطه همین ویژگی، بُعد زمان برایشان معنا ندارد، و مسافتی را که بشر مدت ها باید آن را طی کند. در لحظه ای می پیمایند و اعمالی را که از توان انسان خارج است آنها به راحتی قادر به انجامش هستند عمده ترین علت شکست و تردید در وجود آنان هم همین پنهان بودن از چشم انسان هاست. که البته از نظر علمی هم توجیه پذیر است. چرا که در جهان هستی چیزهای زیادی وجود دارد که به چشم انسان قابل رؤیت نیستند ولی قدرتش از نظر جسمی از انسان به مراتب بیشتر است. مثل الکترون ها، امواج الکترومغناطیسی، نورهای ماورای بنفش، اشعه ایکس، باکتری ها و ویروس ها، آمیب ها، جانداران تک سلول و از همه مهمتر ذات اقدس الهی که دیده نمی شود ولی کدام عقل سلیمی می تواند آن را انکار کند؟ بنابراین صرف این که با حواس خود قادر نیستیم آنان را درک کنیم، دلیل بر نبودن آنها نیست

جن ! یک واقعیت یا افسانه؟؟؟

جن یک واقعیت است یا افسانه در میان انسان ها بر خلقت نظام عالم دو دیدگاه کلی وجود دارد، عده ای که همه چیز را ناشی از خلقت ذات الهی می دانند و گروهی دیگر که سر منشاء خلقت نظام دو عالم را در طبیعت جستجو می کنند. اگر چه در میان آنان اختلاف نظرها بسیار عمیق و اساسی است، ولی هیچ یک از این دو گروه نتوانسته اند وجود موجودات ماوراء الطبیعه را انکار کنند. آنهایی که خدا باورند و به روح و معاد معتقدند (غیر از مسلمانان) از آنها به عنوان ارواح خبیثه و یا ارواح شریر یا شیطان یاد می کنند، برخی هم آنها را موجودات فضایی قلمداد می کنند، مادیون هم اعتقادی به ذات الهی و قدرت پروردگار ندارند، این موجودات را

همان انسان های اولیه ای می دانند که در سیر تکامل بین انسان و میمون حیوان مانده و به شکل و شمایل غریب در آمده اند و یا حتی برخی از آنها معتقدند که اینان انسان های وحشی و بدوی در اعماق جنگل هستند و گاهی خود را نمایان ساخته و موجب اذیت و آزار انسان های متمدن میشوند. بنا به نص صریح قرآن، موجودات عالم به سه گروه تقسیم می شوند: ۱. جامدات ۲. نباتات حیوانات؛ که یا دارای عقلند مانند انسان، فرشتگان و جنیان و یا فاقد عقل و شعور مانند حیوانات و باز بنا به آیات نورانی قرآن کریم، باید بدانیم که بدون هیچ شک و تردیدی موجودی با نام «جن» در جهان آفرینش وجود دارد که از نظر تکلیف و شایستگی مورد خطاب پروردگار قرار گرفته و مشابه انسان می باشد، چرا که: ۱. سی و چهار بار نام جن در قرآن کریم آورده شده است. ۲. هفتاد و دومین سوره قرآن با نام این موجود مزین گردیده است. ۳. احادیث و روایات فراوانی از پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، امامان و بزرگان علوم دینی در این خصوص، موجود بوده و در دسترس قرار دارد. ۴. به وسیله بسیاری از انسان ها رؤیت شده اند. به آیاتی از قرآن سپاهیان سلیمان از جن و • کریم که وجود جن را مبرهن می داند اشاره می کنیم: برای خدا • آدمی و پرنده گرد آمده و به صف می رفتند. (سوره نمل، آیه ۱۷) شریکانی از جن قرار دادند و حال آن که جن را خدا آفریده است. (سوره بگو از جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن بیاورند، نمی • انعام، آیه ۱۷) سخن پروردگارت بر تو • توانند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند. (سوره اسراء، آیه ۸) ای گروه • مقرر شد که جهنم را از جن و انس انباشته می کنیم. (سوره هود، آیه ۱۱۹) جنیان و آدمیان، اگر می توانید از قطر آسمان و زمین بگذرید، بیرون روید ولی بیرون نتوانید رفت مگر با قدرتی. (سوره الرحمن، آیه ۳۳)





جن

مقدمه

موجودات ماوراءالطبیعه

جن یک واقعیت است یا افسانه

جن چگونه موجودی است؟

آیا جن ها برتر از انسانند؟

حیات و زیستن جن بر روی زمین چگونه است ؟

تغذیه جنیان

سخن گفتن جنیان

مقدمه

در طول حیات هر انسانی موقعیتهایی وجود دارد که نقطه عطفی در زندگی او به شمار می آیند و چه زیباست که این نقطه عطف به سمت آگاهی و کمال باشد. قدم گذاردن در وادی ناشناخته و رسیدن به دانش و آگاهی شاید یکی از بزرگترین نقاط عطف در زندگی من بوده باشد. من هم مثل بسیاری از افراد، شناختم از جن تنها در گفته ها و شنیده هایی خلاصه می شد که بیشتر به

افسانه و قصه نزدیک بودند تا واقعیت، ولی امروزه پس از ماهها تحقیق و مطالعه به این باور رسیده ام که جن یک افسانه و خرافه نیست، «جن یک واقعیت مسلم است».

موجودات ماوراءالطبیعه

شاید به جرات بتوان بحث در وادی موجودات ماوراءالطبیعه را به قدمت تاریخ بشری دانست، چه در میان عوام و چه در میان روشنفکران، دانش پژوهان و محققین هر عصر. از این رو بعد از گذشت قرنهای این بحث هنوز هم به همان تازگی دنبال شده و چنانچه وقتی نوشته ای، گفتگویی، داستانی و یا حتی فیلمی درمورد آن تهیه می شود از استقبال عموم برخوردار می گردد، چرا که بشر همیشه تشنه برداشتن حجاب از مستورهای پیرامون خویش است، تا بتواند حس غریزی کنجکاوی خود را نسبت به این موجودات، به طریقی تسکین بخشد. شاید یک وجه اشتراک را بتوان در میان عوام و روشنفکران و دانشمندان یافت و آن شک و تردید نسبت به واقعیت وجودی آنان است؛ چرا که حتی سیر تکاملی علم در قاره اروپا و امریکا هم نتوانسته آن را از محالات بداند و علی رغم همه پیشرفتهای علوم بشری هیچ راه حل علمی برای پی بردن به چگونگی این موجودات عنوان نشده و همه چیز مانند ازل در شک و تردید است. اما در جهان بینی اسلامی همه چیز زیبا و بجا آفریده شده است، حتی موجود ماوراءالطبیعه ای با نام «جن»، موجودی که حتی برخی از مسلمانان، روشنفکران و دانش پژوهان در زمینه دینی یا به دیده شک و تردید در آن نگریسته، و یا سکوت کرده اند.

جن یک واقعیت است یا افسانه

در میان انسانها بر سر خلقت نظام عالم دو دیدگاه کلی وجود دارد، عده ای که همه چیز را ناشی از خلقت ذات الهی می دانند و گروهی دیگر که سرمنشا خلقت نظام عالم را در طبیعت جستجو می کنند. اگرچه میان آنان اختلاف نظرهای بسیار عمیق و اساسی است، ولی هیچ یک از این دو گروه نتوانسته اند وجود موجودات ماوراءالطبیعه را انکار کنند. آنهایی که خدا باورند و به روح و معاد معتقدند (غیر از مسلمانان) از آنها به عنوان ارواح خبیثه و یا ارواح شریر و یا شیطان یاد می کنند، برخی هم آنها را موجودات فضایی قلمداد می کنند، مادیون هم که اعتقادی به ذات الهی و قدرت پروردگار ندارند، این موجودات را همان انسانهای اولیه ای می دانند که در سیر تکامل بین انسان و میمون حیران مانده و به شکل و شمایل غریب درآمده اند و یا حتی برخی از آنان معتقدند که اینان انسانهای وحشی و بدوی در اعماق جنگل هستند و گاهی خود را نمایان ساخته و موجب اذیت و آزار انسانهای متمدن می شوند. و اما مسلمانان: بنا به نص صریح قرآن، موجودات عالم به سه گروه تقسیم می شوند: ۱- جمادات ۲- نباتات ۳- حیوانات؛ که یا دارای عقلند مانند انسان، فرشتگان و جنیان و یا فاقد عقل و شعورند مانند حیوانات و باز بنا به آیات نورانی قرآن کریم، باید بدانیم که بدون هیچ شک و تردیدی موجودی با نام «جن» در جهان آفرینش وجود دارد که از نظر تکلیف و شایستگی مورد خطاب پروردگار قرار گرفته و مشابه انسان می باشد، چرا که، ۱- سی و چهار بار نام جن در قرآن کریم آورده شده است. ۲- هفتاد و دومین

سوره قرآن با نام این موجود مزین گردیده است. ۳- احادیث و روایات فراوانی از پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، امامان و بزرگان علوم دینی در این خصوص، موجود بوده و در دسترس قرار دارد. ۴- به وسیله بسیاری از انسانها رویت شده اند. به آیاتی از قرآن کریم که وجود جن را مبرهن می داند اشاره می کنیم:

O سپاهیان سلیمان از جن و آدمی و پرنده گرد آمده و به صف می رفتند. (سوره نمل، آیه ۱۷)

O برای خدا شریکانی از جن قرار دادند و حال آن که جن را خدا آفریده است. (سوره انعام، آیه ۱۷)

O بگو اگر جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند، نمی توانند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند. (سوره اسراء، آیه ۸۸)

O سخن پروردگارت بر تو مقرر شد که جهنم را از جن و انس انباشته می کنیم. (سوره هود، آیه ۱۱۹)

O ای گروه جنیان و آدمیان، اگر می توانید که از قطر آسمان و زمین بگذرید، بیرون روید ولی بیرون نتوانیدرفت مگر با قدرتی.

(سوره الرحمن، آیه ۳۳)

O مرحوم شیخ مفید در کتاب «ارشاد» آورده است: «در آثاری از ابن عباس نقل شده: زمانی که پیامبر اسلام (ص) به قصد جنگ

با قبیله بنی مطلق از مدینه خارج شد، هنگام شب به دره وحشتناک و صعب العبوری رسید. اواخر شب جبرئیل بر آن حضرت نازل

شد و خبر داد که طایفه ای از جن در وسط دره جمع شده و قصد مکر و شر و آزار و اذیت شما و اصحابتان را دارند». (ارشاد ص

۳۹۹)

O از حضرت امام صادق (ع) روایت شده: روزی حضرت رسول (ص) نشسته بود، مردی به خدمتشان رسید که بلندی قامتش مثل

درخت خرما بود. سلام کرد، حضرت جواب داد و سپس فرمود: «خودش و کلامش شبیه جن است». سپس به او فرمود: کیستی؟

عرض کرد: من هام، پسر هیم، فرزند لاتیس، پسر ابلیس هستم (بحارالانوار ص ۸۳)

O بانو حکیمه دختر امام کاظم (ع) گوید: «برادرم امام رضا (ع) را دیدم که جلو در اتاقی با کسی صحبت می کرد در حالی که تنها

بود، عرض کردم: با چه کسی سخن می گوئید؟ فرمودند: فردی از جن آمده تا مسائلی بپرسد و از چیزهایی شکایت کند» (اصول

کافی ص ۳۹۵)

O علامه طباطبایی (ره) می فرمودند: «روزی آقای بحرینی که یکی از افراد معروف ومشهور در احضار جن و از متبحرین در علم

ابجد و حساب مربعات بود در مجلس ما حضور یافت، چادری آوردند، دو طرفش را به دست من داد و دوطرف دیگر را به دستهای

خود گرفت. این چادر به فاصله دو وجب از زمین فاصله داشت. در این حال جنیان را حاضر کرد، صدای غلغله و همهمه شدیدی از

زیر چادر برخاست. چادر به شدت تکان می خورد چنان که نزدیک بود از دست ما خارج شود. من محکم نگه داشته بودم، آدمکهای

به قامت دو وجب در زیرچادر بودند و بسیار ازدحام کرده و تکان می خوردند و رفت و آمد داشتند، من با کمال فراست متوجه بودم

این صحنه، چشم بندی و صحنه سازی نبوده و صد درصد وقوع امر خارجی بوده است» (رجایی، تهرانی جن و شیطان ص ۴۷)

اینها شمه ای بود از آیات قرآن کریم و احادیث و روایات که هرگونه شک و شبهه ای را در وجود واقعیت جن به یقین تبدیل می سازد.

جن چگونه موجودی است؟

به واقع جن چگونه موجودی است و آیا می توان توسط علوم پیشرفته امروزی آن را اثبات کرد؟ جن در لغت به معنای مستور و پوشیده است، همان طور که بچه در رحم و پنهان از چشم ما را «جنین» گویند و جنت اشاره به باغی است که درختان آن مانع از به چشم آمدن زمینش می گردد. و شاید علت شک و تردید در وجود جن نیز همان مستور و پنهان بودنش از انظار و حس بشری است، که علت آن در ذات خلقتش نهفته است. قرآن کریم خلقت جن را چنین بیان می دارد:

O و جان (که در بعضی از متون اسلامی آمده است، جان پدر جن است همان طور که آدم، پدر انسان) را پیشتر، از آتش زهرآگین آفریدیم. (سوره حجر، آیه ۲۷)

O خدا انسان را از گل خشک شده ای چون خاک سفال آفرید و جنیان را از شعله ای بی دود. (سوره الرحمن، آیه ۱۴ و ۱۵)

O مرا از آتش خلق کردی و او (انسان) را از گل آفریدی. (سوره اعراف، آیه ۱۲)

از این آیات در می یابیم که جن، آتش است و انسان از جنس خاک، و این چنین دریافت می شود که جنیان قبل از انسان خلق شده اند، و از آن جایی که هر دو از ماده آفریده شده اند پس مادی هستند، ولی دو تفاوت اساسی آنها را از سایر موجودات متمایز می سازد:

۱- می توانند خود را به هر شکل و قیافه ای درآورند (آکام المرجان) (به استثنای پیامبران و ائمه معصوم و بنا به برخی روایات حتی احدی از شیعیان).

۲- از چشم موجودات دیگر پنهانند. ملاصدرا پنهان و آشکار شدن جن را با هوا قیاس می کند و این طور عنوان می دارد: «بدن های لطیف آنها در الطاف و نرمی متوسط بوده و از این رو آماده جدایی و یا گردآمدن هستند، چون گرد هم آیند قوام آنها بهتر گشته و مشاهده می گردند و چون جدا گردند قوامشان نازک و جسمشان لطیف می شود و از دیده پنهان می مانند، مانند هوا که وقتی ذراتش گرد هم می آیند غلیظ می شود و به صورت ابر درمی آید و وقتی ذرات از هم جدا می شوند لطیف شده و دیده نمی شوند.» (ملاصدرا، مفاتیح الغیب)

همین ذات وجودی جنیان به آنها این امکان را می دهد که خود را به هر شکلی و با هر حجمی درآورند، چه به اندازه سرسوزن و چه در اندازه اتاقی بزرگ. آنها به واسطه همین ویژگی، بعد زمان برایشان معنا ندارد، و مسافتی را که بشر مدتها باید آن را طی کند، در لحظه ای می پیمایند و اعمالی را که از توان انسان خارج است آنها به راحتی قادر به انجامش هستند. عمده ترین علت شک و تردید در وجود آنان هم همین پنهان بودن از چشم انسانهاست، که البته از نظر علمی هم توجیه پذیر است. چرا که در جهان هستی

چیزهای زیادی وجود دارد که به چشم ما قابل رویت نیستند ولی قدرتشان از نظر جسمی از انسان به مراتب بیشتر است، مثل الکترونها، امواج الکتریسیته، نورهای ماورای بنفش، اشعه ایکس، باکتریها و ویروسها، آمیب ها، جانداران تک سلولی و از همه مهمتر ذات اقدس الهی که دیده نمی شود ولی کدام عقل سلیمی می تواند آن را انکار کند؟ بنابراین صرف این که با حواس خود قادر نیستیم آنان را درک کنیم، دلیل بر نبودن آنها نیست.

آیا جن ها برتر از انسانند؟

همه ما واژه «از ما بهتران» را به کرات شنیده ایم. این واژه در فرهنگ عامیانه ما اغلب برای جن به کار می رود ولی آیا واقعا این چنین است؟ آیا جن موجودی برتر از انسان است؟ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «و ما فرزندان آدم را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.» (سوره اسراء، آیه ۷۰)

و همچنین واجب شدن سجده شیطان و فرشتگان بر انسان نیز، خود دلیلی برای برتر بودن نوع انسان است در پیشگاه خداوند. یک انسان کامل بر همه موجودات برتری دارد و حتی بعضی از انسانها که راه برقراری ارتباط با جنیان را می دانند (مدیومها) می توانند بر آنها تسلط یابند. باز به قرآن کریم استناد می کنیم که می گوید: «از پریان بودند که به فرمان پروردگارش برایش کار می کردند و هر که از آنان از فرمان سرمی پیچید به او عذاب آتش سوزان را می چشاندیم. برای وی هر چه می خواست از بناهای بلند و تندیسها و کاسه هایی چون حوض و دیگهای محکم می ساختند.» (سوره سبا، آیه ۱۲ و ۱۳)

اگر چه قرآن کریم در مورد تسلط بر جن فقط از حضرت سلیمان یاد کرده است ولی در بسیاری از کشورها و حتی در کشور خودمان هم نمونه های زیادی دیده شده که اشخاصی با عنوان جن گیر و یا احضارکنندگان ارواح توانسته اند از آن ها بهره گیرند، که البته در مبحثی جدا به آن خواهیم پرداخت. در هر حال باید دانست که در پیشگاه خداوند انسان، اشرف مخلوقات است و یک انسان کامل و مومن بر همه خلائق برتری دارد.

حیات و زیستن جن بر روی زمین چگونه است ؟

بنا بر آیه کریمه قرآن:

O این موجود عجیب پیش از آفرینش انسان، خلق شده است. (سوره حجر، آیه ۲۷)

O جنیان از شعله های آتش آفریده شده اند. (سوره الرحمن، آیه ۱۴)

O جنیان چون انسانها دسته دسته به دنیا آمده اند، تا زمان مرگ زندگی کرده و بعد به جهان آخرت خواهند رفت. (سروره فصلت، آیه ۲۵)

O آنها نیز نر و ماده دارند. (سوره جن، آیه ۶)

O آن ها نیز تمایلات نفسانی دارند. (سوره الرحمن، آیه ۵۶)

همان طور که پیش از این گفته شد، جن موجودی است مادی که از آتش خلق شده است. از آنجایی که ماده است، بنابراین حیات دارد و از آنجایی که دارای حیات است و طبق آیات الهی زاد و ولد می کند پس نر و ماده دارد، خواب و خوراک دارد و پایان زندگی اش با مرگ توأم است و باز بنا بر آیات کریمه، زندگی پس از مرگ نیز خواهد داشت که در مبحث دیگری به آن خواهیم پرداخت.

تغذیه جنیان

از آنجا که هر موجودی برای ادامه حیات خود احتیاج به تغذیه و خوراک دارد جنیان نیز به طور قطع از چیزهایی تغذیه می کنند. چنان که «ابن بابویه» نقل کرده است: «گروهی از طایفه جن خدمت پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شدند و عرض کردند: ای رسول خدا چیزی برای خوردن به ما عطا فرما، حضرت هم استخوان و بازمانده غذا را به آنها عطا کرد.» (وسائل الشیعه، جلد ۱، ص ۲۵۲) و نیز امام صادق (ع) می فرماید: «استخوان و ضایعات غذای جنیان است.» (وسائل الشیعه)

سخن گفتن جنیان

فطرت انسان به گونه ای است که او را محتاج به سخن گفتن و ارتباط برقرار کردن با هموعان خود ساخته است. از طرفی اصوات در حیوانات هم به طریق علمی و هم تجربی ثابت شده و همچنین در قرآن و روایات ذکر شده که بعضی از پیامبران (مانند حضرت نوح و سلیمان) زبان حیوانات را دانسته و می توانستند با آنها سخن گویند، در جنیان نیز به همین گونه است، از آنجایی که جنیان نیز مادی هستند و زندگی اجتماعی آنها ایجاب می کند که با یکدیگر سخن بگویند، پس به طور قطع و یقین آنها اصواتی برای انتقال مفاهیم به یکدیگر دارند ولی در فهم ما نیست. البته کسانی می توانند به طریقی حرفهای آنها را دریابند و با آنها سخن گویند؛ چنانکه حضرت رسول و برخی از امامان با آنها صحبت می کردند و افرادی بنا بر تواناییهای خاصی می توانند با آنها ارتباط برقرار کنند. (ارتباط دهندگان یا جن گیران) از امام صادق (ع) نقل شده است: «روزی امیرالمومنین (ع) در کوفه بر فراز منبر مشغول خطبه بود که ناگهان ازدهایی در حالی که به شدت به طرف مردم می دوید و آنها از او می گریختند پدیدار شد. حضرت فرمود: «راه را برای او باز کنید.» ازدها جلو آمد و از منبر بالا رفت و پاهای حضرت (ع) را بوسید و خود را به پاهای مبارک حضرت مالید و سه بار دمید، سپس پایین آمد و رفت و حضرت خطبه را ادامه داد. وقتی مردم توضیح خواستند ایشان فرمود: او مردی از جن بود که می گفت: فرزندش را یکی از انصار به نام جابر بن سمیع، بدون این که به او آزاری رسانده باشد با سنگ کشته است و اکنون خون فرزندش را می طلبید.» (بحارالانوار، ص ۱۷۲) قابل ذکر است، دری که ازدها از آن وارد و خارج شده بود به «باب الثعبان» (درب ازدها) مشهور شد.

پس از شهادت امیرالمومنین (ع)، معاویه که نمی خواست ذکری از فضایل آن حضرت گفته شود دستور داد فیل آوردند و به آن در بستند. آن قدر فیل را در آنجا نگاه داشت تا به باب الفیل مشهور شد و هم اکنون نیز، «باب الفیل» (درب فیل) نامیده می شود.

بهتر است، قبل از نوشتن هر دعائی نکات زیر رعایت شود :

ابتدا استحمام کنید، سپس لباس پاکیزه بپوشید، وضو بگیرید ، دورکعت نماز توبه و دو رکعت نماز حاجت بخوانید. در یک اتاق خلوت ، در یک روز مبارک (مثلا ، روز ولادت یکی از ائمه معصومین علیهم السلام)، رو به قبله بنشینید ، و در یک کاغذ سفید بدون خط ، با قلم نی و زعفران ، شروع به نوشتن دعا کنید . (از زعفران حل شده در آب به عنوان مرکب ، استفاده شود) بعد از اتمام کار ، دعا را به صورت مربعی تا بزنید و آن را با نایلون جلد بگیرید و در جیب پیراهن خود قرار بدهید .

تذکر : برای راحت نوشتن ، نوک قلم نی را تیز کنید تا همانند خود نو یس شود .

نقش دعا در محافظت از انسان

در کتاب مهج الدعوات ، نوشته ابن طاووس (ره) از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است : اگر می خواهی از کلیه حوادث در کنف حمایت خداوند قرار بگیری و جن و انس نتوانند به تو آسیبی برسانند ، این دعا را نوشته و با خود نگهدار .

هدایای جن ها به انسان

از امام باقر (ع) نقل شده: پدرم امام سجاد(ع) با جمعی از مردم و دوستان عازم مکه شدند. وقتی که به صحرای عسفان رسیدند دوستان در آن وادی خیمه و چادر هایی آماده نمودند . سپس پدرم وارد شد و فرمود : چرا شما در این مکان منزل کرده اید در حالی که اینجا منزلگاه طایفه ای از جن میباشد که شیعیان و دوستان ما هستند و جای آنها تنگ شده است . اصحاب عرض کردند : ما از جریان مطلع نبودیم معذرت خواستند و شروع کردند به انداختن چادرها ناگاه صدایی شنیدند که کسی میگفت : یا بن رسول الله دستور فرمایید به خیمه ها دست نزنند ما افتخار داریم که شما به محل ما وارد شده و نزول اجلال فرموده اید تنگی جا را تحمل کره و افتخار هم میکنیم در حالی که صاحب صدرا نمی دیدیم حضرت فرمودند: بگذارید خیمه ها باشد و آسوده بنشینید وقتی که در خیمه ها جا گرفتیم دیدیم از یک طرف خیمه طبقی بسیار بزرگ از میوه های رنگارنگ به زمین گذاشته شد و بشقابهایی هم چیده شد. حضرت فرمود: همگی از این نعمت ها استفاده بکنید و اصحاب نیز استفاده کردند

دنیای اسرار آمیز جن و پری

جن ها در همه جا وجود دارند

جن یکی از موجودات نادیدنی است. جهان ما برای جن قابل رویت و لمس است ولی جهان جن برای ما انسانها قابل رویت و لمس نیست. تقریباً جن های هر منطقه لباس و زبان محلی همان منطقه را دارند. در احادیث داریم شب هنگام که لباس خود را در می آورید بسم الله الرحمن الرحیم بگویید تا اجنه لباس شما را نپوشند، چون گاهی پیش می آید که اجنه در مراسم خود از لباس انسان استفاده میکنند. اجنه در همه جا وجود دارند. البته برخی از روایات به اماکن خاصی اشاره کرده اند که جن در آنجا حضور بیشتری دارد و گویا موطن اصلی آنها تلقی می شود. این مکانها عبارتند از: بیابانها، اعماق زمین، مناطق خلوت، اعماق آسمان، محل دفن مردگان ، اعماق دریاها و اقیانوسها ، مکان های نجس، حمام، دستشویی، و

گاهی ممکن است اجنه از ترکیب خانه ای خوششان بیاید و یا با صاحب خانه مانوس شده باشند آنگاه امکان فروش و تجدید بنای خانه تقریباً غیر ممکن میباشد. اغلب خانه هایی که گاهی در محله های بالای شهر می بینید که علی رغم صاحبان سرمایه دار سالیان سال به حالت مخروبه افتاده و تغییری در آن پدید نمیا ید به همین دلیل است. جنیان غذا میخورند . باز مانده غذای انسانها ، مغز استخوان، بوی غذاهای انسانها ، هوا ، علف و سبزیهای خوش طعم ، جو ، شاهدانه ، ...جزو غذاهای جنیان است . البته از خوردنیها و آشامیدنیهای دیگر هم استفاده میکنند. اجنه مراسم ازدواج دارند و بصورت خانوادگی زندگی میکنند. جا و مکان برایشان مطرح نیست نر و ماده دارند آلت تناسلی دارند جنس نر و ماده با هم آمیزش دارند و مدت بارداری آنها کم تر از انسان است و معمولاً هر شکم بیشتر از یک بچه متولد نمیشود. وضع حمل آنها آسان تر از بشر است رشد بچه سریعتر و بلوغ هم دارند. زاد و ولدشان مثل انسان زیاد نیست . طول عمرشان بیشتر از آدمی است مرگ دارند جسمشان فنا میشود و احتیاجی به قبرستان ندارند. گرما و سرما و درد را احساس نمیکنند اما لذت خوشی و ناخوشی دارند اکثر حیوانات آنها را می بینند و برایشان عادی است از این رو به آنها حمله نمیکنند. اجنه میتوانند خود را به صورت انسان و غیر انسان در آورند. آنها پدیده های بسیار لطیفی هستند که میتوانند انبساط و انقباض کنند در حالت عادی در حال انبساط اند لذا دیده نمیشوند ولی اگر منقبض شوند میتوان آنها را دید و یا حتی از آنها عکس گرفت البته به شرطی که به این کار راضی باشند. به علت نداشتن عنصر خاکی قوه طی الارض دارند. چون همیشه با انسان ها در ارتباط و در تماس هستند به همه زبان ها آشنایی دارند. روزی که خداوند انسان را خلق کرد فاصله بین جنیان و آدمیان قرار داد که اجنه بدون اذن خدا اجازه نزدیک شدن و آسیب رساندن به آدمیان را ندارند و اصولاً اعمال زشت انسان سبب صدمه به خود او میشود و جنیان از طرف خداوند اجازه اذیت کردن می یابند.

اجنه دارای هوش بسیار سر شاری هستند و قدرت تله پاتیک خارق العاده ای دارند . آنها دارای روح و نفس هستند و از بین خودشان پیامبر ندارند و بایستی از دستورات پیامبر آدمیان پیروی کنند که چون خلقت آنها خیلی قبل تر از انسان بوده در بین فقها این نظریه که اجنه دارای پیامبری از جنس خودشان نیستند اختلاف نظر وجود دارد. اجنه نیز مانند انسان ها خوب و بد ظالم و مومن دارند و دارای مذاهب گوناگون اند و عباداتشان طبق همان عقیده دینی است که دارند. خداوند احظار و تسخیر جن و روح را تحریم کرده زیرا انسان را از راه حقیقت دور کرده و به عبادات شیطان وادار میکندو سر انجام او را تباه خواهد کرد.

برای دور کردن جن و شیطان باید به خدا توسل جست. اجنه به محض شنیدن ذکر و ورد فرار میکنند. وقتی بسم الله الرحمن الرحیم گفته شود اثر بد و شیطانی جن های کافر خنثی میشود. پس ذکر بسم الله الرحمن الرحیم در رفع و دور کردن شیطان و اجنه موثر است .

نادعياً مظهر العجائب، تجده عونالك فى النوائب، كل هم و غم سینجلى، بعظمتک یاالله،

بنوتک یا محمد و بولایتک یاعلی یا علی یا علی

جنگ با جن ها

روایت شده که چون پیامبر (ص) به جنگ بنی المصطلق تشریف می بردند در نزدیکی وادی و دره ناهمواری فرود آمدند چون آخر شب شد فرشته وحی الهی نازل شد و به حضور پیامبر عرضه داشت که طایفه ای از کافران و متمردين جن در این وادی کمین کرده اند می خواهند به اصحاب شما حمله کنند .پیامبر به امام علی (ع) فرمود : به سوی کمینگاه جنیان که از دشمنان خدا هستند برو و با قدرتی که خداوند به تو اعطا کرده وبا استفاده از اسماء الهی که خداوند تورا به آن آگاه گردانیده شر آنها را از سر اسلام برطرف

کن . سپس صد نفر از صحابه را که صاحب شمشیر بودند با آن حضرت همراه ساخته فرمود : با علی باشید و آنچه که دستور داد اطاعت کنید امیرالمومنین (ع) متوجه آن وادی شد چون نزدیک کمین گاه رسید به اصحاب خود فرمود : در کنار وادی توقف کنید تا شما را دستور ندادم حرکت ننمایید اما خود ان بزرگوار از شر دشمنان به خدا پناه برده بهترین اسماء الهی را یاد کرد و به سمت دشمن حرکت کرد و به اصحاب هم اشاره فرمود به سوی من حرکت کنید . چون نزدیک دره رسیدند فرمود : همین جا توقف کنید دیگر جلو نیایید لکن خود آن حضرت وارد آن وادی خوفناک شد اصحاب دیدند باد تندی وزید نزدیک بود همه همراهان بر روی زمین بیفتند و از ترس شروع به لرزیدن کردند . حضرت علی (ع) در وسط دره با صدای بلند نعره می زد : منم علی بن ابی طالب وصی رسول رب العالمین و پسر عم ان بزرگوار . اگر توان دارید در مقابل من بایستید و از برابر من فرار نکنید در همین حال صورت هایی پیدا می شد همچون زنگیان که شعله های آتش در دست داشتند و تمام وادی و اطراف آن را فرا گرفته بودند لکن حضرت قرآن تلاوت می نمودند و شمشیر خود را به جانب راست و چپ حرکت می داد و پیش می رفت وقتی که به نزدیکی آنها می رسید مانند دود سیاه می شدند و بالا می رفتند و نابود می شدند . سپس حضرت الله اکبر گویان از وادی بیرون آمد و نزدیک همراهان ایستاد وقتی که دودها و آتش ها بر طرف شد صحابه عرض کردند : یا علی چه دیدی ماکه نزدیک بود از ترس هلاک شویم ؟ حضرت فرمود : وقتی که حاضر شدند و آماده حمله گردیدند من با صدای بلند شروع کردم به خواندن اسمای الهی و از ایشان نترسیدم و رو به ایشان حمله کردم تا در مقابل من ضعیف شدند و اگر بر هیئت خود می ماندند همه را هلاک می کردم . خداوند مسلمانان را از شر ایشان نجات داد و باقیمانده ایشان به خدمت حضرت پیامبر ص پناه بردند تا ایمان بیاورند و از ایشان امان بگیرند و چون حضرت امیرالمومنین (ع) با اصحاب خود پیش پیامبر (ص) بازگشتند و خبر رانقل کردند پیامبر شاد شد و برای امام علی (ع) دعای خیر کردند و فرمودند : یا علی خداوند بقیه آنها را طوری از شمشیر تو ترسانده بود که همگی با ترس و لرز پیش من آمدند و از من امان خواستند و مسلمان شدند و من اسلام ایشان را قبول کردم

دود کردن اسفند

برای در امان ماندن از حملات نامرئی شیاطین ، هر روز در محل زندگی خود ، مقداری اسفند دود کنید . در حین دود کردن اسفند ، صلوات هم بفرستید

پس از مطالعات و تجربیات زیادی که در زمینه علوم غیر مادی داشته ام ، به این نتیجه رسیده ام که ریشه اکثر دعاها ، جر و بحث ها ، جنایت ها ، قتل ها ، فسادهای جنسی ، مرگهای ناگهانی ، بیماریهای لا علاج ، و ... ناشی از حملات نامرئی جن های بد (شیاطین) به انسانها میباشد . یکی از ساده ترین راهها برای دفع شیاطین ، دود کردن اسفند می باشد . چون شیاطین از بوی دود اسفند ، به شدت متنفرند . راه دیگر ان است که از یک جن گیر (دعا نویس) معتبر و با تجربه ، دعا گرفت و همیشه ان دعا را همراه خود نگه داشت . البته راههای دیگری هم وجود دارد که کمی دشوار است .

اللهم صل على محمد و آل محمد

ازدواج جن با انسان

فاضل تنکابنی در قصص العلماء در ضمن ترجمه شیخ جعفر عرب نقل نمود که: در زمانی که شیخ جعفر در لاهیجان بود شخصی به حضورش شرفیاب شده عرض کرد با جناب شیخ سخن محرمانه ای دارم. وقتی مجلس خلوت شد عرض کرد: من در حباله خود دو زن دارم. روزی در صحرا تنها بودم که دختری در نهایت حسن و جمال دیدم و از مشاهده او در بیابان هراسان و حیران شدم پس آن دختر پیش من آمد و گفت: وحشت نکن من دختری هستم از طایفه جن و عاشق تو گشته ام برو برای من در خانه خود منزلی آماده کن که من هر شب به نزد تو آیم و از مال دنیا هرچه بخواهی برای تو می آورم لکن به دو شرط اول: آنکه از زنان خود به کلی کناره گیری کنی و با ایشان مقاربت ننمایی دوم: آنکه این سر را به کسی اظهار نکنی و اگر از هر یک از این دو شرط تخلف کنی تو را هلاک میکنم و اموال خود را هم خواهم برد. من همان طوری که او گفته بود عمل کردم و تا به حال از زن های خود قطع علاقه کرده ام و اموال بسیاری هم آورده لکن از مقاربت اوضعفی بر من عارض شده که خود را نزدیک به هلاکت میبینم و از ترس او جرئت کناره گیری را هم ندارم زیرا میدانم هم مرا از بین میبرد و هم مالی که آورده خواهد برد فعلا کار من به اضطرار کشیده و برای خلاصی از این مهلکه جز شما پناه و مرجعی ندارم اکنون تو نائب امام زمان (ع) هستی مرا از این مهلکه باید نجات بدهی. شیخ بزرگوار چون این مطلب را شنید دونا مه نوشت و به آن مرد داد و فرمود: یکی از اینها را بر بالای اموال خود بگذار و آن دیگری را در دست خود بگیر و در مقابل آن خانه بنشین و چون آن دختر آمد بگو این نامه را شیخ جعفر نجفی نوشته است. آن مرد می گوید به دستور شیخ بزرگوار عمل کردم. چون دختر آمد آن نامه را به او نشان دادم و گفتم آقا شیخ جعفر این نامه را نوشته. چون این حرف را شنید دیگر پیش من نیامد و به نزد اموال روانه گردید. وقتی نامه دیگر شیخ را روی اموال دید برگشت به من متوجه شد و گفت: اگر شیخ بزرگوار نامه ننوخته بود تو را به جهت افشای این سر هلاک می کردم و این اموال را هم میبردم لکن بر امر شیخ مخالفت نمی توانم بکنم و قادر هم نیستم. این جمله را گفت و رفت و دیگر او را ندیدم

درخواست ازدواج جن از انسان

حجه الاسلام آقا سید محمد ابراهیم حسینی (صدر) نقل فرمودند که: من در سال ۱۳۷۴ در روستای کرزان از توابع تویسرکان منبر می رفتم. روز تاسوعا بود. بامیزبان خود آقای محمود افشاری برای گردش به صحرا رفتیم. پدری با دوفرزندش را دیدیم که لوبیای قرمز می کاشتند. بعد از احوالپرسی سخن معجزه ائمه به میان آمد. آقای کریمی داستان جالبی نقل کرد و گفت: یکی از بچه ها به نام عباس مرد متدین و دقیق در انجام تکالیف شرعی است که با مادر و همسر خود زندگی می کند. روزی از محل کار خود خارج شده به سوی منزل میروود در بین راه صدای دختری به گوش میرسد که ایشان را با نام صدا میزند. وقتی که بر میگردد دختری زیبا با قیافه

بسیار دلفریبی را مشاهده میکند آن دختر اظهار می کند عباس من عاشق تو شدم و در خواست ازدواج با تو را دارم. عباس با شنیدن این کلام در حالی که از اتهام مردم هراسان است که در کوچه با چنین دختری مشغول صحبت گردیده گفت : من همسر و مادری در تحت تکلف خود دارم و هیچ گونه توانایی اراده دو همسر و مادرم را ندارم . دختر اظهار میکند که من از شما توقع مخارج و غیره را ندارم بلکه نیازهای مادی شما را هم هرچه باشد برطرف خواهم کرد . عباس می گوید چون نمی خواستم در جایی که مردم متوجه بودند با او صحبت کنم تا مبادا آبرویم خدشه دار شود لذا بی اعتنایی کرده و به سوی منزل روانه شدم . وقتی به منزل رسیدم دیدم جلوتر از من آمده و در منزل نشسته است . گفتم: من تا به امروز اصلا تو را ندیده ام تو چطور ندیده عاشق من شده ای؟ گفت : من از طایفه جن هستم انسان نیستم ولی چکنم عاشق و دلباخته تو شده ام از تو تقاضای ازدواج دارم و تمام زندگی ترا تضمین میکنم که با خوشبختی زندگی کنی . عباس میگوید او هرچه اصرار می کرد من مخالفت میکردم تا اینکه گفت : عباس من میروم تو تا فردا با مادر و همسرت مشورت کن. در همین حال مادر و همسر من نشسته بودند گفتند : گویا تو با کسی صحبت میکنی ما که غیر از تو کسی را نمی بینیم من جریان را شرح دادم مادرم گفت : عباس جن زده نشده باشی؟ آن روز گذشت فردا من طبق معمول به دکان رفته مشغول کار شدم و در وقت همیشگی به خانه برگشتم وقتی که وارد شدم دیدم باز آن دختر نشسته و منتظر است . بعد از سلام و جواب گفت : عباس! با مادر و همسرت مشورت کردی؟ گفتم: دیروز من به تو گفتم من نیازی به ازدواج دوم ندارم و خواهش میکنم که دست از من بردار. او گفت : من در عشق تو بیقرارم و می سوزم استدعا میکنم با من ازدواج کنی و همین طور اصرار میکرد . گفتم : خلاصم کن من ایدا به ازدواج دوم تن نخواهم داد باز دیدم رهايم نمی کند ناچار برای خلاصی خود سیلی محکمی به صورتش زدم . نگاه به من کرد و گفت: اگر من چنین سیلی به تو بزنم زنده نخواهی ماند . در همین حال وقتی از من مایوس شد یک سیلی به من زد . دیگر نفهمیدم جریان چه شد وقتی مادر و همسر من بیند من نقش زمین شدم مرا به پزشک می رسانند . ولی چون کاملاً لال شده بودم از معالجه من نا امید می شوند. عباس بعد از مدت مدیدی با همین حال که قادر به سخن نبود زندگی میکند تا اینکه روزی آرزو میکند که به زیارت امام رضا (ع) نائل آید و این آرزو را با اشاره به نزدیکان خود میفهماند . مادر و همسر و برادری که در تهران زندگی میکرد به همراه عباس به مشهد مقدس عازم میشوند . یک هفته در مشهد میمانند و هر روز به زیارت مشرف میشوند تا اینکه روزی در منزل عباس امام رضا(ع) و امام زمان (عج) را در خواب میبیند و شفای کامل پیدا میکند

إحضار جن

در محضر حضرت علامه طباطبائی (ره)

روزی اقا سید نورالدین (اقا زاده کوچک ایشان) ، در تهران که بودم نزد من آمد و گفت: اقا جان ، استاد بحرینی در تهران است .

میخواهید من او را فوراً اینجا نزد شما بیاورم؟

و آقای بحرینی یکی از افراد معروف و مشهور در احضار جن، و از متبحرین در علم اُبجد و حساب مربّعات است. گفتم: اشکال ندارد.

سید نورالدین رفت و پس از یکی دو ساعت آقای بحرینی را با خود آورد و در مجلس نشست و سپس چادری را آوردند و دو طرفش را به دو دست من داد و دو طرف دیگر را به دستهای خود گرفت. و این چادر که بدست ما بود تقریباً بفاصله دو وجب از زمین فاصله داشت. در اینحال جنیان را حاضر کرد و صدای غلغله و همهمه شدیدی در زیر چادر برخاست، و چادر به شدت تکان میخورد که نزدیک بود از دست ما خارج شود، و من محکم نگاه داشته بودم. و از طرفی آدمکهای به قامت دو وجب در زیر چادر بودند و بسیار ازدحام کرده بودند، و تکان میخوردند، و رفت و آمد داشتند.

من با کمال فراست متوجه بودم که این صحنه، چشم بندی و صحنه سازی نباشد. دیدم: نه، صد در صد وقوع امر خارجی است. در اینحال آقای بحرینی یک مربع سی و دو خانه ای کشید. و من تا آنحال چنین مربّعی را نشنیده و ندیده بودم. چون سیر مربّعات چهار در چهار، و یا پنج در پنج است. و سیر مربّعات هر چه باشد مانند مربّع صد در صد، بر این منوال است. ولی مربع سی و دو خانه ای، در هیچ کتابی نبود. و آقای بحرینی از من سؤالاتی مینمود و یادداشت میکرد و جواب میداد. و از بعضی از مشکلات ما که هیچکس اطلاع بر آن نداشت جواب گفت. و جوابها همه صحیح بود.

من آن روز بسیار تعجب کردم. مانند آقای ادیب که از شاگردان برادر من: آقا سید محمد حسن بود، و چون روح مرحوم قاضی رحمه الله علیه را حاضر کرده بود و از رفتار من سؤال کرده بود، فرموده بود: روش او بسیار پسندیده است؛ فقط عیبی که دارد آنست که پدرش از او ناراضی است و میگوید: در ثواب تفسیری که نوشته است مرا سهیم نکرده است. چون این مطلب را برادر من از تبریز بمن نوشت، من با خود گفتم: من برای خودم در این تفسیر ثوابی نمیدیدم، تا آنکه آن را هدیه به پدرم کنم. خداوندا اگر تو برای این تفسیر ثوابی مقدّر فرموده ای، همه آن را به والدین من عنایت کن. و من همه را به آنها اهداء میکنم.

پس از یکی دو روز کاغذ دیگری از برادر من آمد، و در آن نوشته بود که: چون روح مرحوم قاضی را احضار کرد مرحوم قاضی فرموده بودند: اینک پدر از سید محمد حسین راضی شده، و بواسطه شرکت در ثواب بسیار مسرور است. و از این اهداء ثواب هم هیچکس خبر نداشت.

سوره جن

ترجمه فارسی سوره جن

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

بگو: به من وحی شده که: گروهی از جنّ [به قرآن] گوش دادند و گفتند: همانا ما قرآن شگفت آوری شنیدیم، (۱) که به سوی راه راست هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و هرگز احدی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد، (۲) و [این حقایق را اعتراف و اقرار می کنیم]: اینکه برتر و بلند است عظمت پروردگارمان، و او هرگز برای خود همسری و فرزندى نگرفته است، (۳) و اینکه سبک مغز و نادان ما همواره درباره خدا سخنی دور از حق می گفت [که او دارای همسر و فرزند است!] (۴) و اینکه گمان می کردیم، هرگز انس و جن بر خدا دروغ نمی بندند، (۵) و اینکه مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردند، پس [مردان جن] بر طغیان و تباهی شان افزودند، (۶) و مردانی از انس پنداشتند چنان که شما [جنیان] پنداشتید که: خدا هرگز کسی را [به نبوت] بر نمی انگیزد! (۷)

و اینکه [برای کسب خبر] به آسمان نزدیک شدیم، پس آن را پر از نگهبانان نیرومند و تیرهای شهاب یافتیم، (۸) و اینکه ما در آسمان برای شنیدن [خبرهای ملکوتی و سخنان فرشتگان] در نشستگاه هایی می نشستیم، ولی اکنون هر که بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد! (۹) و اینکه ما نمی دانیم آیا درباره کسانی که در زمین هستند گزند و شری خواسته شده، یا پروردگارشان برای آنان هدایت خواسته است؟ (۱۰) و اینکه از ما برخی شایسته و برخی غیر شایسته اند، [و] ما بر مذاهب گوناگون و متفاوتی هستیم، (۱۱) و اینکه ما یقین داریم که هرگز نمی توانیم خدا را در زمین عاجز و درمانده کنیم و هرگز نمی توانیم [با گریختن و فرار] از دسترس قدرت او بیرون رویم، (۱۲) و اینکه چون هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ زیرا کسی که به پروردگارش ایمان آورد نه از کاسته شدن ثواب می ترسد و نه از اینکه سختی ورنجی او را احاطه کند، (۱۳) و اینکه گروهی از ما تسلیم [فرمان ها و احکام] خداوند، و برخی منحرف اند، پس کسانی که تسلیم شدند در صدد یافتن حقیقت و راه مستقیم اند، (۱۴) ولی منحرفان هیزم دوزخ اند، (۱۵) و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد، (۱۶) تا آنان را در زمینه فراوانی نعمت بیازماییم، و کسی که از یاد پروردگارش روی برگرداند، او را در عذابی بسیار سخت و روز افزون در خواهد آورد، (۱۷) و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مپرستید، (۱۸) و اینکه هنگامی که بنده خدا [محمد] برمی خاست تا خدا را عبادت کند [از جنیان به اندازه ای به سویش هجوم می بردند که] نزدیک بود جمعیت انبوه و متراکمی بر سر او بریزد، (۱۹) بگو: من فقط پروردگارم را می پرستم، و هیچ کس را شریک او قرار نمی دهم (۲۰) بگو: من اختیار زیان و هدایتی را برای شما ندارم (۲۱) بگو: [اگر از او نافرمانی کنم] هرگز کسی در برابر [عذاب] خدا مرا پناه نمی دهد، و هرگز پناهگاهی غیر او نمی یابم (۲۲) [وظیفه من] فقط رساندن [برنامه های سعادت بخش] از سوی خدا و [رساندن] پیام های اوست. و آنان که از خدا و پیامبرش نافرمانی کنند، مسلماً آتش دوزخ برای آنان است و در آن جاودانه و همیشگی اند (۲۳) [اینان همواره شما را ضعیف و ناتوان و بی یار می شمارند] تا زمانی که آنچه را [از عذاب] وعده داده می شوند ببینند، پس به زودی آگاه می شوند چه کسی یاورش ناتوانتر و نفراتش کمتر است؟ (۲۴) بگو: نمی دانم آیا آنچه را وعده داده می شوید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی طولانی قرار خواهد داد؟ (۲۵) [او] دانای غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی کند؛ (۲۶) مگر پیامبرانی را که [برای آگاه شدن از

غیب] برگزیده است، پس نگهبانانی [برای محافظت از آنان] از پیش رو و پشت سرشان می گمارد (۲۷) تا مشخص کند که پیام های پروردگارشان را [به طور کامل به مردم] رسانده اند و او به آنچه نزد آنان است احاطه دارد، و همه چیز را از جهت عدد شماره و احصا کرده است (۲۸)

آشنائی بیشتر با جن

جن دارای حرکات بسیار سریع می باشد و به همین دلیل قبلاً می توانست در آسمان نفوذ و استراق سمع کند ولی با ظهور حضرت مسیح (علیه السلام) جلوی ورود و نفوذ آنها به آسمانها به صورت نسبی گرفته شد و با ظهور پیامبر گرانقدر اسلام حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) کاملاً از ورود آنها به آسمانها جلوگیری گردید. خلقت انسان بعد از خلقت جن روی زمین بوده است و جن ها هفت هزار سال پیش از انسان در کره زمین زندگی می کردند. همانطور که انسان ها از نسل آدم و حوا بوده، جن ها از نسل مارج و مارجه می باشند. طول عمر جن از انسان بسیار زیادتر است (حدود دو هزار سال عمر میکنند) ولی جن نیز دارای مرگ، تولد و عمر محدود و مشخص می باشد، همچنین دارای حشر، نشر، معاد، حساب و کتاب اخروی است. از لحاظ مرفولوژی و ظاهری، قیافه واقعی جن با انسان تفاوت دارد (این موجودات می توانند با قیافه و ظاهر کاذب نمایان شوند). جن یک امتیاز از لحاظ ظاهری نسبت به انسان دارد و آن اینکه می تواند به هر شکلی که می خواهد اعم از انسان و حیوان دربیاید، ولی به شکل پیامبران، ائمه معصومین و مومنین واقعی ظاهر نمی شود. طول قد جن بسته به سن او، بین سی تا هشتاد سانتیمتر است. جن دارای دو جنس مذکر و مؤنث است و تولید مثل می کند. نطفه جن بر خلاف انسان از جنس و ماهیت شبیه هوا می باشد. انسان و جن می توانند با همدیگر ازدواج نموده، حتی تولید مثل نمایند. دستگاه گوارش جن با انسان تفاوت دارد. بطور معمول جن انسان را می بیند ولی برای انسان قابل رؤیت نمی باشد.

جن مانند انسان دارای علم، ادراک، قدرت تشخیص، مسئولیت و تکلیف است. پیغمبر گرامی اسلام بر جن ها نیز مبعوث شدند و در بین جن ها نیز دین و مذهب و فرقه وجود دارد. جن به دو گروه مسلمان و غیرمسلمان تقسیم شده و مسلمانان آنها نیز در یک گروه اهل تشیع قرار می گیرند. رهبر جن های شیعه «سفر ابن زعفر» می باشد و لوحی مزین به جمله مبارک «یا ابا عبد الله الحسین» برگردن دارد. پدر زعفر در صدر اسلام توسط حضرت علی (علیه السلام) کشته شد و خود نیز به دست آن حضرت مسلمان گردید. زعفر و لشکریانش در واقعه کربلا به یاری حضرت امام حسین (علیه السلام) شتافتند ولی آن امام بزرگوار اجازه نفرمودند. در منابع مختلف از جمله قرآن کریم، تفاسیر، احادیث و کتب علمی از جن یاد شده است. دانشمندان غربی از جن به عنوان ارواح صدادار یاد می کنند. پیامبر گرامی اسلام که درود خدا بر او باد می فرمایند: «خداوند جن را در پنج صنف آفرید: باد، مار، عقرب، حشرات و انسان.» برخی از انسانها جن را می پرستند،

علّامه طباطبائی (رضوان الله تعالی علیه) می فرمایند: «مشرکان سه دسته می شوند، اول آنها یکه جن می پرستند،

دوم آنهاييکه ملائکه می‌پرستند و سوم آنهاييکه مقدّسينی از بشر را پرستش می‌کنند.» ابلیس از طوایف جن است و در قرآن صراحتاً به این مطلب اشاره شده است. به (روایتی) ابلیس دوازده هزار سال عبادت کرد و همین امر باعث شد از زمین به آسمان برود و در رده ملائک قرار بگیرد و به درجه‌ای رسید که مرتبهٔ استادی برخی از ملائک را داشت. برخی از جن‌ها علاقمند به داشتن ارتباط با انسان می‌باشند، بعضی انسانها نیز به ایجاد رابطه با جن تمایل دارند، ایجاد این ارتباط امکان پذیر است ولی به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود و نهی شده است، برخی از علما نیز آن را مجاز نمی‌دانند.

تسخیر جن کاری خطرناک میباشد. اگر انسانی با جن ارتباط گرفت، دیگر نمی‌تواند آنرا قطع کند و یا حداقل قطع این ارتباط دارای عواقب خطرناکی است. قابل ذکر است که جن در مقابل ارتباط با انسان و خدماتی که ارائه می‌کند، چیزهایی از انسان می‌گیرد که جبران آن بسیار سخت بوده، یا غیرقابل جبران است. در صورتیکه جن از طرف انسان احساس خطر کند و یا آسیب ببیند، اقدام به تلافی خواهد کرد و به شخص مورد نظر یا بستگان نزدیک، از جمله همسر و فرزندان او آسیب می‌زند و یا آزار و اذیت می‌رساند، پس بهتر است جن را بهانه‌ای برای تفکر و تدبّر در عظمت خالق آن قرار دهیم. براستی که اگر انسان تمام عمر خویش را نیز صرف اندیشیدن در بزرگی و عظمت حق تعالی نماید، بسیار اندک خواهد بود.

آمدن زعفر جنی به قصد یاری امام حسین علیه السلام

هنگامی که واقعه ی جانسوز کربلا در حال وقوع بود، زعفر جنی که رئیس شیعیان جن بود در بئر ذات العلم، برای خود مجلس عروسی بر پا کرده بود و بزرگان طوایف جن را دعوت نموده و خود بر تخت شادی و عیش نشسته بود. در همین حال ناگهان متوجه شد که از زیر تختش صدای گریه و زاری می‌آید. زعفر جنی گفت: ((کیست که در وقت شادی، گریه می‌کند؟!)) در این هنگام دو نفر از جنیان حاضر شدند و زعفر از آنان سبب گریه را پرسید. آنان گفتند: ((ای امیر! وقتی که ما را به فلان شهر فرستادی، در حین رفتن به آن شهر، عبور ما به رودفرات افتاد که عربها به آن نواحی نینوا می‌گویند. ما دیدیم که در آنجا لشکریان زیادی از انسانها جمع شده و در حال جنگ هستند. وقتی که نزدیک آنان شدیم، مشاهده کردیم که حضرت حسین بن علی علیه السلام، پسر همان آقای بزرگواری که ما را مسلمان کرده، یکه و تنها برنیزه ی بی کسی تکیه داده و به چپ و راست خود نگاه می‌کرد و می‌فرمود: ((آیا یاری دهنده ای هست تا ما را یاری دهد؟!)) و نیز شنیدیم که اهل و عیال آن بزرگوار، فریاد العطش العطش بلند کرده بودند. وقتی که این واقعه ناگوار را مشاهده کردیم فی الفور خود را به بئر ذات العلم رساندیم تا شما را خبر نماییم که اکنون پسر رسول خدا (ص) را به شهادت می‌رسانند.)) به محض اینکه زعفر جنی این سخنان را شنید، تاج شاهی را از سر خود برداشت و لباسهای دامادی را از تن خود خارج کرد و طوایف مختلف جن را با سلاحهای آتشین آماده کرد و همگی با عجله به سوی کربلا حرکت نمودند. خود زعفر گفته است: ((وقتی که ما وارد زمین کربلا شدیم، دیدیم که چهار فرسخ در چهار فرسخ رالشکریان دشمن فراگرفته است، بعلاوه صفهای فرشتگان زیادی را دیدیم. ملک منصور با چندین هزار فرشته ی دیگر

یک طرف، ملک نصر با چندین هزار فرشته از طرف دیگر، جبرئیل با چندین هزار فرشته ی دیگر در آن طرف و در یک طرف دیگر میکائیل با چندین هزار فرشته ی دیگر در آن طرف، و در یک طرف دیگر اسرافیل، ملک ریح (فرشته بادها)، فرشته ی دریاها، فرشته ی کوهها، فرشته ی دوزخ و فرشته ی عذاب و... هر یک با لشکریان خود منتظر گرفتن اجازه از حضرت بودند. بعلاوه ارواح یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر (علیهم السلام) از ادم تا خاتم همه صف کشیده، مات و متحیر مانده بودند. تمام موجودات و حقیقت کل اشیا در کربلا بودند و همگی گریان. چه کربلا و چه غوغائی. خاتم پیامبران (ص) آغوش خود را گشوده و به امام حسین علیه السلام می فرمود: ((پسرم! عجله کن! عجله کن! به راستی که مشتاق تو هستیم.))

حسین بن علی علیه السلام یکه و تنها در میان میدان با زخمها و جراحات فراوان، پیشانی شکسته، با سری مجروح، با سینه ای سوزان و با دیده ای گریان ایستاده بود و در هر نفسی که میکشید، از حلقه های زره خون می چکید اما اصلاً "توجهی به هیچ گروهی از آن فرشتگان نمی کرد به من هم کسی اجازه نمی داد تا خدمت آن حضرت برسم. همانطور که از دور نظاره میکردم و در کار آن حضرت حیران بودم، ناگهان دیدم که اقا امام حسین علیه السلام سر غربت از نیزه ی بی کسی بلند کرد و با گوشه چشم به من نگاه کرد و اشاره ای فرمود که: ای زعفر! بیا. در این هنگام همه فرشتگان به سوی من نگاه کردند و مرا اجازه دادند تا نزد حضرت بروم. من خود را خدمت حضرت رساندم و عرض کردم: من با نود هزار جن به یاری شما آمده ام. اگر بخواهی تمام دشمنانت را قبل از اینکه از جای خود حرکت کنی نابود میسازیم. حضرت فرمود: ای زعفر زحمت کشیدی! خدا و رسولش از تو راضی باشند. خدمت تو مورد قبول درگاه حق باشد. اما لازم نیست که زحمت بکشی، شما برگردید. عرض کردم: قربانت شوم چرا اجازه نمی فرمائید؟! حضرت فرمود: خداوند چنین نخواسته است و باید به لقای حضرت دوست برسم. اگر من در جای خود بمانم خداوند بوسیله چه کسی این مردم نگویند را مورد امتحان قرار دهد؟ و چگونه از کردار زشت خود آگاه خواهند شد و.....

جنیان گفتند: ای حبیب خدا و ای فرزند حبیب خدا! به خدا سوگند اگر اطاعت از تو لازم و مخالفت با تو حرام نبود، سخت را قبول نمی کردیم و تمام دشمنانت را پیش از دستیابی به تو از میان می بردیم. حسین بن علی علیه السلام فرمود: به خداوند سوگند که ما بر این کار از شما جنیان تواناتریم ولی باید حجت بر مردم تمام شود تا ((آنکس که همراه می شود با دلیل همراه شود و آنکس که هدایت می شود با دلیل هدایت شود.))

من (زعفر) به امر آن حضرت مایوسانه برگشتم. وقتی که ما جنیان به محل خود رسیدیم، بساط شادی را جمع کرده و اسباب عزا را فراهم کردیم. مادرم به من گفت: پسرم چه میکنی؟! کجا رفته بودی که اینچنین ناراحت بر گشتی؟!

گفتم: مادر! پسر آن بزرگواری که ما را مسلمان کرد، اینک در کربلا در چنان حالی است که من رفتم تا یاریش کنم اما آن حضرت اجازه نفرمود و چون امر امام واجب بود، باز گشتم. مادرم وقتی که سخنان را شنید، گفت: ای فرزند! تو را عاق می کنم

. من فردای قیامت در جواب مادرش حضرت فاطمه (س) چه بگویم؟! زعفر گفت: مادر! من خیلی ارزو داشتم تا جانم را فدای

انحضرت کنم ولی ایشان اجازه نفرمود. مادرم گفت: ((بیا برویم، من همراهت می آیم. مادرم جلو و من با لشکریانم از پشت سرش، دوباره به سوی کربلا حرکت کردیم.)) و هنگامی که به انجا رسیدم، از لشکریان کفار صدای تکبیر شنیدم و چون نگاه کردیم، دیدیم که سر مبارک و درخشان اقا امام حسین علیه السلام بالای نیزه است و دود و آتش از خیمه های حرم بلند است. مادرم خدمت حضرت امام سجاد علیه السلام رسید اجازه خواست تا با دشمنان آنان بجنگد ولی ان حضرت اجازه نداد و فرمود: ((در این سفر همراه ما باشید و در شبها اطفال ما را مواظبت کنید تا از بالای شتران بر زمین نخورند.)) در نتیجه جنیان اطاعت کردند و تا سرزمین شام با اسیران بودند تا حضرت سجاد علیه السلام آنان را مرخص فرمود.

زعفر آمد با سپاه بی شمار***در حضور آن ولی کردگار
ایستاد از دور با صدا احترام***کرد با سلطان مظلومان سلام
عرض کرد ای خسرو دنیا و دین***بنده ی درگاه، زعفر را ببین
هست حاضر زعفرت با این سپاه***بهر یاری ای غریب بی پناه
اذن فرما بر سپاه جنیان***تا بگیرند داد تو از کوفیان
لشکر جن هست از جان یاورت***اذن ده گیرند خون اکبرت
این فرات از چه به رویت بسته اند***اهل بیت از عطش دل خسته اند
اذن ده بر لشکر حق از کرم***تا رسانند آب بر اهل حرم
ذاکرا رو در پناه شاهدین***تا شود نام تو تاج الذاکرین

موجودات ماوراءالطبیعه

شاید به جرات بتوان بحث در وادی موجودات ماوراءالطبیعه را به قدمت تاریخ بشری دانست، چه در میان عوام و چه در میان روشنفکران، دانش پژوهان و محققین هر عصر. از این رو بعد از گذشت قرنهای این بحث هنوز هم به همان تازگی دنبال شده و چنانچه وقتی نوشته ای، گفتگویی، داستانی و یا حتی فیلمی درمورد آن تهیه می شود از استقبال عموم برخوردار می گردد، چرا که بشر همیشه تشنه برداشتن حجاب از مستورهای پیرامون خویش است، تا بتواند حس غریزی کنجکاوی خود را نسبت به این موجودات، به طریقی تسکین بخشد. شاید یک وجه اشتراک را بتوان در میان عوام و روشنفکران و دانشمندان یافت و آن شک و تردید نسبت به واقعیت وجودی آنان است؛ چرا که حتی سیر تکاملی علم در قاره اروپا و امریکا هم نتوانسته آن را از محالات بداند و علی رغم همه پیشرفتهای علوم بشری هیچ راه حل علمی برای پی بردن به چگونگی این موجودات عنوان نشده و همه چیز مانند ازل در شک و تردید است. اما در جهان بینی اسلامی همه چیز زیبا و بجا آفریده شده است، حتی موجود ماوراءالطبیعه ای با

نام «جن»، موجودی که حتی برخی از مسلمانان، روشنفکران و دانش پژوهان در زمینه دینی یا به دیده شک و تردید در آن نگرسته، و یا سکوت کرده اند.

جن یک واقعیت است یا افسانه

در میان انسانها بر سر خلقت نظام عالم دو دیدگاه کلی وجود دارد، عده ای که همه چیز را ناشی از خلقت ذات الهی می دانند و گروهی دیگر که سرمنشا خلقت نظام عالم را در طبیعت جستجو می کنند. اگرچه میان آنان اختلاف نظرها بسیار عمیق و اساسی است، ولی هیچ یک از این دو گروه نتوانسته اند وجود موجودات ماوراءالطبیعه را انکار کنند. آنهایی که خداپاوارند و به روح و معاد معتقدند از آنها به عنوان ارواح خبیثه و یا ارواح شریر و یا شیطان یاد می کنند، برخی هم آنها را موجودات فضایی قلمداد می کنند، مادیون هم که اعتقادی به ذات الهی و قدرت پروردگار ندارند، این موجودات را همان انسانهای اولیه ای می دانند که در سیر تکامل بین انسان و میمون حیران مانده و به شکل و شمایل غریب درآمده اند و یا حتی برخی از آنان معتقدند که اینان انسانهای وحشی و بدوی در اعماق جنگل هستند و گاهی خود را نمایان ساخته و موجب اذیت و آزار انسانهای متمدن می شوند. و اما مسلمانان: بنا به نص صریح قرآن، موجودات عالم به سه گروه تقسیم می شوند: ۱- جمادات ۲- نباتات ۳- حیوانات؛ که یا دارای عقلند مانند انسان، فرشتگان و جنیان و یا فاقد عقل و شعورند مانند حیوانات و باز بنا به آیات نورانی قرآن کریم، باید بدانیم که بدون هیچ شک و تردیدی موجودی با نام «جن» در جهان آفرینش وجود دارد که از نظر تکلیف و شایستگی مورد خطاب پروردگار قرار گرفته و مشابه انسان می باشد، چرا که، ۱- سی و چهار بار نام جن در قرآن کریم آورده شده است. ۲- هفتاد و دومین سوره قرآن با نام این موجود مزین گردیده است. ۳- احادیث و روایات فراوانی از پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، امامان و بزرگان علوم دینی در این خصوص، موجود بوده و در دسترس قرار دارد. ۴- به وسیله بسیاری از انسانها رویت شده اند. به آیاتی از قرآن کریم که وجود جن را مبرهن می داند اشاره می کنیم:

سپاهیان سلیمان از جن و آدمی و پرنده گرد آمده و به صف می رفتند. (سوره نمل، آیه ۱۷)

برای خدا شریکانی از جن قرار دادند و حال آن که جن را خدا آفریده است. (سوره انعام، آیه ۱۷)

بگو اگر جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند، نمی توانند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند. (سوره اسراء، آیه ۸۸)

سخن پروردگارت بر تو مقرر شد که جهنم را از جن و انس انباشته می کنیم. (سوره هود، آیه ۱۱۹)

ای گروه جنیان و آدمیان، اگر می توانید که از قطر آسمان و زمین بگذرید، بیرون روید ولی بیرون نتوانیدرفت مگر با قدرتی. (سوره

الرحمن، آیه ۳۳)

مرحوم شیخ مفید در کتاب «ارشاد» آورده است: «در آثاری از ابن عباس نقل شده: زمانی که پیامبر اسلام (ص) به قصد جنگ با

قبیله بنی مطلق از مدینه خارج شد، هنگام شب به دره وحشتناک و صعب العبوری رسید. اواخر شب جبرئیل بر آن حضرت نازل

شد و خبر داد که طایفه ای از جن در وسط دره جمع شده و قصد مکر و شر و آزار و اذیت شما و اصحابتان را دارند». (ارشاد ص ۳۹۹)

از حضرت امام صادق (ع) روایت شده: روزی حضرت رسول (ص) نشسته بود، مردی به خدمتشان رسید که بلندی قامتش مثل درخت خرما بود. سلام کرد، حضرت جواب داد و سپس فرمود: «خودش و کلامش شبیه جن است». سپس به او فرمود: کیستی؟ عرض کرد: من هام، پسر هیم، فرزند لاتیس، پسر ابلیس هستم (بحارالانوار ص ۸۳)

بانو حکیمه دختر امام کاظم (ع) گوید: «برادرم امام رضا (ع) را دیدم که جلو در اتاقی با کسی صحبت می کرد در حالی که تنها بود، عرض کردم: با چه کسی سخن می گوئید؟ فرمودند: فردی از جن آمده تا مسائلی بپرسد و از چیزهایی شکایت کند» (اصول کافی ص ۳۹۵) علامه طباطبایی (ره) می فرمودند: «روزی آقای بحرینی که یکی از افراد معروف و مشهور در احضار جن و از متبحرین در علم ابجد و حساب مربعات بود در مجلس ما حضور یافت، چادری آوردند، دو طرفش را به دست من داد و دوطرف دیگر را به دستهای خود گرفت. این چادر به فاصله دو وجب از زمین فاصله داشت. در این حال جنیان را حاضر کرد، صدای غلغله و همهمه شدیدی از زیر چادر برخاست. چادر به شدت تکان می خورد چنان که نزدیک بود از دست ما خارج شود. من محکم نگه داشته بودم، آدمکهایی به قامت دو وجب در زیرچادر بودند و بسیار ازدحام کرده و تکان می خوردند و رفت و آمد داشتند، من با کمال فراست متوجه بودم این صحنه، چشم بندی و صحنه سازی نبوده و صد درصد وقوع امر خارجی بوده است» (رجایی، تهرانی جن و شیطان ص ۴۷)

اینها شمه ای بود از آیات قرآن کریم و احادیث و روایات که هر گونه شک و شبهه ای را در وجود واقعیت جن به یقین تبدیل می سازد.

جن چگونه موجودی است؟

به واقع جن چگونه موجودی است و آیا می توان توسط علوم پیشرفته امروزی آن را اثبات کرد؟ جن در لغت به معنای مستور و پوشیده است، همان طور که بچه در رحم و پنهان از چشم ما را «جنین» گویند و جنت اشاره به باغی است که درختان آن مانع از به چشم آمدن زمینش می گردد. و شاید علت شک و تردید در وجود جن نیز همان مستور و پنهان بودنش از انظار و حس بشری است، که علت آن در ذات خلقتش نهفته است.

قرآن کریم خلقت جن را چنین بیان می دارد:

و جان (که در بعضی از متون اسلامی آمده است، جان پدر جن است همان طور که آدم، پدر انسان) را پیشتر، از آتش زهرآگین آفریدیم. (سوره حجر، آیه ۲۷)

خدا انسان را از گل خشک شده ای چون خاک سفال آفرید و جنیان را از شعله ای بی دود. (سوره الرحمن، آیه ۱۴ و ۱۵)

مرا از آتش خلق کردی و او (انسان) را از گل آفریدی.

از این آیات در می یابیم که جن، آتش است و انسان از جنس خاک، و این چنین دریافت می شود که جنیان قبل از انسان خلق شده اند، و از آن جایی که هر دو از ماده آفریده شده اند پس مادی هستند، ولی دو تفاوت اساسی آنها را از سایر موجودات متمایز می سازد:

۱- می توانند خود را به هر شکل و قیافه ای درآورند (آکام المرجان) (به استثنای پیامبران و ائمه معصوم و بنا به برخی روایات حتی احدی از مومنین).

۲- از چشم موجودات دیگر پنهانند. ملاصدرا پنهان و آشکار شدن جن را با هوا قیاس می کند و این طور عنوان می دارد: «بدن های لطیف آنها در الطاف و نرمی متوسط بوده و از این رو آماده جدایی و یا گردآمدن هستند، چون گرد هم آیند قوام آنها بهتر گشته و مشاهده می گردند و چون جدا گردند قوامشان نازک و جسمشان لطیف می شود و از دیده پنهان می مانند، مانند هوا که وقتی ذراتش گرد هم می آیند غلیظ می شود و به صورت ابر درمی آید و وقتی ذرات از هم جدا می شوند لطیف شده و دیده نمی شوند.» (ملاصدرا، مفاتیح الغیب)

همین ذات وجودی جنیان به آنها این امکان را می دهد که خود را به هر شکلی و با هر حجمی درآورند، چه به اندازه سرسوزن و چه در اندازه اتاقی بزرگ. آنها به واسطه همین ویژگی، بعد زمان برایشان معنا ندارد، و مسافتی را که بشر مدتها باید آن را طی کند، در لحظه ای می پیمایند و اعمالی را که از توان انسان خارج است آنها به راحتی قادر به انجامش هستند. عمده ترین علت شک و تردید در وجود آنان هم همین پنهان بودن از چشم انسانهاست، که البته از نظر علمی هم توجیه پذیر است. چرا که در جهان هستی چیزهای زیادی وجود دارد که به چشم ما قابل رویت نیستند ولی قدرشان از نظر جسمی از انسان به مراتب بیشتر است، مثل الکترونها، امواج الکتریسیته، نورهای ماورای بنفش، اشعه ایکس، باکتریها و ویروسها، آمیب ها، جانداران تک سلولی که دیده نمی شود ولی کدام عقل سلیمی می تواند آن را انکار کند؟ بنابراین صرف این که با حواس خود قادر نیستم آنان را درک کنیم، دلیل بر نبودن آنها نیست.

همه ما واژه «از ما بهتران» را به کرات شنیده ایم. این واژه در فرهنگ عامیانه ما اغلب برای جن به کار می رود ولی آیا واقعا این چنین است؟ آیا جن موجودی برتر از انسان است؟ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «و ما فرزندان آدم را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.» (سوره اسراء، آیه ۷۰)

و همچنین واجب شدن سجده شیطان و فرشتگان بر انسان نیز، خود دلیلی برای برتر بودن نوع انسان در پیشگاه خداوند است. یک انسان کامل بر همه موجودات برتری دارد و حتی بعضی از انسانها که راه برقراری ارتباط با جنیان را می دانند (مدیومها) می توانند بر آنها تسلط یابند. باز به قرآن کریم استناد می کنیم که می گوید: «از پریان بودند که به فرمان پروردگارش برایش کار می کردند

و هر که از آنان از فرمان سرمی پیچید به او عذاب آتش سوزان را می چشاندیم. برای وی هر چه می خواست از بناهای بلند و

تندیسها و کاسه هایی چون حوض و دیگهای محکم می ساختند. « (سوره سبا، آیه ۱۲ و ۱۳)

اگر چه قرآن کریم در مورد تسلط بر جن فقط از حضرت سلیمان یاد کرده است ولی در بسیاری از کشورها و حتی در کشور خودمان هم نمونه های زیادی دیده شده که اشخاصی با عنوان جن گیر و یا احضارکنندگان ارواح توانسته اند از آن ها بهره گیرند. در هر حال باید دانست که در پیشگاه خداوند، انسان اشرف مخلوقات است و یک انسان کامل و مومن بر همه خلائق برتری دارد.

باد جن

«باد جن» و «زار» هر دو از ناصر تقوایی، «مراسم زار» اثر فردیس فیض بخش و «مراسم درمانی قوم لاسی» از ژان مورینگ مجموعه این فیلم ها در شکل کلی به بررسی «آیین» در زندگی بشر می پرداختند، آیین در علم انسان شناسی، اعمال یا کرداری رسمی است که در چارچوب عبادتی _ مذهبی صورت می گیرد. این اعمال از الهیات مجزا و متفاوت است انسان شناسان از آیین ها به عنوان منبع اطلاعات فرهنگی استفاده می کنند زیرا در آیین ها از اساطیر و اخلاقیات و نمادهای مهم فرهنگ به صورت عملی استفاده می شود، انگار که آیین (تمامی اعمال تکراری) صحنه نمایشی باشد که اساطیر، اخلاقیات و نمادها بازیگران مهم آن نمایش باشند.

«باد جن» مستندی ۲۲ دقیقه ای از تقوایی بود که به بررسی آیین بیرون راندن باد جن از بدن شخصی که جن در او حلول کرده بود می پرداخت، در این آیین که در بندر لنگه از بنادر خلیج فارس رواج دارد، بومیان مبتلا به باد جن، به کمک مداواگران سنتی با نواختن سه نوع دهل و کف زدن و آواز خواندن مداوا می شوند. طبق این آیین بر سر شخص مبتلا، پارچه ای سفید انداخته می شود و او با یک رقص خاص _ دو زانو نشستن و سر را به اطراف تکان دادن _ کوشش می کند تا جن از بدنش خارج شود. فیلم بعدی، با نام «مراسم زار» مستندی ۳۰ دقیقه ای بود که فردیس فیض بخش دانشجوی سال آخر موسیقی ساخته بود. این فیلم بخش کوتاهی از این مراسم را که در سال ۱۳۸۲ در بندرعباس محله خواجه عطا (محله سیاهان بلوچ) اجرا شده است، نشان می دهد که در آن ماما صفیه، ماما زار است.

مراسم زار منشاء آفریقایی دارد و در کشورهای مصر و سومالی و اتیوپی و برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس رایج است. این مراسم در کشور ما بیشتر در استان های خوزستان و هرمزگان و سیستان و بلوچستان به چشم می خورد و در استان بوشهر کم رنگ است. این آیین با رویکردی درمانی به منظور بازگرداندن سلامتی فردی که باد _ نیروی ماوراءالطبیعه _ تسخیرش کرده است انجام می شود. فیض بخش کارگردان این فیلم درباره مراسم زار گفت: «در جنوب ایران وقتی شخصی بیماری سختی مثل سرردهای مزمن پیدا می کند که به هر پزشکی رجوع می کند مداوا نمی شود، به ماما زار یا بابا زار مراجعه می کند. اینها افرادی

هستند که به عقیده اهالی جنوب قدرت دارند «باد»ی را که وارد بدن شخص شده خارج کنند. برای این کار هم از موسیقی و عطر و دود و بخور استفاده می کنند چون معتقدند «باد» از این عناصر خوشش می آید و به طرف آنها جلب می شود. بعضی مواقع هم برای بیرون کردن باد قربانی می کنند.

در فیلم هم این نکته ها مشهود بود، مامازار که وظیفه مداوای بیمار را بر عهده گرفته بود، زمانی که حالت وجد پیدا کرده بود ساز و ساز زن ها را می بوسید و بنا به گفته کارگردان با این کار می خواست نظر مساعد «باد» را جلب کند تا از بدن بیمار خارج شود. ژان دورینگ، رییس «انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران» فیلم «مراسم درمانی قوم لاسی» را نمایش داد که حدود ۶۰ دقیقه بود، این فیلم یک نمونه از مراسم «گواتی مالی» به سبک بلوچ است که در کراچی اجرا شده بود. فیلم توسط یکی از دوستان دورینگ ساخته شده بود و متأسفانه به علت غیبت کارگردان، بسیاری از سوالات بی پاسخ ماند.

این فیلم مراسم مداوای یک مرد اهل کراچی را نمایش می داد و بیشتر از همه بر نقش درمانگر که به او «خلیفه» می گفتند متمرکز بود، خلیفه از نژاد آفریقایی و از قوم لاسی بود. لاسی، قومی است با فرهنگ و نژاد بین سندی و بلوچی. خلیفه که خودش مسئول یک زیارتگاه لاسی است پس از شنیدن موسیقی مخصوصی که با ساز «سروزی» نواخته می شد به اصطلاح محلی «مست» می شد و شروع به رقص می کرد، رقص او هم کاملاً شبیه رقص مامازار در ایران بود، روی دو زانو می نشست و بدنش را به تناوب و همراه با ریتم تکان می داد، پس از این که خلیفه کاملاً مست شد، شروع به اجرای برنامه ای روی بدن بیمار کرد، او هر بار با رقصیدن، به بیمار نزدیک می شد و پس از مکیدن پهلوی و شکم او مقداری گوشت را که در دهانش جمع شده بود تف می کرد، و اینکار را مرتباً تکرار می کرد، سپس روغن مخصوصی را به دستش می مالید و دستش را از روی آتش گذر می داد و روغن را به بدن بیمار می مالید، این عمل را هم چند بار تکرار کرد تا این که تشخیص داد که برای بیمار کافیست، پس از آن نوبت حاضران در جلسه بود که هر کدام اعضای از بدنشان را که دچار درد بود عریان می کردند تا خلیفه دست روغنی اش را بر آن بکشد.

یکی از ویژگی های این مراسم، این بود که هیچ زنی را به آن جمع راه نمی دادند. و تقریباً ورود زنان به آن جا ممنوع بود بر خلاف مراسم زار در ایران که با حضور دو جنس اجرا می شود. علاوه بر آن خلیفه عصایی فلزی داشت که هر چند دقیقه یک بار به سوی آن می رفت و نسبت به آن احترام به جای می آورد. و به نظر می آمد این عصا از خلیفه قبلی به او رسیده بود.

در پایان این فیلم، سهیلا شهشهانی انسان شناس که یکی از بانیان برگزاری این جلسه بود از غیبت ناصر تقوایی اظهار تأسف کرد و گفت کاش کارگردان نامی ایران هم در این جلسه حاضر بود تا درباره فیلم خودش سخن می گفت. از سویی دیگر او تأکید کرد فیلم تقوایی (باد جن) گر چه از نظر مستندسازی و سوژه یابی یک اثر هنری است اما از منظر انسان شناسی کار درستی نیست، چون تقوایی بدون اجازه محلی ها، و با استفاده از سه دوربین به طور مخفی این مراسم را فیلم برداری کرده است، و این عملی

است که به هیچ وجه در انسان شناسی مجاز نیست. در این رشته اگر می خواهیم مساله ای را نقل کنیم باید حتماً با اجازه مردم آن منطقه باشد.

این برنامه آخرین برنامه از سری نمایش فیلم های انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران بود که در بهار ۸۳ برگزار می شد.

فرشتگان آسمانی

در زندگی روز مره ما اتفاقات و حوادث بسیار شگفتی در حال رخ دادن است که بشر به علت مشغول شدن به مشکلات و مادیات از آنها غافل شده است که فقط با کمی دقت می توان از آنها با خبر شد. در این یکی از بی خطرترین و جالبترین آنها فرشتگان آسمانی هستند که فقط با کمی دقت می توانید آنها را ببینید. فقط فرشتگان و مقربین الهی را می توانید در آسمان محل زندگیتان مشاهده کنید و اجنه و ارواح شرور و شیاطین اجازه ورود به آسمان را ندارند. فرشتگان قدرت انبساط و انقباض زیادی دارند و در هوای سرد و ابری متصور می شوند. همیشه در هوای ابری می توانید آنها را ببینید

آشنایی مختصر با جن

جن دارای حرکات بسیار سریع می باشد و به همین دلیل قبلاً می توانست در آسمان نفوذ و استراق سمع کند ولی با ظهور حضرت مسیح (علیه السلام) جلوی ورود و نفوذ آنها به آسمانها به صورت نسبی گرفته شد و با ظهور پیامبر گرانقدر اسلام حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) کاملاً از ورود آنها به آسمانها جلوگیری گردید، پس جن نمی تواند از آینده و اسرار غیب خبر دهد و آنهایی که مدعی این گونه امور هستند، آگاهانه یا ناآگاهانه دروغ می گویند. خلقت انسان بعد از خلقت جن روی زمین بوده است و جن ها هفت هزار سال پیش از انسان در کره زمین زندگی می کردند. همانطور که انسان ها از نسل آدم و حوا بوده، جن ها از نسل مارچ و مارچه می باشند. طول عمر جن از انسان بسیار زیادتر است ولی جن نیز دارای مرگ، تولد و عمر محدود و مشخص می باشد، همچنین دارای حشر، نشر، معاد، حساب و کتاب اخروی است. از لحاظ مرفولوژی و ظاهری، قیافه واقعی جن با انسان تفاوت دارد (این موجودات می توانند با قیافه و ظاهر کاذب نمایان شوند). جن یک امتیاز از لحاظ ظاهری نسبت به انسان دارد و آن اینکه می تواند به هر شکلی که می خواهد اعم از انسان و حیوان دربیاید، ولی به شکل پیامبران، ائمه معصومین و شیعیان واقعی ظاهر نمی شود. طول قد جن بسته به سن او، بین سی تا هشتاد سانتیمتر است. جن دارای دو جنس مذکر و مؤنث است و تولید مثل می کند. نطفه جن بر خلاف انسان از جنس و ماهیت شبیه هوا می باشد. برخی معتقدند که انسان و جن می توانند با همدیگر ازدواج نموده، حتی تولید مثل نمایند. دستگاه گوارش جن با انسان تفاوت دارد، جن از پس مانده غذای انسان بصورت بو کشیدن و یا مزه مزه کردن استفاده می کنند. بطور معمول جن انسان را می بیند ولی برای انسان قابل رؤیت نمی باشد.

جن مانند انسان دارای علم، ادراک، قدرت تشخیص، مسئولیت و تکلیف است. پیغمبر گرامی اسلام بر جن‌ها نیز مبعوث شدند و در بین جن‌ها نیز دین و مذهب و فرقه وجود دارد. جان به دو گروه مسلمان و غیرمسلمان تقسیم شده و مسلمانان آنها نیز در دو گروه اهل تشیع و اهل تسنن قرار می‌گیرند. رهبر جن‌های شیعه «سفر ابن زعفر» می‌باشد و لوحی مزین به جمله مبارک «یا ابا عبد الله الحسین» برگردن دارد. پدر زعفر در صدر اسلام توسط حضرت علی (علیه‌السلام) کشته شد و خود نیز به دست آن حضرت مسلمان گردید. زعفر و لشکریانش در واقعه کربلا به یاری حضرت امام حسین (علیه‌السلام) شتافتند ولی آن امام بزرگوار اجازه نفرمودند. در منابع مختلف از جمله قرآن کریم، تفاسیر، احادیث و کتب علمی از جن یاد شده است. دانشمندان غربی از جن به عنوان ارواح صدادار یاد می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام که درود خدا بر او باد می‌فرمایند: «خداوند جن را در پنج صنف آفرید: باد، مار، عقرب، حشرات و انسان.» برخی از انسانها جن را می‌پرستند، علامه طباطبائی (رضوان‌الله تعالی‌الیه) می‌فرمایند: «مشرکان سه دسته می‌شوند، اول آنها یکی که جن می‌پرستند، دوم آنها یکی که ملائکه می‌پرستند و سوم آنها یکی که مقدسینی از بشر را پرستش می‌کنند.» ابلیس از طوایف جن است و در قرآن صراحتاً به این مطلب اشاره شده است. ابلیس شش هزار سال عبادت کرد و همین امر باعث شد از زمین به آسمان برود و در رده ملائک قرار بگیرد و به درجه‌ای رسید که مرتبه استادی برخی از ملائک را داشت. برخی از جن‌ها علاقمند به داشتن ارتباط با انسان می‌باشند، بعضی انسانها نیز به ایجاد رابطه با جن تمایل دارند، ایجاد این ارتباط امکان پذیر است ولی به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود و نهی شده است، برخی از علما نیز آن را مجاز نمی‌دانند.

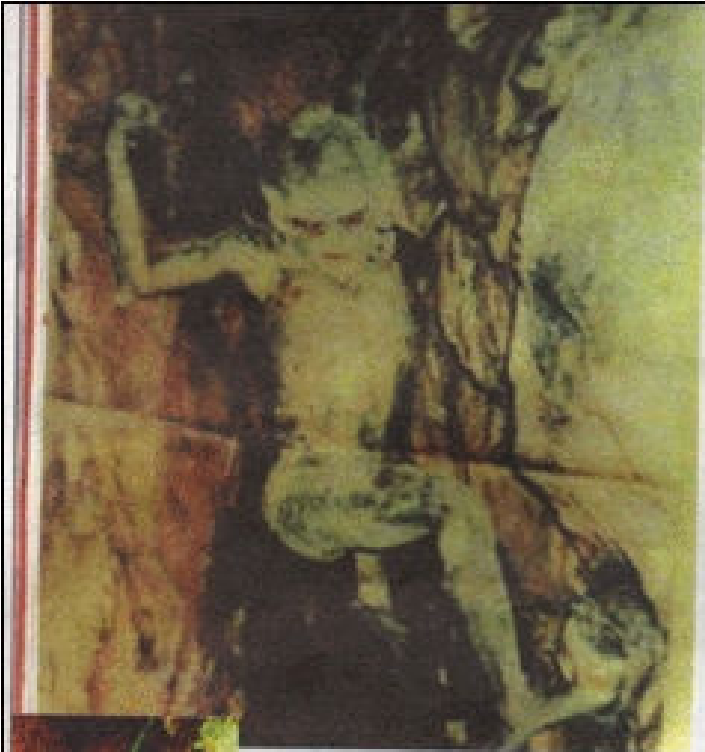
ارتباط با جن و تسخیر جن نه تنها هیچ سودی برای انسان ندارد بلکه مضر نیز می‌باشد، اگر انسانی با جن ارتباط گرفت، دیگر نمی‌تواند آنرا قطع کند و یا حداقل قطع این ارتباط دارای عواقب خطرناکی است. قابل ذکر است که جن در مقابل ارتباط با انسان و بعضاً خدماتی که ارائه می‌کند، چیزهایی از انسان می‌گیرد که جبران آن بسیار سخت بوده، یا غیرقابل جبران است. در صورتیکه جن از طرف انسان احساس خطر کند و یا آسیب ببیند، اقدام به تلافی خواهد کرد و به شخص مورد نظر یا بستگان نزدیک، از جمله همسر و فرزندان او آسیب می‌زند و یا آزار و اذیت می‌رساند، پس بهتر است در مورد جن به همین مقدار اطلاعات رسیده از منابع دینی و بزرگان اکتفا نموده، جن را بهانه‌ای برای تفکر و تدبّر در عظمت خالق آن قرار دهیم. براستی که اگر انسان تمام عمر خویش را نیز صرف اندیشیدن در بزرگی و عظمت حق تعالی نماید، بسیار اندک خواهد بود.



شکلی ساده از مهر یا نگین سلیمان که گفته می‌شود به وی نیرویی برای تسلط بر جنیان می‌بخشید.

جن از موجودات خیالی و افسانه‌ای فرهنگ عامه و خرافات مردم خاورمیانه و ایران است. جن واژه‌ای عربی و به معنی "موجود پنهان و نادیدنی" است و در فارسی با مفهومی نزدیک به دیو، غول و پری از این موجود نامرئی (ناپیدا) یاد می‌شود. جمع واژه جن، آجنّه است. اینگونه خرافات بیشتر از فرهنگ ایرانی و بین النهرین به دین اسلام راه یافته است. توسل به این موجودات خرافی ناشی از افکار عقب مانده و تمایلات روانی انسان به اینگونه خرافات است. اصولاً انسانها علاقه دارند که مشکلات روحی و روانی خود را با توسل به اینگونه خرافات حل کنند یکی از مشکلات روحی انسان ترس از مرگ و نابودی است بنابراین دنیای آخرت و بهشت و جهنم را برای فرار از این ترس اختراع کرده است اعتقاد به بهشت و جهنم انسان را به آرامش می‌رساند. در ۵۰ سال اخیر عده زیادی بسیج شده‌اند تا از جن فیلم بگیرند ولی از زمانی که فیلم برداری و سینما اختراع شده است صحبت از جن و دیو و پری نیز بمرور به فراموشی سپرده می‌شود در قدیم صحبت از جن و دیو و پاها و شاخ‌های گاو مانند آنها ورد زبانها نقل مجالس شبنشینی در پای کرسی‌ها بویژه در شب‌های زمستان بود. این داستانها در ایران ادبیات قوی دارد حتی در تخت جمشید جدال شاه با دیو را در چندین سنگ تراشیده می‌بینید.

پیدایش جن



**اول صوره حقيقه
فی العالم للجن...
تقتل صاحبها!**

A first real picture for a jinn in the world and the jinn was mentioned in AL QURAN..In time they call it a ghost by the other Nations.. www.bimax.ir

**یک خبر
یک عکس**

این عکس پس از تأیید رهبران دینی در کشور امارات در رسانه‌های مختلف چاپ و منتشر شد.

یک جوان عرب در منطقه جبله امارات با شنیدن صداهای عجیب در یکی از غارهای اطراف این منطقه، دوربین خود را برداشته و به محل می‌رود و در محل، موجودی عجیب «شیه جن» را مشاهده می‌کند.

فرد عکاس بر اثر سکت قلبی فوت می‌شود و پلیس با اعلام دوستان او و مراجعه به محل، در کنار جسد وی دوربین عکاسی را می‌یابد و با ظهور فیلم داخل دوربین عکس «جن» را مشاهده می‌نمایند. این عکس و خبر در نشریات امارات به چاپ رسیده و از تلویزیون آن کشور نیز پخش شده است.

اعتقاد به جن، اعتقادی است که از اسطوره‌های بابلی به معتقدات اعراب عصر جاهلیت و از آنجا به قرآن و به معتقدات اسلامی راه یافته‌است. در اسطوره‌های بابلی اوتوکوها (اجنه) موجوداتی ناپیدا بودند که از آتش آفریده شده بودند و به دو گروه خوب و بد تقسیم می‌شدند که هردوی آنها ارتباط تنگاتنگی با آدمیان داشتند. اجنه خوب اختصاصاً "شدو" نامیده می‌شدند حامی و نگهبان مردمان در برابر خطرات روزمره زندگی و در عین حال خطرات ناشناخته دیگری بودند که آدمیان بر آنها آگاه نبودند ولی جنیان از این خطرات خبر داشتند.

این اجنه در سفر و در حضر و حتی در کوچه و بازار آدمیان را بی آنکه دیده شوند، همراهی می‌کردند و در هنگام جنگ آنها را از تیر دشمن محفوظ میداشتند.

در مقابل، اجنه بد که "ادیمو" خوانده می‌شدند پیوسته در پی آزار آدمیان بودند و برای آنها انواع بیماریهای گوناگون همراه می‌آوردند یا آنها را به جنایت تشویق میکردند و گله‌هایشان را از میان میبردند و خانواده‌ها را به جدائی می‌کشاندند. این گروه از اجنه شرور بر خلاف سایر جنیان ازدواج نمیکردند و فرزندانی به بار نمی‌آوردند. انواع هفتگانه‌ای از آنها که در کوهستان مغرب زاده شده بودند عادتاً در ویرانه‌ها یا در زیر زمین میزیستند و آدمیان می‌توانستند آنها را از پاهای سم دارشان بشناسند و برای دفع شرشان از کاهنان و جادوگران کمک گیرند. در عوض جن‌های خوب نه تنها میان خودشان ازدواج می‌کردند، بلکه می‌توانستند با آدمیان نیز در آمیزند. [۱]

باورها پیرامون اجنه

جن یکی از مخلوقات خداوند است که در بعد فضائی موازی با بعد ما انسانها زندگی می‌کند. این مخلوقات به مانند انسان زاد ولد می‌کنند از خصوصیات بارز آنها به این موارد می‌توان اشاره کرد:

بنا بر باورها و خرافاتی که در قدیم وجود داشته درباره آل و جن و دیگر موجودات پندارین اینگونه آمده است:

قابلیت تغییر چهره و قیافه دارند و از این کار لذت می‌برند.

از اجسام مرده مثل آهن نمی‌توانند رد بشوند برای همین در مکانهای قدیمی دیده می‌شوند و حتی گفته می‌شود که "غول چراغ جادو" افسانه نمی‌باشد و آنها همین جنیان بوده‌اند که با استفاده از همین حربه آنها را گرفتار کرده اند. از کلمه الله و یا هو وحشت دارند.

ارتباط با آنها برای انسان می‌توانند عواقب خطرناکی را بدنبال بیاورد چون به استناد قران این مخلوقات قابلیت دیدن بعضی مسائل را دارند و فردی که با آنها رابطه دارد به همین دلیل از خداوند دور می‌شود جدا از انتظارهایی که از فرد دارند.

این مخلوقات آینده را تا حدودی میبینند و بعضی مواقع که متوجه خطری برای فرد می‌شوند با دست گذاشتن بر گلولی فرد او را به سرفه می‌اندازند که در باور ایرانیها همان "صبر" آمده‌است تعبیر می‌شود. علاقه بسیار زیادی به درخت نارنج دارند. بعد زمانی که آنها در آن زندگی می‌کنند نسبت به بعد زمین تندتر است بنابراین سن آنها بسیار زیاد است.

آنها اجازه ارتباط با انسان را ندارند ولی به علت اختیار ذاتی که خداوند به آنها داده‌است می‌توانند جلوی انسانها ظاهر شوند ولی از کلمات الله و هو ترس و وحشت دارند.

در باور برخی افراد، جن‌ها تنها در شب، تاریکی، تنهایی و در محل‌هایی مانند گرمابه، آب‌انبار، پستو و ویرانه و بیابان وجود دارند. در باور عامه، جن به شکل انسان است با این تفاوت که پاهایش مانند بز سم دارد. مژه‌های دراز او نیز با مژه انسان متفاوت است و رنگ موی او بور است. همزمان با زاده شدن هر نوزاد انسان، بین اجنه نیز نوزادی به دنیا می‌آید که شبیه نوزاد انسان است اما سیاه و لاغر و زشت. این موجود را همزاد آن طفل می‌خوانند. اگر کسی شب هنگام آب جوش روی زمین ریخته و بسم الله نگفته باشد ممکن است یکی از فرزندان اجنه را اذیت کرده باشد. مادر و پدر آن جن برای انتقام، نوزاد آن شخص را می‌ربایند و همزاد او را بجایش می‌گذارند.

به باور برخی، به زبان آوردن نام جن شگون ندارد و ممکن است آن‌ها را حاضر کند. بنابراین برای دلخوشی جن‌ها هم شده به آن‌ها "از ما بهتران" گفته می‌شود. روزهای یکشنبه، سه شنبه و چهارشنبه از مابهران به لباس و صورت آدمیزاد درمی‌آیند. در این روزها نباید به دیدن مریض رفت، زیرا چه بسا که از ما بهتران به شکل یکی از دوستان یا بستگان به دیدن بیمار برود و به او آسیب برساند. از مابهران مانند آدمیان جشن و سرور و شادمانی و گاهی هم عزاداری به راه می‌اندازند. این مراسم بیشتر در گرمابه‌های عمومی و شب هنگام برگزار می‌شود. کسی که شب تنها به حمام برود و دائم بسم الله نگوید جن به سراغ او می‌آید. اگر کسی در تاریکی تنها به حمام برود و بی احتیاطی کند و در آنجا بخوابد، ناگاه متوجه می‌شود که دورادور او را جنیان گرفته اند، یا یکی دو جن در گوشه و کنار حمام مشغول شستشو هستند. جنیان ابتدا با محبت نزدیک می‌شوند، اما اگر انسان با نگاه کردن با پاهایشان که سم دارد ایشان را بشناسد، آن وقت به آزار او مشغول می‌شوند.

از مابهران اهل رقص، موسیقی و شادی اند. اگر کسی را بین خود ببینند او را وامی‌دارند تا آن قدر برقصد که دیوانه شود. با دمیدن صبح صادق، جنیان ناپدید می‌شوند. اما هنگام روز نیز اگر کسی در حمام آب بخورد و کف دست چپ خود را روی سر نگذارد، جن به بدن او وارد می‌شود و دیوانه و غشی خواهد شد. از ما بهتران اگر از کسی نیکی ببینند، صدچندان به او نیکی می‌رسانند. مثلا اگر پزشکی شب هنگام کودکی را از مرگ برهاند یا زخمی و بیماری را نجات دهد و این کار در بیابان یا تاریکی و تنهایی صورت بگیرد، ممکن است جنیان را مداوا کرده باشد. آن گاه از مابهران به او مال و خوشبختی بسیار می‌رسانند. برخی مردم با انجام مراسم چله نشینی، از مابهران را احضار می‌کنند و آن‌ها را وادار می‌دارند تا کارهای مورد نظرشان را انجام دهند. برای چله نشستن از محلی

خاص در مسجدهای کهنه و قدیمی استفاده می‌شود به نام چله خانه که غرفه‌ای کوچک و تودرتو و تاریک است. شخص در چله خانه می‌رود. دورادور خود را خط می‌کشد و میان دایره می‌نشیند. روز اول چهل بادم غذای اوست. اما به تدریج هر روز یکی کم می‌کند و تا آخرین روز فقط یک بادم می‌خورد. در این روزها همه کار او دعا خواندن است. روز چهارم ارواح و شیاطین و جن‌ها به او ظاهر می‌شوند و هرچه را بخواهد انجام می‌دهند. برای این کار ترتیب دیگری هم هست و آن این که یک شب تا صبح آیه‌ای از قرآن را پی در پی می‌خوانند تا از ما بهتران حاضر شوند.

مقابله با جن

بنا بر باورها و خرافاتی که در قدیم وجود داشته درباره آل و جن و دیگر موجودات پندارین اینگونه آمده است:

از خطرناک‌ترین جن‌ها آل است که موجودی نامریی به شکل زن لاغر و بلند قد با پستان‌های آویخته توصیف شده. در صورت سرخ رنگ آل بینبی از جنس گل قرار دارد. آل روبروی زن زائو و نوزاد حاضر می‌شود و اگر فرصت یافت و زائو تنها ماند جگر او را می‌رباید. سپس به سرعت به طرف آب می‌رود و جگر زائو را به آب می‌زند. زائو بلافاصله می‌میرد. برای جلوگیری از دستبرد آل باید دور بستر زائو را با کارد یا قیچی که ناف نوزاد را با آن زده‌اند خط کشید. سه یا پنج پیاز را به سیخ کشید و قیچی یا کارد یا شمشیر و تفنگ و دیگر چیزهای فلزی و نوک تیز در کنار اطاق گذاشت. آل و از ما بهتران از چیزهای فلزی نوک تیز می‌ترسند. فرو کردن سوزن به پارچه‌ای و گذاشتن بالای سر زائو برای رفع آل خوب است. از اعتقادهای قدیمی ایرانیان یکی این است که آهن دیو و غول و اهریمن را دفع می‌کند و ضد جادو است.

تا شش روز باید بالای سر زائو و نوزاد شمع بسوزد. زائو نباید تنها بماند و کسی جز نزدیکانی که هنگام زادن در اطاق بوده‌اند نباید به دیدن او بیاید شاید آل باشد که به صورت انسان درآمده. شب ششم باید در اطاق زائو تا صبح همه بیدار بمانند و چراغ‌ها روشن باشد و در این شب باید دعاها و اشعار مذهبی و سرودها و آوازا خوانده و پیوسته به دف و دایره کوبیده شود تا آل بگریزد. روز ششم زائو نوزاد را به حمام می‌برند و پس از شستشو، ماما نوزاد را بالای سر مادر می‌گیرد و با جام چهل کلید روی او آب می‌ریزد تا بر سر مادر نیز ریخته شود. از آن هنگام دیگر آل توانایی ربودن جگر مادر و عوض کردن نوزاد را ندارد پسریچه‌ای که ختنه شده نیز مانند زائو در معرض خطر آل است. به همین ترتیب باید مواظب او بود تا به حمام برود و با جام چهل کلید آب روی سرش ریخته شود تا آل بگریزد.

جن در اسلام

ادبیات اسلامی و احادیث و معتقدات عامه مسلمانان، با استناد به آیات قرآنی پیوسته نقش مهمی برای جنیان در زندگی روزمره مسلمانان قائل شده‌اند. مولفین اسلامی به کرات از ازدواج اجنه با زنان مسلمان روایت کرده و کسانی از افراد سرشناس را زاده

مشرک اجنه و آدمیان دانسته اند. محمد باقر مجلسی از امام جعفر صادق روایت می‌کند که قوم کرد جنیانی هستند که خداوند آنان را به صورت آدمیان در آورده است (حلیه المتقین فصل چهاردهم).

ویژگیهای جن از دید قرآن

در قرآن اهمیت ویژه‌ای به "اجنه: داده شده، به‌طوریکه ۴۸ آیه به آنان اختصاص یافته است، ولی در دو

کتاب توحیدی دیگر، تورات و انجیل سخنی از جن به میان نیامده است. حتی در قرآن سوره‌ای به نام سوره جن وجود دارد.

به روایت قرآن، در دوران پیش از نزول این کتاب گروهی از اجنه کوشیده بودند خود را به آسمان برسانند تا در آنجا استراق سمع کنند و از اسرار عالم بالا آگاه شوند ولی این جنیان پس از نزول قرآن دریافتند که آسمان شدیداً تحت مراقبت است و اجنه‌ای که قصد رخنه بدان را داشته باشند هدف تیر شهاب ملائک پاسدار قرار می‌گیرند (جن، ۸ و ۹۹). همچنین به حکایت قرآن، بخشی از سپاهیان سلیمان از اجنه بودند و فرماندهانی از گروه خودشان داشتند (نمل، ۱۷).

باور قرآن درباره جن اینگونه است:

نخست: این نوع از آفریدگان پیش از نوع بشر خلق شده‌اند.

دوم: این نوع آفریدگان از جنس آتش خلق شده‌اند، همچنان که نوع بشر از جنس خاک خلق شده‌اند، و در این باب گفته: "جن را ما قبلاً از آتشی سموم آفریده بودیم" (۱).

سوم: این نوع از مخلوقات مانند انسان زندگی و مرگ و رستاخیز دارند، و در این باب گفته: "اینان کسانی که همان عذابهایی که امت‌های گذشته جنی و انسی را منقرض کرده بود، برایشان حتمی شده" (۲).

و چهارم: این نوع از جانداران مانند سایر جانداران نر و ماده و ازدواج و توالد و تکاثر دارند، و در این باره گفته: "و اینکه مردانی از انس بودند که به مردانی از جن پناه می‌بردند" (۳).

پنجم: این نوع مانند نوع بشر دارای شعور و اراده است، و علاوه بر این، کارهایی سریع و اعمالی شاقه را می‌توانند انجام دهند، که از نوع بشر ساخته نیست، همچنان که در آیات مربوطه به قصص سلیمان و اینکه جن مسخر آن جناب بودند، و نیز در قصه شهر سبا آمده است.

ششم: جن هم مانند انس مؤمن و کافر دارند، برخی صالح و بعضی دیگر فاسدند، و در این باره گفته: "من جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند" (۴).

• آیات بیشتر در مورد جن و یا اشاره به جنیان:

گروهی از اجنه آیات قرآن را شنیدند و با تعجب گفتند که این کتاب مارا به راه هدایت میبرد و لاجرم دیگر به خدای واجد شرک نخواهیم ورزید (جن، ۱ و ۲)

اما بعضی دیگر از آنها کافر ماندند و هیزم کش جهنم شدند (جن، ۱۴ و ۱۵)

اینها اسلام آوردند و البته اگر در راه راست پایدار بمانند خداوند به آنها آب گوارا نصیب خواهد کرد (جن، ۱۶)

و به آنان میگوئیم شما نیز جزو آن گروهی از اجنه و آدمیان شوید که پیش از شما به آتش دوزخ داخل شدند (اعراف، ۳۸)

چون محمد برای دعوت به خدا قیام کرد طایفه جنیان بر او ازدحام آوردند (جن، ۱۹)

در روز محشر به اجنه خطاب شود که ای گروه جنیان، شما از حیث تعداد بر آدمیان فزونی گرفتید، ولی آیا ما برای شما رسولانی از

جنس خودتان نفرستادیم که آیات مارا بر شما بخوانند و شمارا از چنین روزی بترسانند؟ (انعام، ۱۳۰)







جن زده

تصرف جن در زندگی انسان! پرسش من راجع به جن است. این که جن ها تا چه حد حق تصرف در زندگی انسان - ها را دارند. گه - گاه در اطراف شنیده می شود که مثلاً شخصی جن - زده شده است و یا جن ها به خانه کسی حمله کرده و اموالش را به سرقت برده اند و مانند این ها و حتی روایاتی نیز در همین مضامین شنیده ایم. آیا این چیزها واقعیت دارد؟ آیا با قدرتی که دارند می توانند در زندگی ما خللی ایجاد کنند؟

در عالم هستی برخی از موجودات غیر محسوس اند و به حواس طبیعی و عادی قابل درک نیستند. یکی از این موجودات جن است. جن که در اصل معنا و مفهوم "پوشیدگی" دارد، از چشم انسان پوشیده است. قرآن وجود این موجود را تصدیق کرده و سوره ای به نام "جن" نیز در آن وجود دارد. در قرآن گاهی از این موجود به "جان" نیز یاد می شود. ۱

ماهیت و حقیقت این موجودات چندان برای ما روشن نیست؛ ولی از پاره ای آیات و روایات می توان به برخی از مشخصات این موجود دست یافت؛ از جمله:

۱. از آتش آفریده شده و خلقت آن پیش از خلقت انسان است. ۲.
 ۲. جن نیز مانند انسان مکلف و مسئول است. ۳.
 ۳. دسته ای از آنها مؤمن و گروهی کافر، عده ای از آنها نیک کردار و و برخی از آنها زشت کردارند. ۴.
 ۴. بعضی از آنها مرد و مذکر و پاره ای دیگر زن و مؤنث هستند و تولید نسل نیز می کنند. ۵.
 ۵. آنها زندگی می کنند و می میرند. ۶.
 ۶. دارای شعور و اراده اند و می توانند با سرعت حرکت کنند. مانند قصه حضرت سلیمان و تخت بلقیس. ۷.
 ۷. مسخر انسان می گردند. البته در این رابطه تنها در قرآن به قضیه حضرت سلیمان اشاره شده است که علاوه بر پرندگان، وحوش و انسان ها، جن ها نیز در اختیار و به فرمان حضرت سلیمان بودند. ۸.
 ۸. در روایات آمده است که جن های مؤمن برای پیامبران و امامان، مسخر می شوند و خدمت می کنند و کسانی که به اذن الهی ولایتی دارند نیز می توانند جنیان کافر را تحت فرمان خویش درآورند. ۹.
 ۹. از پاره ای آیات قرآنی و روایات معلوم می شود که جنیان به پیامبر خدا - صلی - الله - علیه - و آله - ایمان آورده اند. ۱۰.
- اما این که جن در کجای زمین قرار دارد به طور واضح و مشخص مطرح نشده است؛ هر چند در برخی از روایات به اماکنی که جنیان در آن -جا حضور بیشتری دارند، اشاره شده است. آن -چه مسلم است جن نیز مانند انسان موجودی است جسمانی؛ با این تفاوت که انسان از خاک و جن از آتش است. طبعاً همان طور که انسان دارای روح است جن نیز روح دارد و از آن -جا که میان روح و بدن رابطه نزدیک وجود دارد، می توان تصور کرد - چنان که برخی از انسان ها با ریاضت و -اجد شرایط سیر روحی در عوالم دیگر می شوند - برای جن نیز در شرایط خاص روحی این امکان هست که روح آنها با عالم بالا تماس حاصل کند. اما به هر روی مکان اصلی آنها همین زمین است و حتی تماس با عالم بالا نیز طبق برخی آیات قرآن پس از تولد حضرت رسول - صلی - الله - علیه - و آله - برای آنها ممنوع شده است. ۱۱.
- البته برخی از روایات به اماکن خاصی اشاره کرده اند که جن در آن جا حضور بیشتری دارد و گویا مانند موطن اصلی آنها تلقی می شود؛ مانند بیابان ها، مناطق خلوت، مکان های نجس، حمام، دست -شویی، محل دفن مردگان و... در این باب اگر با زبان عربی آشنایی داشته باشید کتاب های زیر خواندنی است:

۱. الجن فی الکتاب والسنه، اعداد ولی زاربن شاه زالدین، دارالبشائر الاسلامیه، بیروت، چاپ اول ۱۹۹۶م، ص ۸۸-۹۴ و بقیه کتاب در مورد مختصات و ماهیت جن.

۲. الجن فی القرآن و السنه، عبدالامير على مهنا، مؤسسه -الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۲م، ص ۳۱-۳۳ و بقیه مباحث هم خواندنی است.

۳. الجن بین الاشارات القرآنیه و علم الفیزیا، عبدالرحمن محمد الرفاعی، مکتبه مربوسی الصغیر، چاپ اول ۱۹۹۷م.

۴. جن و شیطان، علیرضا رجالی تهرانی، نشر نبوغ، (منبع فارسی).

اما درباره این که طائفه جن از چه نوع پیامبر و شریعتی پیروی می کنند و وضعیت و شرایط این موجودات پیش از آدم ابوالبشر و پس از او، و هم چنین پیش از بعثت - صلی -الله -علیه -و آله- و بعد از آن چگونه است، بایستی به چند نکته اساسی توجه کنیم:

۱. جنس جن به لحاظ این که با انسان از نظر خلقت تفاوت دارد و از حواس انسانی پوشیده است، به طور دقیق و جزئی نمی توان به احوال آنان از تمام ابعاد پی برد. تنها در محدوده معلوماتی که قرآن و احادیث در اختیار انسان می گذارد، می توان اطلاعاتی کسب کرد.

۲. طبق صریح آیات قرآن، جن هم مثل انسان مکلف است. اما چگونه تکلیفی، جزئیات آن معلوم نیست. آیه ۵۶ سوره ذاریات: "و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون؛ من جن و انس را نیافریدم مگر برای این که مرا (به یکتایی) پرستش کنند"، بر اشتراک بشر و جن در تکلیف دلالت می کند. همچنین آیه ۱۷۹ سوره اعراف اشاره دارد بر این که کفار و گناهکاران جن هم چون انسان ها اهل جهنم اند و در عذاب خواهند بود. نظیر این آیه، آیه ۱۱۹ هود و آیه ۱۳ سجده است.

۳. از صریح آیه ۱۳۰ سوره انعام، دو مطلب را می توان استفاده کرد: یکی این که طائفه جن بسان تمام انسان ها از پیامبران الهی نمی توانند بی بهره باشند. یعنی جن نیز در مسیر مراحل تکاملی و کسب سعادت دنیا و آخرت محتاج پیامبر است؛ دیگر این که پیامبر جن از جنس خود آنهاست. خداوند در همین آیه می فرماید: "یا معشر الجن و الانس الم یاتکم رسل منکم؛ [در روز قیامت گفته می شود] ای گروه جن و انس! آیا پیامبرانی از بین شما برای شما نیامدند؟" ظاهر عبارت "رسل منکم" نشان می دهد که پیامبران جن از طائفه خود آنانند و خداوند با ارسال پیامبران، حجت را بر آنها تمام می کند.

۴. قرآن در دو مورد به طائفه جن و چگونگی عقاید و شریعت آنان اشاره کرده است؛ یکی آیات ۲۹ تا ۳۱ سوره احقاف و دیگری تمام آیات سوره جن. آن ---چه در آیات سوره احقاف آمده، نشان می دهد جن پیش از بعثت پیامبر - صلی -الله -علیه و آله- از دین موسی - علیه -السلام- پیروی می کرده است. آیه می فرماید: "انا سمعنا کتاباً انزل من بعد موسی مصداً لما بین یدیه یهدی الی الحق؛ ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، و به سوی حق هدایت می کند".

این کلام به تعبیر علامه طباطبائی، دلالت دارد بر این که جنیان نامبرده به دین موسی و کتاب آن جناب مؤمن بوده اند. ۱۲

جن ها می توانند با بعضی از انسان ها ارتباط برقرار کنند. چنان که بعضی از آنها با انسان ارتباط برقرار می کردند. در مورد انبیاء و ائمه - علیه -السلام- در روایت آمده است که چنین ارتباطی داشتند و گاهی نیز ارتباط جن مشرک و کافر با بعضی از انسان - ها

موجب افزایش گمراهی و طغیان آنها می شدند " و انه كان رجال من الانس يعوذون برجال من الجن فزادهم رهقا؛ و این که مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می بردند و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیان می شدند." ۱۳.

بنابراین، جن با انسان ارتباط برقرار می کند و این موضوع به صراحت در قرآن و روایات و حکایات نیز وارد شده است.

برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. جن و شیطان، علیرضا رجالی تهرانی، ص ۱۶۳-۱۵۳.

۲. دانستنی هایی درباره جن، ابوعلی خداکرمی، ص ۱۸۹-۴۱.

لازم به ذکر است، ارتباط با جن واقعیت دارد، اما تلاش برای این منظور باخطرهای بسیاری رو به -رو است و نظام زندگی برخی را گرفتار اختلال می کند، لذا طی این مسیر را توصیه نمی کنیم.

براساس استفاده از آیه ۱۲۸ سوره انعام که می فرماید: "يا معشر الجن قد استكثرتم من الانس: ای گروه جن، غلبه کرده اید بر آدمیان"، می توان گفت تعدادی از جنیان می توانند انسان هایی را تابع خویش سازند. ۱۴

در واقع می توان گفت این گروه از جن، شیطان- هایی هستند که با ایجاد وسواس در برخی از انسان ها، بر آنها مسلط گشته، موجب بروز و ظهور عقاید یا کردار خاصی در ایشان می شوند. ۱۵

اما از آن جا که نوع تسلط ایشان بر اشخاص متفاوت بوده، راه علاج و درمان نیز گوناگون است، از این رو نمی توان نسخه ای کلی در این باب ارائه کرد. به دلیل آن که خداوند متعال جهان را براساس نظام علی استوار ساخته است، همیشه آثار و حوادث و افعالی که در جهان هستی صورت می گیرد به دلیل و یا بهتر بگوییم متکی بر علتی است، اما این علل گاهی طبیعی و عادی اند و گاه غیرطبیعی.

براین اساس، برخی با آشنایی با برخی از علل فرامادی که می تواند در رویداد های مادی و دنیوی اثر گذار باشد، دست به کارهایی زده و روند حوادث عادی را از مجرای اصلی خویش خارج می سازند. از این رو، می توان گفت، سحر و جادو با انواع و اقسام گوناگونش به دلیل ارتباط با علل و اسباب غیرطبیعی، عادی و مادی، می توانند حوادثی غیرمترقبه پدید آورند. البته این گونه اعمال از نظر شرع مردود بوده، از آنها نهی شده است. کسی که به آموزه های دینی ایمان داشته باشد، از آن جا که خلل رساندن به روند طبیعی امور ممنوع و مطرود است، هیچ گاه حاضر نمی شود با سلسله اعمال و افعالی، به کار دیگران خلل وارد سازد، آن-چه اهمیت دارد ایمان قلبی و باور درونی است نه ظاهری فریبنده. بله - چنان که گفته شد - بایک سلسله سلوک عملی می توان به مکنونات گذشته و آینده افراد پی برد، چنان که می توان با یک سری افعال، آینده دیگران را تغییر داد، اما باید دید شارع مقدس این کار را روا می داند یا خیر؟ البته مراجعه به برخی از اولیای الهی برای از میان بردن تصرفات غیرعادی و فرامادی که دیگران برای انسان پدید می آورند، امری معقول، موجه و مجاز است.

جن یکی از موجودات نادیدنی است. جهان ما برای جن قابل رویت و لمس است ولی جهان جن برای ما انسانها قابل رویت و لمس نیست. تقریباً جن های هر منطقه لباس و زبان محلی همان منطقه را دارند. در احادیث داریم شب هنگام که لباس خود را در می آورید بسم الله الرحمن الرحیم بگویید تا اجنه لباس شما را نپوشند، چون گاهی پیش می آید که اجنه در مراسم خود از لباس انسان استفاده میکنند. اجنه در همه جا وجود دارند. البته برخی از روایات به اماکن خاصی اشاره کرده اند که جن در آنجا حضور بیشتری دارد و گویا موطن اصلی آنها تلقی می شود. این مکانها عبارتند از: بیابانها، اعماق زمین، مناطق خلوت، اعماق آسمان، محل دفن مردگان، اعماق دریاها و اقیانوسها، مکانهای نجس، حمام، دستشویی، و گاهی ممکن است اجنه از ترکیب خانه ای خوششان بیاید و یا با صاحب خانه مانوس شده باشند آنگاه امکان فروش و تجدید بنای خانه تقریباً غیر ممکن میباشد. اغلب خانه هایی که گاهی در محله های بالای شهر می بینید که علی رغم صاحبان سرمایه دار سالیان سال به حالت مخروبه افتاده و تغییری در آن پدید نمی آید به همین دلیل است. جنیان غذا میخورند. باز مانده غذای انسانها، مغز استخوان، بوی غذاهای انسانها، هوا، علف و سبزیهای خوش طعم، جو، شاهدانه، ... جزو غذاهای جنیان است. البته از خوردنیها و آشامیدنیهای دیگر هم استفاده میکنند. اجنه مراسم ازدواج دارند و بصورت خانوادگی زندگی میکنند. جا و مکان برایشان مطرح نیست و ماده دارند آلت تناسلی دارند جنس نر و ماده با هم آمیزش دارند و مدت بارداری آنها کم تر از انسان است و معمولاً هر شکم بیشتر از یک بچه متولد نمیشود. وضع حمل آنها آسان تر از بشر است رشد بچه سریعتر و بلوغ هم دارند. زاد و ولدشان مثل انسان زیاد نیست. طول عمرشان بیشتر از آدمی است مرگ دارند جسمشان فنا میشود و احتیاجی به قبرستان ندارند. گرما و سرما و درد را احساس نمیکند اما لذت خوشی و ناخوشی دارند اکثر حیوانات آنها را می بینند و برایشان عادی است از این رو به آنها حمله نمیکند. اجنه میتوانند خود را به صورت انسان و غیر انسان در آورند. آنها پدیده های بسیار لطیفی هستند که میتوانند انبساط و انقباض کنند در حالت عادی در حال انبساط اند لذا دیده نمیشوند ولی اگر منقبض شوند میتوان آنها را دید و یا حتی از آنها عکس گرفت البته به شرطی که به این کار راضی باشند. به علت نداشتن عنصر خاکی قوه طی الارض دارند. چون همیشه با انسان ها در ارتباط و در تماس هستند به همه زبان ها آشنایی دارند. روزی که خداوند انسان را خلق کرد فاصله بین جنیان و آدمیان قرار داد که اجنه بدون اذن خدا اجازه نزدیک شدن و آسیب رساندن به آدمیان را ندارند و اصولاً اعمال زشت انسان سبب صدمه به خود او میشود و جنیان از طرف خداوند اجازه اذیت کردن می یابند.

اجنه دارای هوش بسیار سر شاری هستند و قدرت تله پاتیک خارق العاده ای دارند. آنها دارای روح و نفس هستند و از بین خودشان پیامبر ندارند و بایستی از دستورات پیامبر آدمیان پیروی کنند که چون خلقت آنها خیلی قبل تر از انسان بوده در بین فقها

این نظریه که اجنه دارای پیامبری از جنس خودشان نیستند اختلاف نظر وجود دارد. اجنه نیز مانند انسان ها خوب و بد ظالم و مومن دارند و دارای مذاهب گوناگون اند و عباداتشان طبق همان عقیده دینی است که دارند. خداوند احظار و تسخیر جن و روح را تحریم کرده زیرا انسان را از راه حقیقت دور کرده و به عبادات شیطان وادار میکندو سر انجام او را تباه خواهد کرد. برای دور کردن جن و شیطان باید به خدا توسل جست. اجنه به محض شنیدن ذکر و ورد فرار میکنند. وقتی بسم الله الرحمن الرحیم گفته شود اثر بد و شیطانی جن های کافر خنثی میشود. پس ذکر بسم الله الرحمن الرحیم در رفع و دور کردن شیطان و اجنه موثر است.

اطلاعاتی درمورد جن

جن یکی از مخلوقاتیست که در ادیان بویژه در دین اسلام کرارا از آن یاد شده البته از نظر علمی ثابت شده است که موجوداتی وجود دارند که از دیده گان ما مخفی هستند و بعضا کسانی هستند که میتوانند آنها را ببینند ... از بعد علمی کتمانی براین واقعیت نیست که موجودات ویا اجسامی نیز که ارتعاشات وفرکانسانهاو بطور کلی مختصات موجی آنها درحد بالای هستند از دید ما خارجند که دراین خصوص مطالبی در پست های قبلی ودر وب گذشته اسپریتس آورده ام... از نظر شخصی.... باید عرض کنم که من با اشخاصی مرتبط بوده ام که مدعی دیدن اجنه بوده اند وحتا در مواقعی حضورا با افرادی بوده ام که جن را البته بطور اتفاقی و ناگهانی مشاهده نموده اند که یک مورد آنرا را که صددرصد اعتمادی محکم به گفتار ش داشتم ودارم تأیید میکنم که جن را دید وبسیار از دیدن آن وحشت نمودومواردی دیگر.....الله اعلم

مقدمه

موجودات ماوراءالطبیعه

جن یک واقعیت است یا افسانه

جن چگونه موجودی است؟

آیا جن ها برتر از انسانند؟

حیات و زیستن جن بر روی زمین چگونه است ؟

تغذیه جنیان

سخن گفتن جنیان

در طول حیات هر انسانی موقعیتهایی وجود دارد که نقطه عطفی در زندگی او به شمار می آیند و چه زیباست که این نقطه عطف به سمت آگاهی و کمال باشد. قدم گذاردن در وادی ناشناخته و رسیدن به دانش و آگاهی شاید یکی از بزرگترین نقاط عطف در

زندگی من بوده باشد. من هم مثل بسیاری از افراد، شناختم از جن تنها در گفته ها و شنیده هایی خلاصه می شد که بیشتر به افسانه و قصه نزدیک بودند تا واقعیت، ولی امروزه پس از ماهها تحقیق و مطالعه به این باور رسیده ام که جن یک افسانه و خرافه نیست، «جن یک واقعیت مسلم است».

موجودات ماوراءالطبیعه

شاید به جرات بتوان بحث در وادی موجودات ماوراءالطبیعه را به قدمت تاریخ بشری دانست، چه در میان عوام و چه در میان روشنفکران، دانش پژوهان و محققین هر عصر. از این رو بعد از گذشت قرنهای این بحث هنوز هم به همان تازگی دنبال شده و چنانچه وقتی نوشته ای، گفتگویی، داستانی و یا حتی فیلمی درمورد آن تهیه می شود از استقبال عموم برخوردار می گردد، چرا که بشر همیشه تشنه برداشتن حجاب از مستورهای پیرامون خویش است، تا بتواند حس غریزی کنجکاوی خود را نسبت به این موجودات، به طریقی تسکین بخشد. شاید یک وجه اشتراک را بتوان در میان عوام و روشنفکران و دانشمندان یافت و آن شک و تردید نسبت به واقعیت وجودی آنان است؛ چرا که حتی سیر تکاملی علم در قاره اروپا و امریکا هم نتوانسته آن را از محالات بداند و علی رغم همه پیشرفتهای علوم بشری هیچ راه حل علمی برای پی بردن به چگونگی این موجودات عنوان نشده و همه چیز مانند ازل در شک و تردید است. اما در جهان بینی اسلامی همه چیز زیبا و بجا آفریده شده است، حتی موجود ماوراءالطبیعه ای با نام «جن»، موجودی که حتی برخی از مسلمانان، روشنفکران و دانش پژوهان در زمینه دینی یا به دیده شک و تردید در آن نگریسته، و یا سکوت کرده اند.

جن یک واقعیت است یا افسانه

در میان انسانها بر سر خلقت نظام عالم دو دیدگاه کلی وجود دارد، عده ای که همه چیز را ناشی از خلقت ذات الهی می دانند و گروهی دیگر که سرمنشا خلقت نظام عالم را در طبیعت جستجو می کنند. اگرچه میان آنان اختلاف نظرهای بسیار عمیق و اساسی است، ولی هیچ یک از این دو گروه نتوانسته اند وجود موجودات ماوراءالطبیعه را انکار کنند. آنهایی که خدا باورند و به روح و معاد معتقدند (غیر از مسلمانان) از آنها به عنوان ارواح خبیثه و یا ارواح شریر و یا شیطان یاد می کنند، برخی هم آنها را موجودات فضایی قلمداد می کنند، مادیون هم که اعتقادی به ذات الهی و قدرت پروردگار ندارند، این موجودات را همان انسانهای اولیه ای می دانند که در سیر تکامل بین انسان و میمون حیران مانده و به شکل و شمایل غریب درآمده اند و یا حتی برخی از آنان معتقدند که اینان انسانهای وحشی و بدوی در اعماق جنگل هستند و گاهی خود را نمایان ساخته و موجب اذیت و آزار انسانهای متمدن می شوند. و اما مسلمانان: بنا به نص صریح قرآن، موجودات عالم به سه گروه تقسیم می شوند: ۱- جمادات ۲- نباتات ۳- حیوانات؛ که یا دارای عقلند مانند انسان، فرشتگان و جنیان و یا فاقد عقل و شعورند مانند حیوانات و باز بنا به آیات نورانی قرآن کریم، باید بدانیم که بدون هیچ شک و تردیدی موجودی با نام «جن» در جهان آفرینش وجود دارد که از نظر تکلیف و شایستگی مورد خطاب

پروردگار قرار گرفته و مشابه انسان می باشد، چرا که، ۱- سی و چهار بار نام جن در قرآن کریم آورده شده است. ۲- هفتاد و دومین سوره قرآن با نام این موجود مزین گردیده است. ۳- احادیث و روایات فراوانی از پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، امامان و بزرگان علوم دینی در این خصوص، موجود بوده و در دسترس قرار دارد. ۴- به وسیله بسیاری از انسانها رویت شده اند. به آیاتی از قرآن کریم که وجود جن را مبرهن می داند اشاره می کنیم:

O سپاهیان سلیمان از جن و آدمی و پرنده گرد آمده و به صف می رفتند. (سوره نمل، آیه ۱۷)

O برای خدا شریکانی از جن قرار دادند و حال آن که جن را خدا آفریده است. (سوره انعام، آیه ۱۷)

O بگو اگر جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند، نمی توانند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند. (سوره اسراء، آیه ۸۸)

O سخن پروردگارت بر تو مقرر شد که جهنم را از جن و انس انباشته می کنیم. (سوره هود، آیه ۱۱۹)

O ای گروه جنیان و آدمیان، اگر می توانید که از قطر آسمان و زمین بگذرید، بیرون روید ولی بیرون نتوانیدرفت مگر با قدرتی.

(سوره الرحمن، آیه ۳۳)

O مرحوم شیخ مفید در کتاب «ارشاد» آورده است: «در آثاری از ابن عباس نقل شده: زمانی که پیامبر اسلام (ص) به قصد جنگ با قبیله بنی مصطلق از مدینه خارج شد، هنگام شب به دره وحشتناک و صعب العبوری رسید. اواخر شب جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و خبر داد که طایفه ای از جن در وسط دره جمع شده و قصد مکر و شر و آزار و اذیت شما و اصحابتان را دارند». (ارشاد ص

(۳۹۹)

O از حضرت امام صادق (ع) روایت شده: روزی حضرت رسول (ص) نشسته بود، مردی به خدمتشان رسید که بلندی قامتش مثل درخت خرما بود. سلام کرد، حضرت جواب داد و سپس فرمود: «خودش و کلامش شبیه جن است». سپس به او فرمود: کیستی؟ عرض کرد: من هام، پسر هیم، فرزند لاتیس، پسر ابلیس هستم (بحارالانوار ص ۸۳)

O بانو حکیمه دختر امام کاظم (ع) گوید: «برادرم امام رضا (ع) را دیدم که جلو در اتاقی با کسی صحبت می کرد در حالی که تنها بود، عرض کردم: با چه کسی سخن می گوئید؟ فرمودند: فردی از جن آمده تا مسائلی بپرسد و از چیزهایی شکایت کند» (اصول کافی ص ۳۹۵)

O علامه طباطبایی (ره) می فرمودند: «روزی آقای بحرینی که یکی از افراد معروف ومشهور در احضار جن و از متبحرین در علم ابجد و حساب مربعات بود در مجلس ما حضور یافت، چادری آوردند، دو طرفش را به دست من داد و دوطرف دیگر را به دستهای خود گرفت. این چادر به فاصله دو وجب از زمین فاصله داشت. در این حال جنیان را حاضر کرد، صدای غلغله و همهمه شدیدی از زیر چادر برخاست. چادر به شدت تکان می خورد چنان که نزدیک بود از دست ما خارج شود. من محکم نگه داشته بودم، آدمکهای

به قامت دو وجب در زیرچادر بودند و بسیار ازدحام کرده و تکان می خوردند و رفت و آمد داشتند، من با کمال فراست متوجه بودم این صحنه، چشم بندی و صحنه سازی نبوده و صد درصد وقوع امر خارجی بوده است» (رجایی، تهرانی جن و شیطان ص ۴۷)

اینها شمه ای بود از آیات قرآن کریم و احادیث و روایات که هر گونه شک و شبهه ای را در وجود واقعیت جن به یقین تبدیل می سازد.

جن چگونه موجودی است؟

به واقع جن چگونه موجودی است و آیا می توان توسط علوم پیشرفته امروزی آن را اثبات کرد؟ جن در لغت به معنای مستور و پوشیده است، همان طور که بچه در رحم و پنهان از چشم ما را «جنین» گویند و جنت اشاره به باغی است که درختان آن مانع از به چشم آمدن زمینش می گردد. و شاید علت شک و تردید در وجود جن نیز همان مستور و پنهان بودنش از انظار و حس بشری است، که علت آن در ذات خلقتش نهفته است. قرآن کریم خلقت جن را چنین بیان می دارد:

O و جان (که در بعضی از متون اسلامی آمده است، جان پدر جن است همان طور که آدم، پدر انسان) را پیشتر، از آتش زهرآگین آفریدیم. (سوره حجر، آیه ۲۷)

O خدا انسان را از گل خشک شده ای چون خاک سفال آفرید و جنیان را از شعله ای بی دود. (سوره الرحمن، آیه ۱۴ و ۱۵)

O مرا از آتش خلق کردی و او (انسان) را از گل آفریدی. (سوره اعراف، آیه ۱۲)

از این آیات در می یابیم که جن، آتش است و انسان از جنس خاک، و این چنین دریافت می شود که جنیان قبل از انسان خلق شده اند، و از آن جایی که هر دو از ماده آفریده شده اند پس مادی هستند، ولی دو تفاوت اساسی آنها را از سایر موجودات متمایز می سازد:

۱- می توانند خود را به هر شکل و قیافه ای درآورند (آکام المرجان) (به استثنای پیامبران و ائمه معصوم و بنا به برخی روایات حتی احدی از شیعیان).

۲- از چشم موجودات دیگر پنهانند. ملاصدرا پنهان و آشکار شدن جن را با هوا قیاس می کند و این طور عنوان می دارد: «بدن های لطیف آنها در الطاف و نرمی متوسط بوده و از این رو آماده جدایی و یا گردآمدن هستند، چون گرد هم آیند قوام آنها بهتر گشته و مشاهده می گردند و چون جدا گردند قوامشان نازک و جسمشان لطیف می شود و از دیده پنهان می مانند، مانند هوا که وقتی ذراتش گرد هم می آیند غلیظ می شود و به صورت ابر درمی آید و وقتی ذرات از هم جدا می شوند لطیف شده و دیده نمی شوند.» (ملاصدرا، مفاتیح الغیب)

همین ذات وجودی جنیان به آنها این امکان را می دهد که خود را به هر شکلی و با هر حجمی درآورند، چه به اندازه سرسوزن و چه در اندازه اتاقی بزرگ. آنها به واسطه همین ویژگی، بعد زمان برایشان معنا ندارد، و مسافتی را که بشر مدتها باید آن را طی کند،

در لحظه ای می پیمایند و اعمالی را که از توان انسان خارج است آنها به راحتی قادر به انجامش هستند. عمده ترین علت شک و تردید در وجود آنان هم همین پنهان بودن از چشم انسانهاست، که البته از نظر علمی هم توجیه پذیر است. چرا که در جهان هستی چیزهای زیادی وجود دارد که به چشم ما قابل رویت نیستند ولی قدرتشان از نظر جسمی از انسان به مراتب بیشتر است، مثل الکترونها، امواج الکتروسیسته، نورهای ماورای بنفش، اشعه ایکس، باکتریها و ویروسها، آمیب ها، جانداران تک سلولی و از همه مهمتر ذات اقدس الهی که دیده نمی شود ولی کدام عقل سلیمی می تواند آن را انکار کند؟ بنابراین صرف این که با حواس خود قادر نیستیم آنان را درک کنیم، دلیل بر نبودن آنها نیست.

آیا جن ها برتر از انسانند؟

همه ما واژه «از ما بهتران» را به کرات شنیده ایم. این واژه در فرهنگ عامیانه ما اغلب برای جن به کار می رود ولی آیا واقعا این چنین است؟ آیا جن موجودی برتر از انسان است؟ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «و ما فرزندان آدم را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.» (سوره اسراء، آیه ۷۰)

و همچنین واجب شدن سجده شیطان و فرشتگان بر انسان نیز، خود دلیلی برای برتر بودن نوع انسان است در پیشگاه خداوند. یک انسان کامل بر همه موجودات برتری دارد و حتی بعضی از انسانها که راه برقراری ارتباط با جنیان را می دانند (مدیومها) می توانند بر آنها تسلط یابند. باز به قرآن کریم استناد می کنیم که می گوید: «از پریان بودند که به فرمان پروردگارش برایش کار می کردند و هر که از آنان از فرمان سرمی پیچید به او عذاب آتش سوزان را می چشاندیم. برای وی هر چه می خواست از بناهای بلند و تندیسها و کاسه هایی چون حوض و دیگهای محکم می ساختند.» (سوره سبا، آیه ۱۲ و ۱۳)

اگر چه قرآن کریم در مورد تسلط بر جن فقط از حضرت سلیمان یاد کرده است ولی در بسیاری از کشورها و حتی در کشور خودمان هم نمونه های زیادی دیده شده که اشخاصی با عنوان جن گیر و یا احضارکنندگان ارواح توانسته اند از آن ها بهره گیرند، که البته در مبحثی جدا به آن خواهیم پرداخت. در هر حال باید دانست که در پیشگاه خداوند انسان، اشرف مخلوقات است و یک انسان کامل و مومن بر همه خلائق برتری دارد.

حیات و زیستن جن بر روی زمین چگونه است ؟

بنا بر آیه کریمه قرآن:

○ این موجود عجیب پیش از آفرینش انسان، خلق شده است. (سوره حجر، آیه ۲۷)

○ جنیان از شعله های آتش آفریده شده اند. (سوره الرحمن، آیه ۱۴)

○ جنیان چون انسانها دسته دسته به دنیا آمده اند، تا زمان مرگ زندگی کرده و بعد به جهان آخرت خواهند رفت. (سروره فصلت،

آیه ۲۵)

O آنها نیز نر و ماده دارند. (سوره جن، آیه ۶)

O آن ها نیز تمایلات نفسانی دارند. (سوره الرحمن، آیه ۵۶)

O تعداد جنیان بیش از آدمیان است. (سوره انعام، آیه ۱۲۸)

همان طور که پیش از این گفته شد، جن موجودی است مادی که از آتش خلق شده است. از آنجایی که ماده است، بنابراین حیات دارد و از آنجایی که دارای حیات است و طبق آیات الهی زاد و ولد می کند پس نر و ماده دارد، خواب و خوراک دارد و پایان زندگی اش با مرگ توأم است و باز بنا بر آیات کریمه، زندگی پس از مرگ نیز خواهد داشت که در مبحث دیگری به آن خواهیم پرداخت. تغذیه جنیان

از آنجا که هر موجودی برای ادامه حیات خود احتیاج به تغذیه و خوراک دارد جنیان نیز به طور قطع از چیزهایی تغذیه می کنند. چنان که «ابن بابویه» نقل کرده است: «گروهی از طایفه جن خدمت پیامبر اکرم (ص) شرفیاب شدند و عرض کردند: ای رسول خدا چیزی برای خوردن به ما عطا فرما، حضرت هم استخوان و بازمانده غذا را به آنها عطا کرد.» (وسائل الشیعه، جلد ۱، ص ۲۵۲) و نیز امام صادق (ع) می فرماید: «استخوان و ضایعات غذای جنیان است.» (وسائل الشیعه)

سخن گفتن جنیان

فطرت انسان به گونه ای است که او را محتاج به سخن گفتن و ارتباط برقرار کردن با هموعان خود ساخته است. از طرفی اصوات در حیوانات هم به طریق علمی و هم تجربی ثابت شده و همچنین در قرآن و روایات ذکر شده که بعضی از پیامبران (مانند حضرت نوح و سلیمان) زبان حیوانات را دانسته و می توانستند با آنها سخن گویند، در جنیان نیز به همین گونه است، از آنجایی که جنیان نیز مادی هستند و زندگی اجتماعی آنها ایجاب می کند که با یکدیگر سخن بگویند، پس به طور قطع و یقین آنها اصواتی برای انتقال مفاهیم به یکدیگر دارند ولی در فهم ما نیست. البته کسانی می توانند به طریقی حرفهای آنها را دریابند و با آنها سخن گویند؛ چنانکه حضرت رسول و برخی از امامان با آنها صحبت می کردند و افرادی بنا بر تواناییهای خاصی می توانند با آنها ارتباط برقرار کنند. (ارتباط دهندگان یا جن گیران) از امام صادق (ع) نقل شده است: «روزی امیرالمومنین (ع) در کوفه بر فراز منبر مشغول خطبه بود که ناگهان ازدهایی در حالی که به شدت به طرف مردم می دوید و آنها از او می گریختند پدیدار شد. حضرت فرمود: «راه را برای او باز کنید.» ازدها جلو آمد و از منبر بالا رفت و پاهای حضرت (ع) را بوسید و خود را به پاهای مبارک حضرت مالید و سه بار دمید، سپس پایین آمد و رفت و حضرت خطبه را ادامه داد. وقتی مردم توضیح خواستند ایشان فرمود: او مردی از جن بود که می گفت: فرزندش را یکی از انصار به نام جابر بن سمیع، بدون این که به او آزاری رسانده باشد با سنگ کشته است و اکنون خون فرزندش را می طلبید.» (بحارالانوار، ص ۱۷۲) قابل ذکر است، دری که ازدها از آن وارد و خارج شده بود به «باب الثعبان» (درب ازدها) مشهور شد.

پس از شهادت امیرالمومنین (ع)، معاویه که نمی خواست ذکر از فضایل آن حضرت گفته شود دستور داد فیل را آوردند و به آن در بستند. آن قدر فیل را در آنجا نگاه داشت تا به باب الفیل مشهور شد و هم اکنون نیز، «باب الفیل» (درب فیل) نامیده می شود.

((ازدواج جن با انسان))

فاضل تنکابنی در قصص العلماء در ضمن ترجمه شیخ جعفر عرب نقل نمود که: در زمانی که شیخ جعفر در لاهیجان بود شخصی به حضورش شرفیاب شده عرض کرد با جناب شیخ سخن محرمانه ای دارم. وقتی مجلس خلوت شد عرض کرد: من در حباله خود دو زن دارم. روزی در صحرا تنها بودم که دختری در نهایت حسن و جمال دیدم و از مشاهده او در بیابان هراسان و حیران شدم پس آن دختر پیش من آمد و گفت: وحشت نکن من دختری هستم از طایفه جن و عاشق تو گشته ام برو برای من در خانه خود منزلی آماده کن که من هر شب به نزد تو آیم و از مال دنیا هرچه بخواهی برای تو می آورم لکن به دو شرط اول: آنکه از زنان خود به کلی کناره گیری کنی و با ایشان مقاربت ننمایی دوم: آنکه این سر را به کسی اظهار نکنی و اگر از هر یک از این دو شرط تخلف کنی تو را هلاک می کنم و اموال خود را هم خواهم برد. من همان طوری که او گفته بود عمل کردم و تا به حال از زن های خود قطع علاقه کرده ام و اموال بسیاری هم آورده لکن از مقاربت اوضعفی بر من عارض شده که خود را نزدیک به هلاکت می بینم و از ترس او جرئت کناره گیری را هم ندارم زیرا میدانم هم مرا از بین میبرد و هم مالی که آورده خواهد برد فعلا کار من به اضطراب کشیده و برای خلاصی از این مهلکه جز شما پناه و مرجعی ندارم اکنون تو نائب امام زمان (ع) هستی مرا از این مهلکه باید نجات بدهی. شیخ بزرگوار چون این مطلب را شنید دوناامه نوشت و به آن مرد داد و فرمود: یکی از اینها را بر بالای اموال خود بگذار و آن دیگری را در دست خود بگیر و در مقابل آن خانه بنشین و چون آن دختر آمد بگو این نامه را شیخ جعفر نجفی نوشته است. آن زن می گوید به دستور شیخ بزرگوار عمل کردم. چون دختر آمد آن نامه را به او نشان دادم و گفتم آقا شیخ جعفر این نامه را نوشته. چون این حرف را شنید دیگر پیش من نیامد و به نزد اموال روانه گردید. وقتی نامه دیگر شیخ را روی اموال دید برگشت به من متوجه شد و گفت: اگر شیخ بزرگوار نامه ننوخته بود تو را به جهت افشای این سر هلاک می کردم و این اموال را هم میبرد

لکن بر امر شیخ مخالفت نمی توانم بکنم و قادر هم نیستم. این جمله را گفت و رفت و دیگر او را ندیدم

((إحصار جن))

در محضر حضرت علامه طباطبائی (ره)

روزی آقا سید نورالدین (آقا زاده کوچک ایشان)، در تهران که بودم نزد من آمد و گفت: آقا جان، استاد بحرینی در تهران است.

میخواهید من او را فوراً اینجا نزد شما بیاورم؟

و آقای بحرینی یکی از افراد معروف و مشهور در احضار جن، و از متبحرین در علم اُبجد و حساب مربعات است. گفتم: اشکال ندارد.

سید نورالدین رفت و پس از یکی دو ساعت آقای بحرینی را با خود آورد و در مجلس نشست و سپس چادری را آوردند و دو طرفش را به دو دست من داد و دو طرف دیگر را به دستهای خود گرفت. و این چادر که بدست ما بود تقریباً بفاصله دو وجب از زمین فاصله داشت. در اینحال جنیان را حاضر کرد و صدای غلغله و همههمه شدیدی در زیر چادر برخاست، و چادر به شدت تکان میخورد که نزدیک بود از دست ما خارج شود، و من محکم نگاه داشته بودم. و از طرفی آدمکهای به قامت دو وجب در زیر چادر بودند و بسیار ازدحام کرده بودند، و تکان میخوردند، و رفت و آمد داشتند.

من با کمال فراست متوجه بودم که این صحنه، چشم بندی و صحنه سازی نباشد. دیدم: نه، صد در صد وقوع امر خارجی است. در اینحال آقای بحرینی یک مربع سی و دو خانه ای کشید. و من تا آنحال چنین مربعی را نشنیده و ندیده بودم. چون سیر مربعات چهار در چهار، و یا پنج در پنج است. و سیر مربعات هر چه باشد مانند مربع صد در صد، بر این منوال است. ولی مربع سی و دو خانه ای، در هیچ کتابی نبود. و آقای بحرینی از من سؤالاتی مینمود و یادداشت میکرد و جواب میداد. و از بعضی از مشکلات ما که هیچکس اطلاع بر آن نداشت جواب گفت. و جوابها همه صحیح بود.

من آن روز بسیار تعجب کردم. مانند آقای ادیب که از شاگردان برادر من: آقا سید محمد حسن بود، و چون روح مرحوم قاضی رحمهالله علیه را حاضر کرده بود و از رفتار من سؤال کرده بود، فرموده بود: روش او بسیار پسندیده است؛ فقط عیبی که دارد آنست که پدرش از او ناراضی است و میگوید: در ثواب تفسیری که نوشته است مرا سهیم نکرده است. چون این مطلب را برادر من از تبریز بمن نوشت، من با خود گفتم: من برای خودم در این تفسیر ثوابی نمیدیدم، تا آنکه آن را هدیه به پدرم کنم. خداوندا اگر تو برای این تفسیر ثوابی مقدر فرموده ای، همه آن را به والدین من عنایت کن. و ما همه را به آنها اهداء میکنیم!

پس از یکی دو روز کاغذ دیگری از برادر من آمد، و در آن نوشته بود که: چون روح مرحوم قاضی را احضار کرد مرحوم قاضی فرموده بودند: اینک پدر از سید محمد حسین راضی شده، و بواسطه شرکت در ثواب بسیار مسرور است. و از این اهداء ثواب هم هیچکس خبر نداشت.

سوره جن

ترجمه فارسی سوره جن

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

بگو: به من وحی شده که: گروهی از جن [به قرآن] گوش دادند و گفتند: همانا ما قرآن شگفت آوری شنیدیم، (۱) که به سوی راه راست هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و هرگز احدی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد، (۲) و [این حقایق را اعتراف و اقرار می کنیم:] اینکه برتر و بلند است عظمت پروردگارمان، و او هرگز برای خود همسری و فرزندى نگرفته است، (۳) و اینکه سبک

مغز و نادان ما همواره درباره خدا سخنی دور از حق می گفت [که او دارای همسر و فرزند است!] (۴) و اینکه گمان می کردیم، هرگز انس و جن بر خدا دروغ نمی بندند، (۵) و اینکه مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردند، پس [مردان جن] بر طغیان و تبااهی شان افزودند، (۶) و مردانی از انس پنداشتند چنان که شما [جنیان] پنداشتید که: خدا هرگز کسی را [به نبوت] بر نمی انگیزد! (۷)

و اینکه [برای کسب خبر] به آسمان نزدیک شدیم، پس آن را پر از نگهبانان نیرومند و تیرهای شهاب یافتیم، (۸) و اینکه ما در آسمان برای شنیدن [خبرهای ملکوتی و سخنان فرشتگان] در نشستگاه هایی می نشستیم، ولی اکنون هر که بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد! (۹) و اینکه ما نمی دانیم آیا درباره کسانی که در زمین هستند گزند و شری خواسته شده، یا پروردگارشان برای آنان هدایت خواسته است؟ (۱۰) و اینکه از ما برخی شایسته و برخی غیر شایسته اند، [و] ما بر مذاهب گوناگون و متفاوتی هستیم، (۱۱) و اینکه ما یقین داریم که هرگز نمی توانیم خدا را در زمین عاجز و درمانده کنیم و هرگز نمی توانیم [با گریختن و فرار] از دسترس قدرت او بیرون رویم، (۱۲) و اینکه چون هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ زیرا کسی که به پروردگارش ایمان آورد نه از کاسته شدن ثواب می ترسد و نه از اینکه سختی ورنجی او را احاطه کند، (۱۳) و اینکه گروهی از ما تسلیم [فرمان ها و احکام] خداوند، و برخی منحرف اند، پس کسانی که تسلیم شدند در صدد یافتن حقیقت و راه مستقیم اند، (۱۴) ولی منحرفان هیزم دوزخ اند، (۱۵) و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد، (۱۶) تا آنان را در زمینه فراوانی نعمت بیازماییم، و کسی که از یاد پروردگارش روی برگرداند، او را در عذابی بسیار سخت و روز افزون درخواهد آورد، (۱۷) و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مپرستید، (۱۸) و اینکه هنگامی که بنده خدا [محمد] برمی خاست تا خدا را عبادت کند [از جنیان به اندازه ای به سویش هجوم می بردند که] نزدیک بود جمعیت انبوه و متراکمی بر سر او بریزد، (۱۹) بگو: من فقط پروردگارم را می پرستم، و هیچ کس را شریک او قرار نمی دهم (۲۰) بگو: من اختیار زیان و هدایتی را برای شما ندارم (۲۱) بگو: [اگر از او نافرمانی کنم] هرگز کسی در برابر [عذاب] خدا مرا پناه نمی دهد، و هرگز پناهگاهی غیر او نمی یابم (۲۲) [وظیفه من] فقط رساندن [برنامه های سعادت بخش] از سوی خدا و [رساندن] پیام های اوست. و آنان که از خدا و پیامبرش نافرمانی کنند، مسلماً آتش دوزخ برای آنان است و در آن جاودانه و همیشگی اند (۲۳) [اینان همواره شما را ضعیف و ناتوان و بی یار می شمارند] تا زمانی که آنچه را [از عذاب] وعده داده می شوند ببینند، پس به زودی آگاه می شوند چه کسی یاورش ناتوانتر و نفراش کمتر است؟ (۲۴) بگو: نمی دانم آیا آنچه را وعده داده می شوید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی طولانی قرار خواهد داد؟ (۲۵) [او] دانای غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی کند؛ (۲۶) مگر پیامبرانی را که [برای آگاه شدن از غیب] برگزیده است، پس نگهبانانی [برای محافظت از آنان] از پیش رو و پشت سرشان می گمارد (۲۷) تا مشخص کند که پیام های پروردگارشان را [به طور کامل به مردم] رسانده اند و او به آنچه نزد آنان است احاطه دارد، و همه چیز را از جهت عدد شماره و احصا کرده است (۲۸)

جن دارای حرکات بسیار سریع می‌باشد و به همین دلیل قبلاً می‌توانست در آسمان نفوذ و استراق سمع کند ولی با ظهور حضرت مسیح (علیه‌السلام) جلوی ورود و نفوذ آنها به آسمانها به صورت نسبی گرفته شد و با ظهور پیامبر گرانقدر اسلام حضرت خاتم الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کاملاً از ورود آنها به آسمانها جلوگیری گردید. خلقت انسان بعد از خلقت جن روی زمین بوده است و جن‌ها هفت هزار سال پیش از انسان در کره زمین زندگی می‌کردند. همانطور که انسان‌ها از نسل آدم و حوا بوده، جن‌ها از نسل مارج و مارجه می‌باشند. طول عمر جن از انسان بسیار زیادتر است (حدود دو هزار سال عمر میکنند) ولی جن نیز دارای مرگ، تولد و عمر محدود و مشخص می‌باشد، همچنین دارای حشر، نشر، معاد، حساب و کتاب اخروی است. از لحاظ مرفولوژی و ظاهری، قیافه واقعی جن با انسان تفاوت دارد (این موجودات می‌توانند با قیافه و ظاهر کاذب نمایان شوند). جن یک امتیاز از لحاظ ظاهری نسبت به انسان دارد و آن اینکه می‌تواند به هر شکلی که می‌خواهد اعم از انسان و حیوان دربیاید، ولی به شکل پیامبران، ائمه معصومین و شیعیان واقعی ظاهر نمی‌شود. طول قد جن بسته به سن او، بین سی تا هشتاد سانتیمتر است. جن دارای دو جنس مذکر و مؤنث است و تولید مثل می‌کند. نطفه جن بر خلاف انسان از جنس و ماهیت شبیه هوا می‌باشد. انسان و جن می‌توانند با همدیگر ازدواج نموده، حتی تولید مثل نمایند. دستگاه گوارش جن با انسان تفاوت دارد. بطور معمول جن انسان را می‌بیند ولی برای انسان قابل رؤیت نمی‌باشد.

جن مانند انسان دارای علم، ادراک، قدرت تشخیص، مسئولیت و تکلیف است. پیغمبر گرامی اسلام بر جن‌ها نیز مبعوث شدند و در بین جن‌ها نیز دین و مذهب و فرقه وجود دارد. جن به دو گروه مسلمان و غیرمسلمان تقسیم شده و مسلمانان آنها نیز در یک گروه اهل تشیع قرار می‌گیرند. رهبر جن‌های شیعه «سفر ابن زعفر» می‌باشد و لوحی مزین به جمله مبارک «یا ابا عبد الله الحسین» برگردن دارد. پدر زعفر در صدر اسلام توسط حضرت علی (علیه‌السلام) کشته شد و خود نیز به دست آن حضرت مسلمان گردید. زعفر و لشکریانش در واقعه کربلا به یاری حضرت امام حسین (علیه‌السلام) شتافتند ولی آن امام بزرگوار اجازه نفرمودند. در منابع مختلف از جمله قرآن کریم، تفاسیر، احادیث و کتب علمی از جن یاد شده است. دانشمندان غربی از جن به عنوان ارواح صدا دار یاد می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام که درود خدا بر او باد می‌فرمایند: «خداوند جن را در پنج صنف آفرید: باد، مار، عقرب، حشرات و انسان.» برخی از انسانها جن را می‌پرستند، علامه طباطبائی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) می‌فرمایند: «مشرکان سه دسته می‌شوند، اول آنها یکی که جن می‌پرستند، دوم آنها یکی که ملائکه می‌پرستند و سوم آنها یکی که مقدّسینی از بشر را پرستش می‌کنند.» ابلیس از طوایف جن است و در قرآن صراحتاً به این مطلب اشاره شده است. به (روایتی) ابلیس دوازده هزار سال عبادت کرد و همین امر باعث شد از زمین به آسمان برود و در رده ملائک قرار بگیرد و به درجه‌ای رسید که مرتبه استادی برخی از ملائک را داشت. برخی

از جن‌ها علاقمند به داشتن ارتباط با انسان می‌باشند، بعضی انسانها نیز به ایجاد رابطه با جن تمایل دارند، ایجاد این ارتباط امکان پذیر است ولی به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود و نهی شده است، برخی از علما نیز آن را مجاز نمی‌دانند.

تسخیر جن کاری خطرناک می‌باشد. اگر انسانی با جن ارتباط گرفت، دیگر نمی‌تواند آنرا قطع کند و یا حداقل قطع این ارتباط دارای عواقب خطرناکی است. قابل ذکر است که جن در مقابل ارتباط با انسان و خدماتی که ارائه می‌کند، چیزهایی از انسان می‌گیرد که جبران آن بسیار سخت بوده، یا غیرقابل جبران است. در صورتیکه جن از طرف انسان احساس خطر کند و یا آسیب ببیند، اقدام به تلافی خواهد کرد و به شخص مورد نظر یا بستگان نزدیک، از جمله همسر و فرزندان او آسیب می‌زند و یا آزار و اذیت می‌رساند، پس بهتر است جن را بهانه‌ای برای تفکر و تدبّر در عظمت خالق آن قرار دهیم. برآستی که اگر انسان تمام عمر خویش را نیز صرف اندیشیدن در بزرگی و عظمت حق تعالی نماید، بسیار اندک خواهد بود.

موجودات ماوراءالطبیعه

شاید به جرات بتوان بحث در وادی موجودات ماوراءالطبیعه را به قدمت تاریخ بشری دانست، چه در میان عوام و چه در میان روشنفکران، دانش پژوهان و محققین هر عصر. از این رو بعد از گذشت قرن‌ها این بحث هنوز هم به همان تازگی دنبال شده و چنانچه وقتی نوشته‌ای، گفتگویی، داستانی و یا حتی فیلمی درمورد آن تهیه می‌شود از استقبال عموم برخوردار می‌گردد، چرا که بشر همیشه تشنه برداشتن حجاب از مستورهای پیرامون خویش است، تا بتواند حس غریزی کنجکاوی خود را نسبت به این موجودات، به طریقی تسکین بخشد. شاید یک وجه اشتراک را بتوان در میان عوام و روشنفکران و دانشمندان یافت و آن شک و تردید نسبت به واقعیت وجودی آنان است؛ چرا که حتی سیر تکاملی علم در قاره اروپا و امریکا هم نتوانسته آن را از محالات بداند و علی‌رغم همه پیشرفتهای علوم بشری هیچ راه حل علمی برای پی بردن به چگونگی این موجودات عنوان نشده و همه چیز مانند ازل در شک و تردید است. اما در جهان بینی اسلامی همه چیز زیبا و بجا آفریده شده است، حتی موجود ماوراءالطبیعه‌ای با نام «جن»، موجودی که حتی برخی از مسلمانان، روشنفکران و دانش پژوهان در زمینه دینی یا به دیده شک و تردید در آن نگریسته، و یا سکوت کرده اند.

جن یک واقعیت است یا افسانه

در میان انسانها بر سر خلقت نظام عالم دو دیدگاه کلی وجود دارد، عده‌ای که همه چیز را ناشی از خلقت ذات الهی می‌دانند و گروهی دیگر که سرمنشا خلقت نظام عالم را در طبیعت جستجو می‌کنند. اگرچه میان آنان اختلاف نظرهای بسیار عمیق و اساسی است، ولی هیچ یک از این دو گروه نتوانسته اند وجود موجودات ماوراؤالطبیعه را انکار کنند. آنهایی که خدا باورند و به روح و معاد معتقدند (غیر از مسلمانان) از آنها به عنوان ارواح خبیثه و یا ارواح شریر و یا شیطان یاد می‌کنند، برخی هم آنها را موجودات فضایی قلمداد می‌کنند، مادیون هم که اعتقادی به ذات الهی و قدرت پروردگار ندارند، این موجودات را همان انسانهای اولیه‌ای می‌دانند

که در سیر تکامل بین انسان و میمون حیران مانده و به شکل و شمایل غریب درآمده اند و یا حتی برخی از آنان معتقدند که اینان انسانهای وحشی و بدوی در اعماق جنگل هستند و گاهی خود را نمایان ساخته و موجب اذیت و آزار انسانهای متمدن می شوند. و اما مسلمانان : بنا به نص صریح قرآن، موجودات عالم به سه گروه تقسیم می شوند: ۱- جمادات ۲- نباتات ۳- حیوانات؛ که یا دارای عقلند مانند انسان، فرشتگان و جنیان و یا فاقد عقل و شعورند مانند حیوانات و باز بنا به آیات نورانی قرآن کریم، باید بدانیم که بدون هیچ شک و تردیدی موجودی با نام «جن» در جهان آفرینش وجود دارد که از نظر تکلیف و شایستگی مورد خطاب پروردگار قرار گرفته و مشابه انسان می باشد، چرا که، ۱- سی و چهار بار نام جن در قرآن کریم آورده شده است. ۲- هفتاد و دومین سوره قرآن با نام این موجود مزین گردیده است. ۳- احادیث و روایات فراوانی از پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع)، امامان و بزرگان علوم دینی در این خصوص، موجود بوده و در دسترس قرار دارد. ۴- به وسیله بسیاری از انسانها رویت شده اند. به آیاتی از قرآن کریم که وجود جن را مبرهن می داند اشاره می کنیم:

سپاهیان سلیمان از جن و آدمی و پرنده گرد آمده و به صف می رفتند. (سوره نمل، آیه ۱۷)

برای خدا شریکانی از جن قرار دادند و حال آن که جن را خدا آفریده است. (سوره انعام، آیه ۱۷)

بگو اگر جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند، نمی توانند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند. (سوره اسراء، آیه ۸۸)

سخن پروردگارت بر تو مقرر شد که جهنم را از جن و انس انباشته می کنیم. (سوره هود، آیه ۱۱۹)

ای گروه جنیان و آدمیان، اگر می توانید که از قطر آسمان و زمین بگذرید، بیرون روید ولی بیرون نتوانیدرفت مگر با قدرتی. (سوره الرحمن، آیه ۳۳)

مرحوم شیخ مفید در کتاب «ارشاد» آورده است: «در آثاری از ابن عباس نقل شده: زمانی که پیامبر اسلام (ص) به قصد جنگ با قبیله بنی مصطلق از مدینه خارج شد، هنگام شب به دره وحشتناک و صعب العبوری رسید. اواخر شب جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و خبر داد که طایفه ای از جن در وسط دره جمع شده و قصد مکر و شر و آزار و اذیت شما و اصحابتان را دارند». (ارشاد ص ۳۹۹)

از حضرت امام صادق (ع) روایت شده : روزی حضرت رسول (ص) نشسته بود، مردی به خدمتشان رسید که بلندی قامتش مثل درخت خرما بود. سلام کرد، حضرت جواب داد و سپس فرمود: «خودش و کلامش شبیه جن است». سپس به او فرمود: کیستی؟ عرض کرد: من هام، پسر هیم، فرزند لاتیس، پسر ابلیس هستم (بحارالانوار ص ۸۳)

بانو حکیمه دختر امام کاظم (ع) گوید: «برادرم امام رضا (ع) را دیدم که جلو در اتاقی با کسی صحبت می کرد در حالی که تنها بود، عرض کردم: با چه کسی سخن می گوئید؟ فرمودند: فردی از جن آمده تا مسائلی بپرسد و از چیزهایی شکایت کند» (اصول

کافی ص ۳۹۵) علامه طباطبایی (ره) می فرمودند: «روزی آقای بحرینی که یکی از افراد معروف ومشهور در احضار جن و از

متبحرین در علم ابجد و حساب مربعات بود در مجلس ما حضور یافت، چادری آوردند، دو طرفش را به دست من داد و دوطرف دیگر را به دستهای خود گرفت. این چادر به فاصله دو وجب از زمین فاصله داشت. در این حال جنیان را حاضر کرد، صدای غلغله و همهمه شدیدی از زیر چادر برخاست. چادر به شدت تکان می خورد چنان که نزدیک بود از دست ما خارج شود. من محکم نگه داشته بودم، آدمکهای به قامت دو وجب در زیر چادر بودند و بسیار ازدحام کرده و تکان می خوردند و رفت و آمد داشتند، من با کمال فراست متوجه بودم این صحنه، چشم بندی و صحنه سازی نبوده و صد درصد وقوع امر خارجی بوده است» (رجایی، تهرانی جن و شیطان ص ۴۷)

اینها شمه ای بود از آیات قرآن کریم و احادیث و روایات که هر گونه شک و شبهه ای را در وجود واقعیت جن به یقین تبدیل می سازد.

جن چگونه موجودی است؟

به واقع جن چگونه موجودی است و آیا می توان توسط علوم پیشرفته امروزی آن را اثبات کرد؟ جن در لغت به معنای مستور و پوشیده است، همان طور که بچه در رحم و پنهان از چشم ما را «جنین» گویند و جنت اشاره به باغی است که درختان آن مانع از به چشم آمدن زمینش می گردد. و شاید علت شک و تردید در وجود جن نیز همان مستور و پنهان بودنش از انظار و حس بشری است، که علت آن در ذات خلقتش نهفته است. قرآن کریم خلقت جن را چنین بیان می دارد:

و جان (که در بعضی از متون اسلامی آمده است، جان پدر جن است همان طور که آدم، پدر انسان) را پیشتر، از آتش زهرآگین آفریدیم. (سوره حجر، آیه ۲۷)

خدا انسان را از گل خشک شده ای چون خاک سفال آفرید و جنیان را از شعله ای بی دود. (سوره الرحمن، آیه ۱۴ و ۱۵)

مرا از آتش خلق کردی و او (انسان) را از گل آفریدی.

از این آیات در می یابیم که جن، آتش است و انسان از جنس خاک، و این چنین دریافت می شود که جنیان قبل از انسان خلق شده اند، و از آن جایی که هر دو از ماده آفریده شده اند پس مادی هستند، ولی دو تفاوت اساسی آنها را از سایر موجودات متمایز می سازد:

۱- می توانند خود را به هر شکل و قیافه ای درآورند (آکام المرجان) (به استثنای پیامبران و ائمه معصوم و بنا به برخی روایات حتی احدی از شیعیان).

۲- از چشم موجودات دیگر پنهانند. ملاصدرا پنهان و آشکار شدن جن را با هوا قیاس می کند و این طور عنوان می دارد: «بدن های لطیف آنها در الطاف و نرمی متوسط بوده و از این رو آماده جدایی و یا گردآمدن هستند، چون گرد هم آیند قوام آنها بهتر گشته و مشاهده می گردند و چون جدا گردند قوامشان نازک و جسمشان لطیف می شود و از دیده پنهان می مانند، مانند هوا که

وقتی ذراتش گرد هم می آیند غلیظ می شود و به صورت ابر درمی آید و وقتی ذرات از هم جدا می شوند لطیف شده و دیده نمی شوند.» (ملاصدرا، مفاتیح الغیب)

همین ذات وجودی جنیان به آنها این امکان را می دهد که خود را به هر شکلی و با هر حجمی درآورند، چه به اندازه سرسوزن و چه در اندازه اتاقی بزرگ. آنها به واسطه همین ویژگی، بعد زمان برایشان معنا ندارد، و مسافتی را که بشر مدتها باید آن را طی کند، در لحظه ای می پیمایند و اعمالی را که از توان انسان خارج است آنها به راحتی قادر به انجامش هستند. عمده ترین علت شک و تردید در وجود آنان هم همین پنهان بودن از چشم انسانهاست، که البته از نظر علمی هم توجیه پذیر است. چرا که در جهان هستی چیزهای زیادی وجود دارد که به چشم ما قابل رویت نیستند ولی قدرتشان از نظر جسمی از انسان به مراتب بیشتر است، مثل الکترونها، امواج الکتروسیته، نورهای ماورای بنفش، اشعه ایکس، باکتریها و ویروسها، آمیب ها، جانداران تک سلولی و از همه مهمتر ذات اقدس الهی که دیده نمی شود ولی کدام عقل سلیمی می تواند آن را انکار کند؟ بنابراین صرف این که با حواس خود قادر نیستیم آنان را درک کنیم، دلیل بر نبودن آنها نیست.

آیا جن ها برتر از انسانند؟

همه ما واژه «از ما بهتران» را به کرات شنیده ایم. این واژه در فرهنگ عامیانه ما اغلب برای جن به کار می رود ولی آیا واقعا این چنین است؟ آیا جن موجودی برتر از انسان است؟ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «و ما فرزندان آدم را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.» (سوره اسراء، آیه ۷۰)

و همچنین واجب شدن سجده شیطان و فرشتگان بر انسان نیز، خود دلیلی برای برتر بودن نوع انسان در پیشگاه خداوند است. یک انسان کامل بر همه موجودات برتری دارد و حتی بعضی از انسانها که راه برقراری ارتباط با جنیان را می دانند (مدیومها) می توانند بر آنها تسلط یابند. باز به قرآن کریم استناد می کنیم که می گوید: «از پریان بودند که به فرمان پروردگارش برایش کار می کردند و هر که از آنان از فرمان سرمی پیچید به او عذاب آتش سوزان را می چشاندیم. برای وی هر چه می خواست از بناهای بلند و تندیسها و کاسه هایی چون حوض و دیگهای محکم می ساختند.» (سوره سباء، آیه ۱۲ و ۱۳)

اگر چه قرآن کریم در مورد تسلط بر جن فقط از حضرت سلیمان یاد کرده است ولی در بسیاری از کشورها و حتی در کشور خودمان هم نمونه های زیادی دیده شده که اشخاصی با عنوان جن گیر و یا احضارکنندگان ارواح توانسته اند از آن ها بهره گیرند. در هر حال باید دانست که در پیشگاه خداوند، انسان اشرف مخلوقات است و یک انسان کامل و مومن بر همه خلائق برتری دارد.

((دود کردن اسفند))

برای در امان ماندن از حملات نامرئی شیاطین ، هر روز در محل زندگی خود ، مقداری اسفند دود کنید.

(در حین دود کردن اسفند، صلوات هم بفرستید)

پس از مطالعات و تجربیات زیادی که در زمینه علوم غیر مادی داشته ام ، به این نتیجه رسیده

ام که ریشه اکثر دعوها، جر و بحث ها ، جنایت ها، قتل ها، فسادهای جنسی ، مرگهای

ناگهانی ، بیماریهای لا علاج ، و... ناشی از حملات نامرئی جن های بد (شیاطین) به

انسانها میباشد . یکی از ساده ترین راهها برای دفع شیاطین ، دود کردن اسفند می با

شد . چون شیاطین از بوی دود اسفند ، به شدت متنفرند . راه دیگر آن است که از یک جن

گیر (دعا نویس) معتبر و با تجربه ، دعا گرفت و همیشه آن دعا را

همراه خود نگه داشت . البته راههای دیگری هم وجود دارد که کمی دشوار است.

(اللهم صل علی محمد و آل محمد)

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه

رابطه ام با آقای عبدالرحمن (پسر بزرگ ظفر جنی) سرد بود . اما احترام می گذاشتم . کمی هم ازش می ترسیدم . چون قدرت

زیادی داشت و قبلا چندین بار از اینها کتک خورده بودم .

عصایی از جنس چوب بادام تلخ داشتم که روی آن دعا نوشته بود (دعایی که روی چوب دستی حضرت موسی نوشته بود) . هر بار

که آن را دستم می گرفتم ، قدرت خاصی داشتم و احساسی به من دست می داد مثل آن که بتوانم بدون ترس درون آتش بروم .

یک روز پیرمان پرسید : این عصا چیست ؟

جریان عصا را گفتم

پیر گفت : هر گاه این احساس را داشتی بدون اینکه عصا را در دست بگیری ، بدان آن زمانی است که توکلت همه او شده و غیر او

نیست .

گفتم : دعا نوشته شده

گفت : توکل

گفتم : پس دعای حرز یا دعاها دیگر تاثیر ندارد؟

گفت : برای شما نه چون ۱۰۰ را دارید . اینها همه توکل و مدد گرفتن از غیر هو است .

پرسیدم : برای چه امامان و اولیا سفارش کردند ؟

گفت : اینها برای خاص است نه برای عام . حرفهای من برای شماست نه برای همه ی مردم . شما که راه را پیش گرفتید و قدم

زدید و شروع کردید ، با همه فرق می کنید . شما با مردم عام فرق دارید . همین که آمدی در این راه ، حسابت از بقیه جدا شد .

یک شب در هیئت شروع به خواندن دعای نادعلی کردند. کسی که می خواند گفت : قبل از به زبان آوردن اسم اعظم خدا دستها را بالا ببرید و هر چه می خواهید بگویید و از او بگیرید . بدنهای خود و خانواده تان را تا سال بعد بیمه کنید. بخواهید . دستها را بالا ببرید .

دیدم چند نفر دستها را بالا آوردند و بقیه بی تفاوتند. عصبی شدم چون این روزها خیلی کفر از همان آدمها شنیده بودم که خدا نمی دهد . هر چی می گی برعکس می شود. بلند شدم . داد زدم بی اختیار گفتم : من نمی فهمم . من درک ندارم . بابا جون داره خیلی ساده می گه دستارو بیارید بالا ، تا سال بعد بدنهای خودتون رو بیمه کنید . یک دست بلند کردن را زورم میاد ، شاید خدا اجازه نمی دهد ، بعد می روم و می گویم هر چی گفتم خدا نداد . بابا ما کاهلیم ،خدا کریمه . نشستم ، اما خدا خودش می گوید بگو تا من بدهم .اینکه خدا از قلب من و تو خبر دارد ولی باز می گوید بگو . خیلی مهم است این خود یکی از سرهای خداوند است که دوست دارد بنده با او حرف بزنند .می گوید بگو . خدا می داند که چه بر من می گذرد ، اما می گوید بگو این مهم است باری بقیه داستان)

بقیه داستان

پیر گفت : توکل نشستن نیست . اما باید همه حرکات و سکناات خود را به خدا بدهیم این می شود توکل مطلق .

گفتم : پس جایگاه دعا کجاست ؟

گفت : دعا خواستن و طلب کردن است . فقیر همیشه در طلب است و همیشه دعا می خواند . دعای کمیل را بخوان . دعای ندبه را بخوان . همیشه می طلبی و از او می خواهی . مانند کارگری که به دنبال مزد کار خود است. بیا کار بکن برای او و مزدی نخواه. گفتم : چگونه می شود ؟

گفت : هر وقت برای کسی کاری کردی و از تشکر نکردن و حتی بدی کردن او ناراحت نشدی ، این موقع رسیدن است به جلوی نردبان . تازه بعد از این کارها و ریاضت ها برای حرکت عمودی به سوی او صاف شدی .اما این کار باید با یک نفر باشد که این راه را رفته باشد که بداند شما را چگونه حرکت دهد و دستگیری کند و لغزش شما را بگوید . اما کار برای او (شخص راه بلد) بدتر است چون از شما دستگیری می کند یک جورایی جور شما را هم می کشد . یعنی اگر تو از نردبان بیفتی او هم خواهد افتاد . اما چون او بالاتر است بیشتر آسیب می بیند . شاید تو خودت ندانی اما اگر مرتکب گناهی شوی ، برای او هم می نویسند . چون او راهنمای تو شده و قبول کرده که تو را از گناه دور کند .

گفتم : همراهی با اجنه چه طور ؟

گفت : اجنه نمی توانند تمام راه را بیایند و در بعضی از پلکان نمی دانند چگونه باید گام بردارند و شما را گمراه می کنند اما شما می توانید آنها را راهنمایی کنید .

گفتم : تسخیر با اجازه خود آنها ایراد دارد ؟

گفت : تسخیر یعنی به اسارت در آوردن. آیا کسی حاضر است با میل خود به اسارت در بیاید ؟ پس هیچ وقت راضی نیستند. اما اگر می خواهی با آنها باشی ایرادی ندارد. اما هیچ کاری برایشان انجام نده و داستان کشتی حضرت نوح را گفتند که شیطان روی عرشه کشتی ظاهر شد و به نوح گفت : بگو یا الله تا پسرت را از آب و سیل نجات دهم . نوح (ع) فرمودند : چون تو می گویی و دستور می دهی من نمی گویم . این مهم است نباید انسان حرف همه کسی را گوش کند حتی این کلمات حرفهای به ظاهر زیبا باشد حتی اسم خدا را ، حضرت نوح راضی نشد بگوید .

یک نسخه داشتیم در مورد کدو حلوائی که با دعا پرورش بدهیم و آبیاری کنیم تا این کدو بزرگ شود و اگر اشتباهی نکنیم یکی از تخمهای این کدو را زیر دندانهای جلو بگذاریم از نظرها پنهان می شویم و اگر برداریم دوباره نمایان می شویم . برای پیرمان توضیح دادم

گفتند : ببین این حرام دارد و نجاسات . شاید بشود اما باید از نجاسات استفاده کنی
گفتم : امتحانش کنم ؟

فرمودند : نه . چون همین گوش دادن به شیطان است .

گفتم : روشی هست در فلان کتاب به زبان اسپانیایی که برای این کار باید کلاغ سیاهی را با تیغی که فلان دعا روی آن نوشته به یک ضربه ، سر ببریم و نگذاریم خون آن روی زمین بریزد و لاشه و خون آن را در درون ظرفی از گل که آب نخورده باشد می گذاریم و درش را می بندیم و روی آن فلان مطلب را می نویسیم روغنی به دست می آید آن را مانند سرمه به چشم می مالیم و هر کس به چشمانمان نگاه کند افسون و رام می شود

فرمودند : این نیز شاید درست باشد اما باید نفسی را بگیری و موجودی را بکشی پس خود این حرام است .

گفتم : ما برای سیر کردن شکم ، حیوان می کشیم اما برای این کار ؟

فرمودند : اگر در جایی گرسنه باشی و بیم آن برود که بمیری می توانی از باغ بخوری به مقداری که رفع نیاز باشد و از مرگ نجات یابی . اما نمی توانی بیشتر برداری این حرام می شود .

تو برای این حیوان را می کشی تا پروتئین بدنت حفظ شود تا بتوانی ذکر خدا را بگویی . کار کنی و برای خانواده نان حلال بیاوری یا آن را بخوری تا بتوانی بندگی کنی . اما اگر بخوری و حرام کنی کشتن آن حیوان نیز حرام بوده و فر دای قیامت باید جواب پس بدهی

گفتم : من دوستانی از اجنه دارم که خود شما با یکی از آنها صحبت کردید تکلیف من با اینها چیست ؟

فرمودند : تا تو را به گناه نکشاند باکی نیست اما اگر به گناه وادارت کردند و یا درخواستی داشتند که به گناه ختم می شد ، از آنها ببر و دیگر رابطه خود را با آنها قطع کن .

گفتم : آنها مومن هستند و همیشه مرا به تقوا راهنمایی می کنند

فرمودند : پس باکی نیست

گفتم : من می ترسم از آنها

فرمودند : توکل کن ، توکل . چون فقط متوکلین هستند که از هیچ چیز نمی هراسند و هیچ طلسم و وردی بر آنها کارساز نیست .

و فقط این مردم و کلام آنهاست که پیامبر را نیز آزار می دادند و او را نیز چشم زدند . پیامبر مریض شد و در بستر افتاد .

گفتم : پس هیچ کس در امان نیست ؟

فرمودند : چرا . متوکلین در امانند . اما پیامبر را چشم زدند و این نیروی شیطانی است

گفتم : خدا و پیامبر بالاتر از شیطان و نیروی او هستند

فرمودند : شیطان را نباید دست کم بگیرید . او نیز قدرتمند است و دارای نیروی بسیار قوی . اما نیروی او دردژ محکم ولایت راهی

ندارد

گفتم : چرا پیامبر مریض شد ؟

فرمودند : پیامبر ار چشم زدند و این همان انرژی منفی هست که از چشمان افراد ساطع می شود و باعث تاثیر بر امور الباقی می

شود .

گفتم : چگونه می توانیم از این نیرو در راه خدا استفاده کنیم ؟

فرمودند : اگر صلاح بداند خودش این نیرو را در درون تو زیاد می کند و اثرات آن را به تو نشان می دهد و اگر تو کل کرده باشی و

همه چیز را به او داده باشی او نیز راه را به وسیله مردان خدا به تو نشان می دهد . اگر لایق باشی همراه آنها هستی اما اگر نباشی

منیت و تکبر بر تو غلبه می کند و از آنها دور می شوی .

گفتم : چرا منیت و تکبر ؟

فرمودند : این دو از بازوان شیطان هستند تا ما را از همدیگر دور کنند . وقتی با مردان خدا دوست می شوی ، درون تو نفوذ می

کنند و به تو القا می شود تو از او بهتری . او نمی داند . تو بیشتر می دانی . فلان کس از این بهتر است . او چیزی ندارد به تو بدهد

و

گفتم : آقا جون چگونه می توانیم از این صحبت ها فرار کنیم ؟

فرمودند : باز اول توکل بعد اگر با کسی هم قدم شدی و دیدی در تو تاثیر دارد و حالت را عوض می کند با او باش . حتی اگر یک

کودک باشد . مطلب این است که تو چگونه فیض ببری . مردان خدا از کسانی که به ظاهر عام ، گناهکارو از مردمان بد بودند ،

کسب فیض می کردند .

یکی از دوستان به نام sahel در مورد فرق جن و پری پرسیدند که آقای معصومی در جواب گفتند: جن یک موجود است و پری موجود دیگه. خیلی فرق دارند

با سلام خدمت همه ی دوستای گلم. منم جن گیران پسر یک سال و ۵ ماهه مامان درنا. این روزا دل مامان درنا خیلی گرفته. خیلی غصه می خوره و ناراحته. چون امروز سالگرد پرواز پدرش به آسمونهاست. منم دلم می خواست به مامان درنا بگم که مامان جون منم به فکرتم. درسته خیلی کوچولوام و هنوز نوشتن بلد نیستم اما خواستم این بار پیام بنویسم (متن این دفعه رو من نوشتم) و بگم مهربونا، گلهای دوست داشتنی برای مامان درنای من خیلی دعا کنید. به یاد همتون هست دلش برای همتون تنگ میشه و فراموشتون نمی کنه. به من می گفت تو رو خدا بهم هدیه داد که با این همه دوست گل آشنا بشم و غم نبودن پدرم کمرنگ تر بشه می گفت از ناپدری بدم می اومد ولی دلم می خواست باز پدر داشته باشم و خدای مهربون بهم لطف کرد تو این مدت خیلی ها بهم لطف داشتند و کمکم کردند اما محبت پدرم رو تو ۳ نفر خلاصه کرد ۱ صاحبخونه سابقمون ۲ سید فرهاد از غربت که مثل پدرم تو جبهه ها بوده ۳ آقای معصومی / دیگه احساس نمی کنم نیست. چون این عزیزان جاشو برام پر کردند / مامان درنای من میگه خیلی سخت بد که بغض هاتو بی صدا بیاری اونم جوری که کسی از دیدن صورتت نفهمه گریه کردی / مامان درنا جون دیگه غصه نخور من همیشه پیشتم تازه اگر نباشم این همه دوستای خوب داری و از همه مهم تر اون مهربونی که هیچ وقت تنهات نمیداره / ببخشید زیاد حرف زدم

یادآوری داستان: آقای معصومی طی صحبت هایی که با آقاجون پیر خانقاه داشتند مطالبی رو به ما گفتند در مورد توکل مطلق / حرکت به سمت خدا و

اینم داستان البته ببخشید کوتاهه چون من کوچولوام و مفهوم بعضی جمله ها رو نمی فهمیدم گذاشتم تا مامان درنا خودش بقیه اشو ویرایش کنه

حدود سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ به یک آرامش درونی و حالت سکون رسیده بودم. همه کارهایم و حتی رفتارم در منزل هم یکنواخت شده بود. از این وضعیت ناراضی بودم و حرکت می خواستم. به همین خاطر به کرمانشاه و از آنجا به صحنه رفتم. یک هفته در بابایادگار ماندم، اما کسانی که آنجا بودند از فرقه ی اهل حق بودند. از رفتارشان معلوم بود که، از نماز خواندن و دعا و نیایش من خوششان نمی آمد. فکر می کردند من از افراد حفاظت اطلاعاتی هستم و می خواهم برایشان دردسر درست کنم. برای همین به شاهرود و بارگاه بایزید بسطامی رفتم و معتکف شدم و شروع به ریاضت کردم. محیط بسیار خوبی بود. رفتار مردم و خادمانم خیلی خوب بود. انگار می دانستند من برای چی آنجا هستم. هیچ وقت روزه ام را تنهایی افطار نمی کردم و همیشه کسانی بودند که با من روزه را افطار می کردند. آنها احساس می کردند گرفتن لقمه از دست من سبب وجود نور الهی در آنها می شود. و اصرار داشتند چیزی از من بگیرند. حتی خانم ها لقمه های نان و سبزی درست می کردند و ازم می خواستند تا دعایی

بخوانم و دمی به آنها بزنم و بعد از این کار آنها را بین مردم پخش می کردند . مردم می دانستند برای چی آمده ام و کاری با من نداشتند و بیشتر توی حال خودم بودم .

(البته باید بگویم من برای اعتکاف به امامزاده های زیادی رفتم . کسانی که از راه قران خواندن و مداحی روزی در می آوردند ، فکر می کردند من کارشان را کساد می کنم و مرا بیرون می کردند . حتی در یکی از امامزاده های نزدیک شهر ساری با کتک بیرونم کردند .)

نزدیک ۲ ماه آنجا بودم اما دائما نبود به تهران می آمدم و برمی گشتم . اما این آمدن و رفتن ها حالم را عوض نمی کرد و همیشه در یک حالت بودم و این به مدد مولا بود

خب بقیه اش باشه واسه وقتی که مامان درنا حالش بهتر بشه و بیاد خودش متن رو ویرایش کنه / راستی sahel جون لطف کن یه ایمیل از خودت بده تا آقای معصومی جواب سوالات رو برات میل بزنن / فدای همتون بشم / آقای معصومی و مامان درنا رو از دعای خیرتون محروم نکنین / یا علی

آقای معصومی برای ریاضت به شاهرود رفته بودند و در آنجا با برخورد خوب خادمان و مردم روبرو شدند و در این مدت به تهران هم می آمدند و به خدمت پیر هم می رسیدند ولی حالشان تغییر نمی کرد و روز به روز بهتر می شد
اینم ادامه داستان :

احساس می کردم نیرویی در من متجلی می شود . وقتی در شاهرود بودم ، یکی دو نفر آمدند و مشکلاتی را مطرح کردند . نمی دانستم چه جوابی بدهم .

از پیر پرسیدم : تکلیف چیست ؟

فرمودند : از خدا مدد بگیر

در مورد مشکل یکی از آنها توضیح دادم .

مقداری فکر کردند و فرمودند : اگر بار دیگر آمد با تندی ردش کن . اما اگر بعد از آن آمد ، کارش را حل کن . همین کار را کردم و شخص رفت و دیگر نیامد .

در مورد مشکل شخص دوم گفتند : بگو فلان روز و فلان ساعت بیا (هنگام نماز صبح)

آن شخص دقیقا زمانی که اذان صبح را می گفتند ، آمد .

بوسیله یکی از اجنه که آقای عبدالرحمن معرفی کرده بودند ، کارش حل شد .

اشخاصی از درویش فرقه های دیگر و از طلبه های شاهرود که عرفان می خواندند و در سیر و سلوک بودند ، می آمدند . یک طلبه ی نوجوان بود که سوالات بسیار عمیقی می پرسید که از هم سن های او بعید بود که حتی به این مسایل فکر کنند چه برسد به طرح سوال .

یک شب درباره ی این مطالب بحثی را شروع کردم . ساعت ۳ صبح بود که حضور آقای عبدالرحمن را حس کردم . دست آن طلبه را گرفتم و گفتم چه کار بکند تا او را ببیند . طلبه از آقای عبدالرحمن سوال را پرسید و جواب گرفت . جالب این بود همان پاسخ را من از سر شب می دادم ولی نمی توانستم جا بیندازم ، آقای عبدالرحمن به گونه ای دیگر بیان کرد و او دقیقاً متوجه شد . برایم عجیب بود که چه قدر نفس و دم باید تاثیر داشته باشد . همان حرف از حلقوم دیگری بیرون آمد و به دل او نفوذ کرد.بعد از نماز صبح با من به تهران آمد و به خدمت پیر رسید . در مدت کوتاهی پیشرفت قابل توجهی کرد .

اما احساس می کردم نیرویی در نوک انگشتانم هست که آنها را حساس کرده و احساس جالبی بهم می داد . از این استفاده کردم . انگشتانم را به طرف هر کس می گرفتم درون او را لمس می کردم . با درک سرما و گرما می فهمیدم از چه روحیه ای برخوردار است .

با لمس دانه های ریز تسبیح و مقداری بازی کردن با انگشتانم و دقت به آنها شروع به حساس کردن نوک انگشتانم کردم و این سبب شد آنقدر حساس شود که با برداشتن یک لیوان چای معمولی انگشتانم بسوزد . در همین حال این نیرو را که از ساعد شروع می شد به نوک انگشتانم راهنمایی می کردم . طوری شد که با گذاشتن نوک انگشتانم میان دو ابروی افراد ، می توانستم افکارم را به او تلقین کنم . این کار را ادامه دادم تا مقداری که فاصله نوک انگشتانم با بدن شخص حدود ۲۰ سانتی متر فاصله داشت ، اما تاثیر می گذاشت . بعد سعی کردم افکار او را بخوانم . باز به همان منوال و سعی کردم این کار را ادامه بدهم . این بار باید نیرو را به صورت کششی اعمال می کردم و بسیار مشکل شده بود .

مقداری بادام تلخ صبح ناشتا خوردم . هر روز یکی تا ۴۰ روز . اما این کار هم تاثیری نداشت . زیاد می کرد اما حرکت نمی داد . مدیون هایی (کسانی که کار روی آنها انجام داده می شود مثلاً می خوابانید یا سعی می کنید فکرش را بخوانید و) که انتخاب می کردم تکراری شد . برای همین سعی کردم از کسانی که مقاومت بیشتری داشتند ، استفاده کنم و افراد را در ابتدا به لج بازی می انداختم و می گفتم من می توانم و تو هیچ اختیاری نداری و آنها مقاومت می کردند .

در مورد بعضیهایم می توانستم به آنها نفوذ کنم و در مورد برخی دیگر نمی توانستم

همین امر مرا به سعی و ریاضت بیشتر واداشت . در تاکسی یا خیابان افراد را امتحان می کردم . حتی زمانی رسید که حس می کردم این نیرو بین من و فرد دیگری در حرکت است و با آمدن و رفتن، این نیرو مقداری از امواج بدن طرف مقابل را می آورد . با

رسیدن این امواج به بدنم مستقیم به طرف بالا می رفتند و با بستن چشمانم آنها را احساس می کردم . مانند این بود که خودم این راه را نشان می دهم و وقتی تجزیه می شدند اجازه ی عبور به مغز را می دادم . وگرنه همانجا نگه می داشتم تا تحلیل کنم .

حقایقی در مورد ماهیت جن

((و اذ قلنا للملائکه اسجدوا لادم فسجدوا الا ابلیس کان من جن ففسق ان امر ربه افتخذونه و ذریته اولیاء من دونی و هم لکم عدو بئس للظلمین بدلا *))

و هنگامی که گفتیم به فرشتگان سجده کنید برای آدم ، سجده کردند جز ابلیس {که} از جن بود ، پس سرپیچید از فرمان پروردگار خویش ، آیا او نژادش را {بجای من} به دوستی خود برگزینید ، در حالی که آنان برای شما خطرناکند . چه زشت است ستمگران را بدلی)) << سوره کهف آیه ۵۰ >>

این مطلب صرفا جنبه توجیهی در مورد ماهیت اجنه و شیوه زندگی آنان بنا به روایات ائمه دارد و این حقیر قصد جسارت به فرد و افرادی که ادعای دیدار از بناهای باشکوه اجنه و یا دنیای دیگر را دارند و حضور اجنه به صورت مادی را مدعی میشوند ندارم .

۱-جن چیست ؟

۲-ماهیت جن و نحوه زندگی اجنه ؟

۳-محل زندگی جن چگونه باید باشد؟

۴-آیا اجنه قدرت تفکر ، خلاقیت ، نو آوری دارند ؟

۵-نتیجه گیری.

جن چیست ؟

تعاریف گوناگونی از جن که تا بحال شنیده اید را فراموش کنید . (حد اقل تا پایان مطالعه این مطلب) .

جن موجودی است نامرئی ، بدون زیست بوم ، با قدرت تفکر ، خوب و بد . اصولا تمام جاندارانی که قدرت تفکر دارند به ۲ دسته خوب و بد قابل تقسیم هستند که این موضوع در مورد جن نیز صادق است .

چرا جن نامرئی است ؟ اگر اجنه نامرئی هستند چگونه میتوان آنها را دید ؟

سعی کنید موجودات را آنگونه که هستند بپندارید نه آنگونه که دوست دارید ، چرا که ممکن است ذهن شما قدرت درک حقایق در برهه ای از زمان را نداشته باشد . طبیعت آفرینش جن به صورتی است که میتواند خود را پراکنده سازد ، در لحظه ای مسافت بیش از چندین کیلومتر را طی کند و در یک غالب کوچک جای بگیرد .

مثال: هوا را در نظر بگیرید ، هوا وجود دارد ، اما قابل دیدن نیست حال آنکه همه ما میتوانیم هوا را درک کنیم ، اگر بخواهیم هوا را ببینیم کافی است در یک روز ابری به آسمان نگاه کنیم ، هوا را به صورت ابر مشاهده میکنیم ، مه ، گرد و غبار و ... همه باعث میشوند که مابتوانیم هوا را به صورت نا چیز ببینیم . جن هم برای مشاهده شدن نیاز به در آمیخته شدن با اجسام خارجی دارد!!! . هر وقت فردی ادعا کرد که موجودی به رنگ خاکستری و شبیه به دود را مشاهده کرده ، بدانید که واقعا جن دیده است .

یک داستان از قرآن :

زمانی که سلیمان از لشکریان خود خواست تا تخت ملکه ی صبا را برایش بیاورند ، یک نفر از سپاه اجنه تخت را در چشم بر هم زدنی حاضر کرد . از این داستان به خوبی میتوان فهمید که جن فاقد جسم است ، چراکه اگر موجودی جسم داشته باشد هرگز قادر نخواهد بود تا با چنین سرعتی حرکت کند !!!

دلیل اینکه اجنه میتوانند با سرعت بسیار زیادی حرکت کنند این است که به سرعت در هوا پخش شده و در جای دیگری دوباره متمرکز میشوند نحوه زندگی اجنه ؟

جن ها به صورت کاملا ابتدایی زندگی میکنند ، بدون حتی کوچکترین وسیله جنگی ، دفاعی ، خوراکی و ... موجودی که ذات نامرئی دارد ، نیازی به وسیله جنگ ندارد ، از طرفی ترکیب ظاهری آنان به گونه ای است که در یک لحظه می توانند در همه جا باشند ، به این لحاظ نیازی به مسکن و سر پناه احساس نمی کنند .

خوراک ، پوشاک و وسایل آنها چگونه تامین میشود ؟

شاید این سوال را صدها بار از خود پرسیده باشید ، جواب آن بسیار ساده است . اجنه مواد و خوراک خود را از ما انسانها تا مین می کنند !!

یک حدیث از حضرت علی (ع) :

در غذای شما سهمی برای اجنه است ، استخوان های غذا را کاملا تمیز نکنید چرا که در آن سهمی برای اجنه وجود دارد . اگر چنین کنید آنان غذای بهتری از شما می برند . ، کتاب گنج های معنوی . تالیف : رضا جاهد ،

مکان زندگی اجنه :

هرگز تصور نکنید اجنه در جایی بهتر از ما زندگی می کنند ، بسیار احمقانه است اگر تصور کنیم آنها در زیر آب یا در آسمان قصر و برج دارند!!!! هرگز چنین نیست ، اجنه معمولا در جایی زندگی می کنند که به غذا دسترسی آسان داشته باشند ، دره های متروک ، غارهای نزدیک به جنگل های میوه دار ، باغ های متروک و مکان هایی شبیه به این . اجنه معمولا از انسان فرار می کنند ، هر جایی که انسان شروع به ساختمان سازی کند اجنه تا حد زیادی از آن محل دور میشوند .

دلیل فرار اجنه از انسان اینست که ذات الهی انسان برای جن مانند یک اسطوره و قدیسه است ، انسان اشرف مخلوقات است و جن که موجودی متفکر است این مطلب را به خوبی درک میکند.

یک نمونه از محل زندگی اجنه :

در استان چهار محال و بختیاری نزدیک به شهرکرد ، درهای مملو از درختان سیب وجود دارد که به دره جنی معروف است ، مردم روزانه از میوه های این درختان استفاده میکنند اما شب هنگام هیچکس حق قدم گذاشتن به این دره را ندارد . طبق داستانهای قدیمی که در بین مردم منطقه سینه به سینه گشته است این دره شب هنگام تحت اختیار اجنه برای تامین غذا قرار میگیرد و این پیمانی است که از چند صد سال پیش بین اجنه و انسانها بسته شده و تا به امروز پا برجا مانده است.

جن ها معمولا برای مراسمات خود از لباس های انسان ها استفاده میکنند ، از آنجایی که جن موجودی است متفکر ، نیاز ذاتی او به زیبایی و تنوع انکار ناپذیر است اما از آنجایی که این موجود غالب و ترکیب خاصی ندارد ، لذا تنوع را هرچند برای مدتی کوتاه می پسندد.

یک حدیث :

هنگامی که لباس خود را از تن بیرون میکنید ، بسم الله بگویید تا اجنه در شب هنگام آنرا نپوشند . ،، کتاب گنج های معنوی .
تالیف : رضا جاهد ،،

آیا اجنه قدرت تفکر ، خلاقیت ، نو آوری دارند ؟

جن موجودی است متفکر اما بدون قدرت خلاقیت ، البته ممکن است عدم تشکیل حکومت و سپاه توسط اجنه به قدرت خلاقیت آنها بستگی نداشته باشد بلکه دلیل اینکه اجنه اختراع نمی کنند ، تحقیق نمی کنند و... این باشد که نیازی به دفاع از خود ندارند ، گرما ، سرما ، آتش و یخبندان بر روی آنان تاثیری ندارد .

نتیجه گیری :

در پایان میتوانیم به یک نتیجه گیری کلی برسیم . اجنه موجوداتی ماوراء تصور ما هستند ، اما هرگز تصور نکنید آنان از ما برترند ، انسان اشرف مخلوقات است ، طی چندین هزار سال توانسته علم خود را افزایش دهد ، آسمان ها و زمین را جستجو کند ، از خودش و موجودات دیگر شبیه سازی نماید ، اتم مواد را شکاف دهد و...

اما دیگر موجودات در طی این هزاران سال حتی ذره ای جهش هوشی از خود بروز نداده اند . انسان موجودی است با روح و تفکر آزاد ، میتواند قسم های خود را نادیده بگیرد ، دربند اخلاق نباشد و... اما اجنه در بند نام هایی هستند که برایشان حالت تقدس دارد و اگر شخصی این او را بداند به راحتی اقدام به تسخیر آنها میکند و این درحالی است که یک انسان در هیچ شرایطی تسخیر نمی شود .

هرگز تصور نکنید اجنه در دنیای دیگر زیست میکنند ، اجنه در مکان های پرت و به دور از انسان ها تجمع می کنند ، آنها در زیر آب یا زیر زمین و یا در بلندای آسمان کاخ و برج و بارو ندارند ، هرگز زندگی رویایی اجنه را باور نکنید.

اجنه و سایر ملت ها :

در اروپا موجوداتی افسانه ای به نام وروجک وجود دارند ، وروجک ها میتوانند غیب شوند ، تغییر شکل دهند و ... اما مشخصه بارز آنها دزد بودنشان است . وروجک ها مایحتاج خود را میدزدند و مکان خاصی برای زندگی ندارند.

در میان سرخپوستان رایج بوده که هر هفته هدایایی را به نشان احترام برای ارواح پدران خود پیش کش میکردند ، اما هر انسان عاقلی میتئاند بفهمد که روح به تغذیه نیاز ندارد و نیز نمیتواند البسه و غذاهای اهدایی را مورد استفاده قرار دهد . اما ارواح (اجنه) به سرخپوستان اوراد و اذکار مقدسی را آموخته بودند که در هنگام بیماری و جنگ تاثیر عجیبی داشت.

افریقایی ها اجنه را با نام روح شیطان خطاب میکردند .

آسیای شمالی و امریکای مرکزی اجنه را با نام شبیح و کوتوله مورد خطاب قرار می دادند .

اما نکته جالب اینست که در تمام نقاط جهان اجنه را به عنوان بازیچه و وسیله سرگرمی مورد خطاب قرار داده اند ، در حالی که در کشورهای عربی و ایران از اجنه به عنوان یک موجود هراسناک و لعین یاد میشود .

اگر قصد دارید با اجنه بیشتر آشنا شوید و به دنبال یک مرجع غنی هستید ، این حقیر مجموعه تالیفات محقق اریک فون دانیکن را معرفی میکنم .

دو اثر از اریک فون دانیکن ((ارابه خدایان)) و ((طلای خدایان)) ، این دو کتاب مصور با دلایل و مدارک مستند سعی در اثبات وجود موجودات فضایی دارند .

((گذشته ما چیزی غیر معمول و ناشناخته است ، این گذشته به هزاران میلیون سال ابهام میرسد.))

۱-پیدایش جن ها

۲-باورها در پیرامون اجنه

۳-خصوصیات جن از دیدگاه قران

اعتقاد به جن، اعتقادی است که از اسطوره‌های بابلی به معتقدات اعراب عصر جاهلیت و از آنجا به معتقدات مردم راه یافته‌است. در اسطوره‌های بابلی اوتوکوها(اجنه) موجوداتی ناپیدا بودند که از آتش آفریده شده بودند و به دو گروه خوب و بد تقسیم می‌شدند که هردوی آنها ارتباط تنگاتنگی با آدمیان داشتند. اجنه خوب اختصاصا "شدو" نامیده می‌شدند حامی و نگهبان مردمان در برابر

خطرات روزمره زندگی و در عین حال خطرات ناشناخته دیگری بودند که آدمیان بر آنها آگاه نبودند ولی جنیان از این خطرات خبر داشتند. این اجنه در سفر و در حضر و حتی در کوچه و بازار آدمیان را بی آنکه دیده شوند، همراهی می کردند و در هنگام جنگ آنها را از تیر دشمن محفوظ میداشتند.

در مقابل، اجنه بد که "ادیمو" خوانده می شدند پیوسته در پی آزار آدمیان بودند و برای آنها انواع بیماریهای گوناگون همراه می آوردند یا آنها را جنایت تشویق میکردند و گلههایشان را از میان میبردند و خانوادهها را به جدائی می کشاندند. این گروه از اجنه شرور بر خلاف سایر جنیان ازدواج نمیکردند و فرزندانی به بار نمی آوردند. انواع هفتگانه ای از آنها که در کوهستان مغرب زاده شده بودند عادتاً در ویرانه ها یا در زیر زمین میزیستند و آدمیان می توانستند آنها را از پاهای سم دارشان بشناسند و برای دفع شرشان از کاهنان و جادوگران کمک گیرند. در عوض جن های خوب نه تنها میان خودشان ازدواج می کردند، بلکه می توانستند با آدمیان نیز در آمیزند.

باورها پیرامون اجنه

جن یکی از مخلوقات خداوند است که در بعد فضائی موازی با بعد ما انسانها زندگی می کند. این مخلوقات به مانند انسان زاد ولد می کنند از خصوصیات بارز آنها به این موارد می توان اشاره کرد:

بنا بر باورها و خرافاتی که در قدیم وجود داشته درباره آل و جن و دیگر موجودات پندارین اینگونه آمده است:

قابلیت تغییر چهره و قیافه دارند و از این کار لذت می برند.....

از اجسام مرده مثل آهن نمی توانند رد بشوند برای همین در مکانهای قدیمی دیده می شوند و حتی گفته می شود که "غول چراغ جادو" افسانه نمی باشد و آنها همین جنیان بوده اند که با استفاده از همین حربه آنها را گرفتار کرده اند. از کلمه الله و یا هو وحشت دارند.....

ارتباط با آنها برای انسان می تواند عواقب خطرناکی را بدنبال بیاورد چون به استناد قران این مخلوقات قابلیت دیدن بعضی مسائل را دارند و فردی که با آنها رابطه دارد به همین دلیل از خداوند دور می شود جدا از انتظارهائی که از فرد دارند. این مخلوقات آینده را تا حدودی می بینند و بعضی مواقع که متوجه خطری برای فرد می شوند با دست گذاشتن بر گوی فرد او را به سرفه و یا عطسه می اندازند که در باور ایرانیها همان "صبر" آمده است تعبیر می شود. علاقه بسیار زیادی به درخت نارنج و پرتغال و نارنگی دارند. بعد زمانی که آنها در آن زندگی می کنند نسبت به بعد زمین تندتر است بنابراین سن آنها بسیار زیاد است.....

آنها اجازه ارتباط با انسان را ندارند ولی به علت اختیار ذاتی که خداوند به آنها داده است می توانند جلوی انسانها ظاهر شوند ولی از کلمات الله و هو ترس و وحشت دارند.....

در باور برخی افراد، جن‌ها تنها در شب، تاریکی، تنهایی و در محل‌هایی مانند گرمابه، آب انبار، پستو و ویرانه و بیابان وجود دارند. در باور عامه، جن به شکل انسان است با این تفاوت که پاهایش مانند بز سم دارد.

مژه‌های دراز او نیز با مژه انسان متفاوت است و رنگ موی او بور است.

همزمان با زاده شدن هر نوزاد انسان، بین اجنه نیز نوزادی به دنیا می‌آید که شبیه نوزاد انسان است اما سیاه و لاغر و زشت. این موجود را همزاد آن طفل می‌خوانند. اگر کسی شب هنگام آب جوش روی زمین ریخته و بسم الله نگفته باشد ممکن است یکی از فرزندان اجنه را اذیت کرده باشد. مادر و پدر آن جن برای انتقام، نوزاد آن شخص را می‌ربایند و همزاد او را بجایش می‌گذارند. به باور برخی، به زبان آوردن نام جن شگون ندارد و ممکن است آن‌ها را حاضر کند.

بنابراین برای دلخوشی جن‌ها هم شده به آن‌ها "از ما بهتران" گفته می‌شود. روزهای یکشنبه، سه شنبه و چهارشنبه از مابهتران به لباس و صورت آدمیزاد درمی‌آیند. در این روزها نباید به دیدن مریض رفت، زیرا چه بسا که از ما بهتران به شکل یکی از دوستان یا بستگان به دیدن بیمار برود و به او آسیب برساند. از مابهتران مانند آدمیان جشن و سرور و شادمانی و گاهی هم عزاداری به راه می‌اندازند.

این مراسم بیشتر در گرمابه‌های عمومی و شب هنگام برگزار می‌شود.

کسی که شب تنها به حمام برود و دائم بسم الله نگوید جن به سراغ او می‌آید. اگر کسی در تاریکی تنها به حمام برود و بی احتیاطی کند و در آنجا بخوابد، ناگاه متوجه می‌شود که دورادور او را جنیان گرفته اند، یا یکی دو جن در گوشه و کنار حمام مشغول شستشو هستند. جنیان ابتدا با محبت نزدیک می‌شوند، اما اگر انسان با نگاه کردن با پاهایشان که سم دارد ایشان را بشناسد، آن وقت به آزار او مشغول می‌شوند.....

از مابهتران اهل رقص، موسیقی و شادی اند. اگر کسی را بین خود ببینند او را وامی دارند تا آن قدر برقصد که دیوانه شود. با دمیدن صبح صادق، جنیان ناپدید می‌شوند. اما هنگام روز نیز اگر کسی در حمام آب بخورد و کف دست چپ خود را روی سر نگذارد، جن به بدن او وارد می‌شود و دیوانه و غشی خواهد شد.

از ما بهتران اگر از کسی نیکی ببینند، صدچندان به او نیکی می‌رسانند.

مثلا اگر پزشکی شب هنگام کودکی را از مرگ برهاند یا زخمی و بیماری را نجات دهد و این کار در بیابان یا تاریکی و

تنهایی صورت بگیرد، ممکن است جنیان را مداوا کرده باشد.

آن گاه از ما بهتران به او مال و خوشبختی بسیار می‌رسانند.

برخی مردم با انجام مراسم چله نشینی، از مابهران را احضار می کنند و آن ها را و می دارند تا کارهای مورد نظرشان را انجام دهند. برای چله نشستن از محلی خاص در مسجدهای کهنه و قدیمی استفاده می شود به نام چله خانه که غرفه ای کوچک و تودرتو و تاریک است. شخص در چله خانه می رود. دورادور خود را خط می کشد و میان دایره می نشیند.

روز اول چهل بادم غذای اوست. اما به تدریج هر روز یکی کم می کند و تا آخرین روز فقط یک بادم می خورد. در این روزها همه کار او دعا خواندن است.

روز چهارم ارواح و شیاطین و جن ها به او ظاهر می شوند و هرچه را بخواهد انجام می دهند. برای این کار ترتیب دیگری هم هست و آن این که یک شب تا صبح آیه ای از قران را پی در پی می خوانند تا از ما بهتران حاضر شوند.....

مقابله با جن

بنا بر باورها و خرافاتی که در قدیم وجود داشته درباره آل و جن و دیگر موجودات پندارین اینگونه آمده است: از خطرناک ترین جن ها آل است که موجودی نامریی به شکل زن لاغر و بلند قد با پستان های آویخته توصیف شده. در صورت سرخ رنگ

آل بینی از جنس گل قرار دارد. آل روبروی زن زائو و نوزاد حاضر می شود و اگر فرصت یافت و زائو تنها ماند جگر او را

می رباید. سپس به سرعت به طرف آب می رود و جگر زائو را به آب می زند. زائو بلافاصله می میرد. برای جلوگیری از دستبرد آل

باید دور بستر زائو را با کارد یا قیچی که ناف نوزاد را با آن زده اند خط کشید. سه یا پنج پیاز را به سیخ کشید و قیچی یا کارد یا

شمشیر و تفنگ و دیگر چیزهای فلزی و نوک تیز در کنار اطاق گذاشت. آل و از ما بهتران از چیزهای فلزی نوک تیز می ترسند.

فرو کردن سوزن به پارچه ای و گذاشتن بالای سر زائو برای رفع آل خوب است. از اعتقادهای قدیمی ایرانیان یکی این است که

آهن دیو و غول و اهریمن را دفع می کند و ضد جادو است. تا شش روز باید بالای سر زائو و نوزاد شمع بسوزد. زائو نباید تنها بماند و

کسی جز نزدیکانی که هنگام زادن در اطاق بوده اند نباید به دیدن او بیاید شاید آل باشد که به صورت انسان در آمده.

شب ششم باید در اطاق زائو تا صبح همه بیدار بمانند و چراغ ها روشن باشد و در این شب باید دعاها و اشعار مذهبی و سرودها و

آوازا خوانده و پیوسته به دف و دایره کوبیده شود تا آل بگریزد. روز ششم زائو نوزاد را به حمام می برند و پس از شستشو، ماما نوزاد

را بالای سر مادر می گیرد و با حام چهل کلید روی او آب می ریزد تا بر سر مادر نیز ریخته شود. از آن هنگام دیگر آل توانایی ربودن

جگر مادر و عوض کردن نوزاد را ندارد پسربچه ای که ختنه شده نیز مانند زائو در معرض خطر آل است. به همین ترتیب باید

مواظب او بود تا به حمام برود و با جام چهل کلید آب روی سرش ریخته شود تا آل بگریزد.

جن در اسلام

ادبیات اسلامی و احادیث و معتقدات عامه مسلمانان با استناد به آیات قرانی پیوسته نقش مهمی برای جنیان در زندگی روزمره

مسلمانان قائل شده اند. مولفین اسلامی به کرات از ازدواج اجنه با زنان مسلمان روایت کرده و کسانی از افراد سرشناس را

زاده مشترک اجنه و آدمیان دانسته اند.

محمد باقر مجلسی از امام جعفر صادق روایت می کند که قوم کرد جنیانی هستند که خداوند آنان را به صورت آدمیان در آورده است (حلیه المتقین فصل چهاردهم).....

ویژگیهای جن از دید قرآن

در قرآن اهمیت ویژه‌ای به "اجنه: داده شده، به طوریکه ۴۸ آیه به آنان اختصاص یافته است، ولی در دو کتاب توحیدی دیگر، تورات و انجیل سخنی از جن به میان نیامده است. حتی در قرآن سوره‌ای به نام سوره جن وجود دارد. به روایت قرآن، در دوران پیش از نزول این کتاب گروهی از اجنه کوشیده بودند خود را به آسمان برسانند تا در آنجا استراق سمع کنند و از اسرار عالم بالا آگاه شوند ولی این جنیان پس از نزول قرآن دریافتند که آسمان شدیداً تحت مراقبت است و اجنه‌ای که قصد رخنه بدان را داشته باشند هدف تیر شهاب ملائک پاسدار قرار میگیرند (جن، ۸ و ۹۹). همچنین به حکایت قرآن، بخشی از سپاهیان سلیمان از اجنه بودند و فرماندهانی از گروه خودشان داشتند (نمل، ۱۷).

باور قرآن درباره جن اینگونه است:

نخست: این نوع از آفریدگان پیش از نوع بشر خلق شده‌اند.

دوم: این نوع آفریدگان از جنس آتش خلق شده‌اند، همچنان

که نوع بشر از جنس خاک خلق شده‌اند، و در این باب گفته:

"جن را ما قبلاً از آتشی سموم آفریده بودیم" (۱).

سوم: این نوع از مخلوقات مانند انسان زندگی و مرگ و رستاخیز دارند، و در این باب گفته:

"اینان کسانی که همان عذابهایی که امت‌های گذشته جنی و انسی را منقرض کرده بود، برایشان حتمی شده" (۲).

و چهارم: این نوع از جانداران مانند سایر جانداران نر و ماده و ازدواج و توالد و تکاثر دارند، و در این باره گفته:

"و اینکه مردانی از انس بودند که به مردانی از جن پناه می‌بردند" (۳).

پنجم: این نوع مانند نوع بشر دارای شعور و اراده است،

و علاوه بر این، کارهایی سریع و اعمالی شاقه را می‌توانند انجام دهند، که از نوع بشر ساخته نیست،

همچنان که در آیات مربوطه به قصص سلیمان و اینکه جن مسخر آن جناب بودند، و نیز در قصه شهر سبا آمده است.

ششم: جن هم مانند انس مؤمن و کافر دارند، برخی صالح و بعضی دیگر فاسدند، و در این باره گفته "من جن و انس را خلق نکردم

مگر برای اینکه مرا عبادت کنند" (۴).

آیات بیشتر در مورد جن و یا اشاره به جنیان:

گروهی از اجنه آیات قرآن را شنیدند و با تعجب گفتند که این کتاب مارا به راه هدایت میبرد و لاجرم دیگر به خدای واجد شرک نخواهیم ورزید (جن، ۱ و ۲)

اما بعضی دیگر از آنها کافر ماندند و هیزم کش جهنم شدند (جن، ۱۴ و ۱۵) اینها اسلام آوردند و البته اگر در راه راست پایدار بمانند خداوند به آنها آب گوارا نصیب خواهد کرد (جن، ۱۶) و به آنان میگوئیم شما نیز جزو آن گروهی از اجنه و آدمیان شوید که پیش از شما به آتش دوزخ داخل شدند (اعراف، ۳۸)

چون حضرت محمد برای دعوت به خدا قیام کرد طایفه جنیان بر او ازدحام آوردند (جن، ۱۹) در روز محشر به اجنه خطاب شود که ای گروه جنیان، شما از حیث تعداد بر آدمیان فزونی گرفتید، ولی آیا ما برای شما رسولانی از جنس خودتان نفرستادیم که آیات مارا بر شما بخوانند و شمارا از چنین روزی بترسانند؟ (انعام، ۱۳۰)

متافیزیک و شناخت جن

متافیزیک از پیشوند متا (meta) به معنی وراء، فرا، ماوراء، بعد و پشت و کلمه فیزیک (physics) به معنی طبیعت تشکیل شده است. منظور از “طبیعت” دنیایی است که در حال حاضر در آن زندگی کرده، آنرا احساس و ادراک می‌نماییم. پس متافیزیک به معنی ماوراءالطبیعه، مابعدالطبیعه و یا فوق طبیعت است و شامل بخش‌هایی از جهان بی‌کران هستی و موجوداتی می‌شود که از حوزه ادراک حواس پنج‌گانه ظاهری ما خارج است. قرار گرفتن در مسیر متافیزیک، نقطه آغاز و نقطه عطفی در زندگی همه است که منتهی به شناخت و معرفت خداوند عزوجل خواهد شد، (انشاءالله) معرفت شامل ابعاد مختلف آن خواهد بود که نهایت آن معرفت‌الله است. (معرفت خود، معرفت سایر موجودات، معرفت دنیا، معرفت آخرت، معرفت رسول خدا، معرفت ائمه و...) متافیزیک مسیر یک طرفه‌ای است که از یک نقطه شروع شده، تا بینهایت ادامه دارد و غیر قابل برگشت است، چون دقیقاً متناسب و منطبق با فطرت و درون ما است، هر فردی پس از آشنایی با متافیزیک و قرار گرفتن در مسیر آن، آنقدر لذت معنوی خواهدبرد که خود حاضر به برگشت

نمی‌باشد. اهم مباحثی که در متافیزیک مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند شامل مبانی متافیزیک، عوالم متافیزیک، دانش متافیزیک و موجودات متافیزیک می‌باشد. مبانی متافیزیک به معنی شناخت فیزیک و متافیزیک، شناخت زمان، مکان، ماده و انرژی و تبیین وضعیت و نقش آنها در فیزیک و متافیزیک است. عوالم متافیزیک، بخش‌هایی از جهان هستی است که از حوزه ادراک ظاهری ما خارج می‌باشد، برای مثال عالم ذر و عالم برزخ. در دانش متافیزیک با یک دیدگاه کل‌نگر به جستجوی پاسخ سؤالات اساسی همچون فلسفه خلقت انسان و جهان، وضعیت انسان در قبل و بعد از این جهان و... می‌پردازیم (از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود — به کجا می‌روم آخر، نمایی وطنم). در بخش موجودات متافیزیک می‌توان به فرشتگان، ارواح، جن و ابعاد ماورائی انسان و شاید

بسیاری از موجودات غیر فیزیکی دیگر که ما از آن آگاهی نداریم اشاره نمود. (الله اعلم) یکی از موجودات مهم متافیزیک جن می باشد، متأسفانه دیده می شود که افراد سودجو تحت عناوین مختلف ارتباط با جن، تسخر جن و فروش موکل جنی ادعای حل مشکلات را دارند. این در حالی است که بیشتر این افراد قصد سوء استفاده های مالی و مادی از افراد ناآگاه را دارند. لذا برآنیم که با در اختیار قرار دادن اطلاعات دینی و علمی، گرد و غبار اوهام و خرافات را از ذهن علاقمندان پاک نماییم تا مورد سوء استفاده قرار نگیرند. همچنین با شناخت این موجودات ماورائی بیشتر به عظمت و بزرگی حق تعالی پی می بریم، باشد که در مقابل او سر تعظیم فرود آوریم. (انشاءالله) "جن" از لحاظ لغوی به معنای پنهان و پوشیده می باشد. جن کلمه ای مفرد است، جمع آن جان یا جنه و هم خانواده آن جنت، مجنون و جنین می باشد.

جن دارای حرکات بسیار سریع می باشد و به همین دلیل قبلاً می توانست در آسمان نفوذ و استراق سمع کند ولی با ظهور حضرت مسیح (علیه السلام) جلوی ورود و نفوذ آنها به آسمانها به صورت نسبی گرفته شد و با ظهور پیامبر گرانقدر اسلام حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله وسلم) کاملاً از ورود آنها به آسمانها جلوگیری گردید، پس جن نمی تواند از آینده و اسرار غیب خبر دهد و آنهایی که مدعی این گونه امور هستند، آگاهانه یا ناآگاهانه دروغ می گویند. خلقت انسان بعد از خلقت جن روی زمین بوده است و جن ها هفت هزار سال پیش از انسان در کره زمین زندگی می کردند. همانطور که انسان ها از نسل آدم و حوا بوده، جن ها از نسل مارج و مارجه می باشند. طول عمر جن از انسان بسیار زیادتر است ولی جن نیز دارای مرگ، تولد و عمر محدود و مشخص می باشد، همچنین دارای حشر، نشر، معاد، حساب و کتاب اخروی است. از لحاظ مرفولوژی و ظاهری، قیافه واقعی جن با انسان تفاوت دارد (این موجودات می توانند با قیافه و ظاهر کاذب نمایان شوند). جن یک امتیاز از لحاظ ظاهری نسبت به انسان دارد و آن اینکه می تواند به هر شکلی که می خواهد اعم از انسان و حیوان دربیاید، ولی به شکل پیامبران، ائمه معصومین و شیعیان واقعی ظاهر نمی شود. طول قد جن بسته به سن او، بین سی تا هشتاد سانتیمتر است. جن دارای دو جنس مذکر و مؤنث است و تولید مثل می کند. نطفه جن بر خلاف انسان از جنس و ماهیت شبیه هوا می باشد. برخی معتقدند که انسان و جن می توانند با همدیگر ازدواج نموده، حتی تولید مثل نمایند. دستگاه گوارش جن با انسان تفاوت دارد، جن از پس مانده غذای انسان بصورت بو کشیدن و یا مزه مزه کردن استفاده می کنند. بطور معمول جن انسان را می بیند ولی برای انسان قابل رؤیت نمی باشد.

جن مانند انسان دارای علم، ادراک، قدرت تشخیص، مسئولیت و تکلیف است. پیغمبر گرامی اسلام بر جن ها نیز مبعوث شدند و در بین جن ها نیز دین و مذهب و فرقه وجود دارد. جان به دو گروه مسلمان و غیرمسلمان تقسیم شده و مسلمانان آنها نیز در دو گروه اهل تشیع و اهل تسنن قرار می گیرند. رهبر جن های شیعه «سفر ابن زعفر» می باشد و لوحی مزین به جمله مبارک «یا ابا عبد الله الحسین» برگردن دارد. پدر زعفر در صدر اسلام توسط حضرت علی (علیه السلام) کشته شد و خود نیز به دست آن حضرت مسلمان گردید. زعفر و لشکریانش در واقعه کربلا به یاری حضرت امام حسین (علیه السلام) شتافتند ولی آن امام بزرگوار اجازه نفرمودند. در

منابع مختلف از جمله قرآن کریم، تفاسیر، احادیث و کتب علمی از جن یاد شده است. دانشمندان غربی از جن به عنوان ارواح صدادار یاد می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام که درود خدا بر او باد می‌فرمایند: «خداوند جن را در پنج صنف آفرید: باد، مار، عقرب، حشرات و انسان.» برخی از انسانها جن را می‌پرستند، علامه طباطبائی (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمایند: «مشرکان سه دسته می‌شوند، اول آنها یکی که جن می‌پرستند، دوم آنها یکی که ملائکه می‌پرستند و سوم آنها یکی که مقدسینی از بشر را پرستش می‌کنند.» ابلیس از طوایف جن است و در قرآن صراحتاً به این مطلب اشاره شده است. ابلیس شش هزار سال عبادت کرد و همین امر باعث شد از زمین به آسمان برود و در رده ملائک قرار بگیرد و به درجه‌ای رسید که مرتبه استادی برخی از ملائک را داشت. برخی از جن‌ها علاقمند به داشتن ارتباط با انسان می‌باشند، بعضی انسانها نیز به ایجاد رابطه با جن تمایل دارند، ایجاد این ارتباط امکان پذیر است ولی به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود و نهی شده است، برخی از علما نیز آن را مجاز نمی‌دانند. دانشمند فرزانه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ارتباط با ارواح و جن را برای کشف امور پنهانی جایز ندانسته‌اند.

ارتباط با جن و تسخیر جن نه تنها هیچ سودی برای انسان ندارد بلکه مضر نیز می‌باشد، اگر انسانی با جن ارتباط گرفت، دیگر نمی‌تواند آنرا قطع کند و یا حداقل قطع این ارتباط دارای عواقب خطرناکی است. قابل ذکر است که جن در مقابل ارتباط با انسان و بعضاً خدماتی که ارائه می‌کند، چیزهایی از انسان می‌گیرد که جبران آن بسیار سخت بوده، یا غیرقابل جبران است. در صورتیکه جن از طرف انسان احساس خطر کند و یا آسیب ببیند، اقدام به تلافی خواهد کرد و به شخص مورد نظر یا بستگان نزدیک، از جمله همسر و فرزندان او آسیب می‌زند و یا آزار و اذیت می‌رساند، پس بهتر است در مورد جن به همین مقدار اطلاعات رسیده از منابع دینی و بزرگان اکتفا نموده، جن را بهانه‌ای برای تفکر و تدبّر در عظمت خالق آن قرار دهیم. برآستی که اگر انسان تمام عمر خویش را نیز صرف اندیشیدن در بزرگی و عظمت حق تعالی نماید، بسیار اندک خواهد بود.

شعور جن

ناحیه دوّم: قرآن می‌گوید: انس و جنّ دو گروه با شعور و قابل خطاب و تفهیمند

ناحیه دوّم از نواحی اشکال آنست که: اصل وجود جنّ طبق آیات قرآن، و طبق شواهد خارجی جای شبهه و تأمل و تردید نیست.

در قرآن کریم، گروه مکلفین به دو دسته انس و جنّ قسمت میشوند، و خطاب به هر دو گروه میشود؛ مثل آیه: يَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفَعُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفَعُوا لَا تَنْفَعُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. [۱۷۲]

«ای گروه جنّ و انس اگر میتوانید از اطراف و اکناف آسمانها و زمین بیرون شوید، پس بیرون شوید! ولیکن نمیتوانید بیرون شوید مگر بواسطه اقتدار و سلطنتی که خداوند به شما بدهد؛ بنابراین کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟»

و مثل آیه: سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. [۱۷۳]

«ای گروه جنّ و انس که موجودات نفیس و گرانقدر هستید، بزودی ما به حساب کار شما خواهیم پرداخت، و بزودی از عهده آن بیرون خواهیم آمد. پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب میکنید؟!»

و مثل آیه: وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُذُنٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. [۱۷۴]

«و هر آینه تحقیقاً ما بسیاری از جنّ و انس را برای جهنّم واگذارديم، آنانکه دلّهائی را دارند که با آنها نمیفهمند، و چشمهائی را دارند که با آنها نمیبینند، و گوشهائی را دارند که با آنها نمیشنوند؛ ایشان همانند چهارپایانند، بلکه گمراه تر. به علّت اینکه آنها البتّه غافل هستند.»

انسان و جنّ، دو موجود مادّی و دارای پیامبر مشترکی از انسان هستند

قرآن کریم، انسان و جنّ را دو موجود مادّی میداند، دارای شعور و ادراک و قابل امر و نهی، و هر دو در ردیفهم قابل تخاطب و مفاهمه میباشند. خداوند متعال اوّل را از گل، و دوّم را از آتش آفریده است:

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ * وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ * فَبَآئٍ ءِآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. [۱۷۵]

«خداوند انسان را از گل خشک شده، همانند گل کوزهگر آفرید. و جنّ را از آتش رخشان و شعلهور آفرید؛ پس ای گروه جنّ و

انس! کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را انکار میکنید؟!» [۱۷۶]

بنابراین، جنّ مبدأ آفرینشش از آتش و گازهای غیر قابل رؤیت است و بطرف بالا گرایش دارد؛ و انسان مبدأ آفرینشش از خاک است و قابل رؤیت است و بطرف پائین گرایش دارد.

هر دو گروه دارای پیامبر مشترکی از انسان میباشند. پیغمبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلّم پیامبر برای جنّ هستند؛ همانطور که پیغمبر برای انسان میباشند:

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِينَ * قَالُوا يَقَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ * يَقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَءَامِنُوا بِهِ يَغْفِر لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيَجْرُكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * وَ مَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. [۱۷۷]

«و یاد بیاور ای پیغمبر زمانی را که ما به سوی تو گسیل داشتیم نفراتی از طائفه جنّ را، تا آیات قرآن را استماع نمایند. و چون برای استماع حضور یافتند، با خود گفتند: ساکت شوید! پس چون قرائتت به انجام رسید، ایمان آوردند و به سوی قوم خود برای انذار و دعوت بازگشتند. گفتند: ای قوم ما، ما شنیدیم کتابی را که بعد از موسی فرود آمده است؛ و آنچه را که در برابر اوست شاهی است مصدّق؛ و به سوی حقّ دلالت میکند، و به سوی راه راست و صراط مستقیم رهنمون است. ای قوم ما! همانند ما، شما هم

دعوت این دعوت کننده الهی را بپذیرید! و به وی ایمان بیاورید، تا در نتیجه گناهانتان را بیامرزید، و از عذاب دردناک در حفظ و مصونیت و پناه در آورد. و کسی که دعوت این داعی خداوندی را اجابت نکند، هیچگاه نمیتواند از قهر و سطوت خداوند در روی زمین گریزی داشته باشد؛ و غیر از خداوند هیچکس ولیّ و مولای او نخواهد بود. و البته این جماعتِ غیر مُقْبِل و غیر گرونده به محمّد مصطفی داعی خدا، در گمراهی آشکار غوطه ورنند.»

شرح حال جنّ، در سورة جنّ از قرآن کریم

در قرآن کریم سورهای به نام سوره جنّ است که در آن بطور مشروح ایمان جنّ را به رسول الله، و انقسام آنان را به دو گروه صالح و طالح، و به دو گروه مُسلم و متجاوز، و جزا و پاداش و عقوبت اخروی و یا مَثُوبَتشان را بیان میکند.

این سوره حاوی نکات بدیع، و شرح حال و ترجمه جنیان است که خداوند به پیامبرش امر میکند که بگو:

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا * يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا * وَ أَنَّهُو تَعَلَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا. [۱۷۸]

«بگو: به من وحی شده است که: نفراتی از گروه جنّ قرآن را استماع نموده و گفتند: ما قرآن عجیبی را گوش داده‌ایم که به رشد و ارتقاء، هدایت میکند، فلهمذا به آن ایمان آوردیم و ابدًا با پروردگارمان احدی را شریک قرار نمیدهیم؛ و اینکه مجد و عظمت و بهره و نصیب پروردگار ما بسیار بلند است. او برای خودش زوجهای اتخاذ ننموده و فرزندی را نگزیده است.»

و أَنَّهُ وَ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا. [۱۷۹]

«و پیش از این، افراد سفیه و نادان ما اینطور بودند که به خدا شرک آورده و کلمات ناهموار و نالاستواری را نسبت میدادند.»

وَ أَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَّنَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا * وَ أَنَّهُوَ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا * وَ أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَّنَ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا. [۱۸۰]

«و حقّا ما میپنداشتیم که ابدًا طائفه انسان و طائفه جنّ بر خداوند دروغ نمیبندد. و اینطور بود که مردانی از انسان به مردانی از جنّ پناهنده میشدند؛ و این موجب مزید طغیان و تعدّی جنیان میشد، و یا موجب مزید طغیان و تعدّی انسانها میشد. و آن طائفه جنّ هم مانند شما انسانها اینطور بودند که میپنداشتند: خداوند کسی را مبعوث نمیکند و قیامتی بر پا نمیشود.»

وَ أَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَهَا مِلْئًا حَرَسًا شَدِيدًا وَ شُهَبًا * وَ أَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدَ لِّلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُو شِهَابًا رَّصَدًا * وَ أَنَّا لَا نَذَرِي أَ شَرُّ أَرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا. [۱۸۱]

«و طوائف جنّ گفتند: ما بر آسمان بالا رفتیم و به آن تماس حاصل کردیم (تا خبری را دزدیده و با استراق سمع از آن مطلع گردیم)

ولیکن آن را یافتیم که سرشار و مملوّ از فرشتگان نگهبان و تیرهای شهاب آتش افروز است. و ما پیش از نزول قرآن اینطور بودیم

که در کمین ربودن سخنان آسمانی و اسرار وحی بطور استراق سمع مینشستیم؛ و اینک هر کس بخواهد از اسرار وحی چیزی را

دزدیده و به استراق سمع در رباید، تیر شهاب آتش افروز در کمین وی به انتظار است. و بالاخره ما نمیدانیم که آیا در باره کسانی که در روی زمین زندگی مینمایند، شرّ و سوء عاقبت إرادۀ شده است و یا آنکه پروردگارشان راجع به آنها خیر و صلاح و رشد و ارتقاء را خواسته است؟»

آیات قرآن راجع به اسلام و کفر جنیان

وَ أَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَ مِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا * وَ أَنَا ظَنَنَّا أَنَّ لَنَنْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَ لَنُعْجِزَهُ هَرَبًا * وَ أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى ءَامَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَ لَا رَهَقًا. [۱۸۲]

«و از ما جماعتی هستند که بطور صلاح و راستی و درستی زیست مینمایند، و نیز جماعتی هستند که غیر از این میباشند؛ و ما در نفوس خودمان به طرق و راههای متفاوت، منشعب گشتهایم. و ما چنین دانستهایم که: در روی زمین نمیتوانیم از قهر و سطوت و قدرت خداوند پیشی بگیریم؛ و نمیتوانیم از گریزگاهی فرار را انتخاب نموده و از دست او به در رویم. و ما زمانی که گفتار هدایت و آیه دالّه بر دلالت و راهنمایی را شنیدیم، بدان ایمان آوردیم؛ پس هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد، از هیچ کمی و نقصانی و از هیچ طغیان و احاطه عذاب و دردی نمیهراسد.»

وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَ مِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا * وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا * وَ الْوَاسِطُونَ عَلَى الطَّرِيقَةِ لَا يَقِينُهُمْ مَاءٌ غَدَقًا * لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا. [۱۸۳]

«و از ما جماعتی هستند که اسلام آورده اند و در پی آزار و اذیت کسی نیستند، و نیز جماعتی هستند که کافر و ستمگرند؛ بنابراین افرادی که اسلام را برگزیده اند و در راه سلّم و سلامت روان شده، از آزار و ایذاء به دیگران خودداری میکنند، ایشان راه رشد و ارتقاء را دریافته اند و به سوی آن شتاب دارند. و اما کافران و ستمگران از ما به جهنّم میروند، و هیزم آتش افروز دوزخ میباشند. و اینکه اگر بر راه و روش اسلام و مسالمت پایدار بودند، هر آینه ما از آب فراوان و رزق واسع آنها را سیراب مینمودیم. برای آنکه با آن نعمت و آب فراوان آنان را آزمایش و امتحان نمائیم. و کسی که از یاد پروردگارش اعراض کند و از ذکر او سر بپیچد، او را به عذابی غیر قابل تحمّل و سخت و از پا در آورنده وارد میکند.»

وَ أَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا * وَ أَنَّهُ وَ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا. [۱۸۴]

«و اینکه محلّها و مواضع سجده اختصاص به خدا دارد؛ بنابراین نباید با خدا کسی دیگر را در خواندن ضمیمه نمود و شریک در دعا و پرستش و سجود قرار داد. و اینکه هنگامی که بنده خدا محمّد مصطفی برخاست تا خدا را بخواند و در مسجد الحرام به نماز ایستد، آنقدر مشرکین در اطراف او جمع شدند و برای مزاحمت هجوم آوردند که نزدیک بود همه با هم بر سر او فروریزند.»

به تمام افراد جنّ مثل انسان تکلیف میشود؛ و جهنّم و بهشت پاداش عمل است

اما در باره اینکه هرکس از دو طائفه جن و انس با هم میتوانند در باطن و یا در ظاهر آشنائی و رفاقت پیدا کنند، و در ایمان و یا در کفر یکدیگر را کمک کنند، و خلاصه بر روی هم اثر داشته باشند، با حفظ اراده و اختیار و انتخاب هریک از دو فریق، آیاتی در قرآن مجید وارد است:

خداوند درباره روز بازپسین که دو طائفه جن و انس را مجتمع میکند و با آنها اتمام حجت مینماید که: با وجود پیغمبرانی از شما که بسوی شما آمدند، چرا راه خلاف را پیمودید و از یکدیگر بدون لزوم و اجبار تبعیت کردید و بالتّیجه عاقبت امر شما منجر به خسران و زیان و عذاب شد؛ چنین میفرماید:

و یَوْمَ یَحْشُرُهُمْ جَمِیعًا یَمَعَشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَکْثَرْتُمْ مِّنَ الْإِنْسِ وَ قَالَ أَوْلِیَاؤُهُمْ مِّنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَ بَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِیْ أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوِیْکُمْ خَلِدِینَ فِیْهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّکَ حَکِیمٌ عَلِیمٌ * وَ کَذَٰلِکَ نُؤَلِّیْ بَعْضَ الظَّالِمِینَ بَعْضًا بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ * یَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَلَمْ یَأْتِکُمْ رُسُلٌ مِّنْکُمْ یَقْضُونَ عَلَیْکُمْ ءَایَتِیْ وَ یُنذِرُونْکُمْ لِقَاءَ یَوْمِکُمْ هَٰذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَیْ أَنْفُسِنَا وَ غَرَّبْتُمْ الْحَیْوةَ الدُّنْیَا وَ شَهِدُوا عَلَی أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ کَانُوا کَافِرِینَ * ذَٰلِکَ أَنْ لَّمْ یَکُنْ رَبُّکَ مُهْلِکَ الْقَرْیَ بِظُلْمٍ وَ أَهْلُهَا غَفُلُونَ * وَ لِکُلِّ دَرَجَتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّکَ بِغَفِلٍ عَمَّا یَعْمَلُونَ. [۱۸۵]

«و یاد بیاور ای پیغمبر روزی را که خداوند همه جن و انس را در قیامت محشور مینماید و خطاب میکند به جنّها که: ای جماعت جنیان شما بواسطه تماس و اغوای انسانها و داخل نمودن آنان را در گروه خود، فزونی گرفتید و کثرت یافتید! و دوستان و موالی جنیان از طائفه انسان میگویند: بارپروردگارا! ما گروه انس و جن هر کدام از یکدیگر بهره یافتیم و متمتع و کامیاب شدیم، تا آن زمان و مدت مقرری را که به عنوان اجل و سرآمد وقت، تو برای ما مقدر فرمودی فرا رسید! خداوند خطاب میکند: اینک آتش است که جایگاه و منزلگاه شماست؛ در آن بطور جاودان خواهید بود مگر آنکه خدا بخواهد. حقاً پروردگارت ای پیامبر حکیم و علیم است. و بدین طریق ما بعضی از گروه ستمگر را بر بعضی دیگر ولایت میدهیم در اثر آن اعمال زشتی که کسب کرده اند.

ای جماعت جن و انس! آیا از خود شما به سوی شما پیامبرانی نیامده اند تا آنکه آیات مرا برای شما حکایت کنند، و از لقاء چنین روزی شما را بر حذر دارند؟! در پاسخ جنیان و انسیان میگویند: ما بر جهالت و پلیدی نفوس خودمان، و بر خبط و خطاها و گناهانمان گواهی میدهیم. ایشان را زندگی پست و عیش حیوانی فریفت، و آنها در این حال میفهمند و گواهی میدهند که در حیات دنیا کافر بوده اند.

این فرستادن پیغمبران و این خطاب و مؤاخذه بجای خداوند در روز قیامت برای آنست که: دأب و سنت پروردگارت - ای پیامبر - اینچنین نیست که اهل دیاری را ستمگرانه از روی غفلت و جهالتشان هلاک کند. هر کدام از بندگان خدا، خواه از جن باشد خواه از انسان، طبق کرداری که در دنیا انجام داده است، رتبه و درجه خواهد یافت؛ و پروردگارت از آنچه را که بجای میآورند غافل نیست.»

خداوند تکلیف به تمام افراد انسان و افراد جنّ میکند و طبق آن تکلیف مَثُوبت میدهد، و یا در اثر مخالفت و تجرّی و اتمام حجت به جهنّم میبرد، و پاداش عذاب الیم و خسران را در عاقبتِ امر وعده میدهد:

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ. [۱۸۶]

«ایشان در میان اُمّتهائی از جنّ و انس که پیش از اینها آمده اند و رفته اند، کسانی هستند که وعده عذاب خدا و گفتار بُعد و شقاوت بر آنها حتم است؛ و حقّاً ایشان زیان کارانند.»

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرِينَ. [۱۸۷]

«و ما برای این کسانی که بخداوند کافر شده و گمان بد برده اند، یاران و رفیقانی از جنیان بر گماشتیم تا آنچه را در پیش روی آنهاست (از عمری که در جلو دارند) و آنچه را که پشت سر گذارده اند (از اعمالی را که انجام داده اند) جلوه دهند. و گفتار شقاوت، و مُهر نکبت و وعده عذاب جاوید خداوندی بر ایشان زده شد در زمره اُمّتهائی که پیش از اینها از طائفه جنّ و انس آمده اند و رفته اند؛ اینکه ایشان زیان کارانند.»

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَفْدَانِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأُسْفَلِينَ. [۱۸۸]

در روز قیامت که خداوند پاداش دشمنانش را آتش جاودان - در اثر انکار و جُحود آیاتش - مقررّ میدارد، در قرآن مجید خدا میگوید: «و آن کسانی که کفر ورزیده اند میگویند: بار پروردگار ما! به ما نشان بده آن دو گروهی را از جنّ و انس که ما را گمراه نمودند، تا ما ایشان را در زیر گامهای خودمان بگذاریم، تا اینکه در نهایت مرتبه خواری و ذلّت و سرافکندگی بوده باشند.»

و تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ. [۱۸۹]

و لَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ. [۱۹۰]

«و کلمه حتمیه و قضاء محتوم پروردگارت به تمامیت خود رسید (و یا آنکه: ولیکن گفتار من محقق است) بر اینکه: جهنّم را از جمیع طائفه جنّ و طائفه انسان سرشار و مالا مال کنم.»

و جَعَلُوا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَ لَقَدْ عَلِمَتْ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ * سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ. [۱۹۱]

«مشرکین در میان خداوند و میان جنیان، روابط خویشاوندی و نسب را بر قرار نمودند، در حالیکه خود جنیان میدانند که مخلوقند و مورد تکلیف، و خدا آنها را در روز قیامت برای سؤال و حساب احضار خواهد کرد. پاک و منزّه و مقدّس است خداوند از اوصافی که به وی نسبت میدهند؛ مگر اوصافی را که بندگان مُخْلِص و پاک و پاکیزه شده خدا به او نسبت دهند.»

انسان از جنّ قویتر است؛ لهذا پیامبر جنیان از انسان است

هر کس مختصر دقتی در این آیات نماید، درمییابد که جنیان هم‌دوش با انسان آفریده شده‌اند، و در تکلیف و مؤاخذه و اختیار و اراده و ثواب و عقاب و رهسپار شدن به سوی بهشت و یا فرو افتادن در دوزخ علیالسویه هستند. البته وجودشان از انسان ضعیفتر است؛ همانطور که افراد خود انسان هم در قوت و ضعف تفاوت دارند. و چون انسان از جنّ قویتر است لهذا پیامبر جنیان از انسان است، و آنها از میان خود پیغمبری ندارند. و آیهای که ذکر شد: **أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ** «آیا به سوی شما پیامبرانی از خود شما نیامدند؟» یعنی: از جنس ماده و طبیعت، در برابر فرشتگان که موجوداتی ملکوتی هستند. بنابراین پیامبران هم، چون از جنس بشرند، و بشر هم با جنیان از جنس واحد یعنی از ماده و طبیعتاند، صحیح است که گفته شود: پیامبران از جنس جنیان میباشند. حضرت علامه طباطبائی قدس الله نفسه الزکیه فرمودند: اتفاقاً دراینباره از خود جنیان هم سؤال شده که: آیا پیغمبر شما از جنس خود شماست؟! در پاسخ گفته اند: پیامبران ما انسانند و اینک ما به رسالت حضرت ختمی مرتبت ایمان آورده‌ایم، و او را آخرین پیامبر میدانیم.

با وجود این مطالب، و این آیات و توضحات، آیا مُضحک نیست که کسی بگوید: جنّ در قرآن به معنای میکرب است، یا بعضی از انواع آن، میکربها هستند؛ چون میکرب موجود زنده و ریز و ذره‌بینی است که از دیدگان مخفی است؟! آیا میکربها را خدا محشور میفرماید و مورد عذاب و مؤاخذه قرار میگیرند؟ آیا آنها هستند که با انسانها و در ردیف آنها در جهنم ریخته میشوند؟ آیا میکربها هستند که در مکه به حضور رسول الله رسیده و ایمان آوردند، و گفتارشان را خدا در قرآن حکایت فرمود؛ و محلّ نزولشان در مکه اینک معین است، و به نام **مَسْجِدُ الْجَنِّ** - قریب مسجد الحرام در شارع مسجدالحرام - نامیده شده است و مستحبّ است حاجیان در آن مسجد بروند و دو رکعت نماز گزارند؟!

روزی در طهران در مجلسی، یک نفر از مطلقین بمن گفت: آقا امریکائیها جنّ هستند؛ و این از معجزات قرآن است که کشف قاره آمریکا را خبر داده است، زیرا جنّ به معنای موجود زنده و پنهان است و امریکائیها تحقیقاً در زمان نزول قرآن زنده، و از نظر جمیع افراد بشر مختفی بوده اند.

حقیر به وی گفتم: جنّ در مقابل انس است؛ و عدیل و هم‌دوش او. و این حقیقت از خطابات قرآنیّه که جنّ را با انس می‌شمرد و در آن داخل ننموده است مشهود است. و تمام افراد بشر به صراحت آیه کریمه: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً** [۱۹۲] همه از یک اصل: آدم و زوجه‌اش موجود شده‌اند؛ پس هر جا بشری هست، انسان است و از اولاد آدم نه از جنّ، زیرا مفاد این کریمه مبارکه اینست:

«ای مردم! تقوای پروردگارتان را پیشه سازید! آنکه شما را از نفس واحدی بیافرید؛ و از آن نفس، زوجه‌اش را بیافرید؛ و از این نفس و زوجه‌اش مردان بسیار و زنان بسیاری را در روی زمین منتشر ساخت.»

علیهذا تمام مردان و زنان روی کره زمین از آدم و حوا هستند؛ و از طائفه جن در این نسل شرکت ندارد. و تمام انسانهای آفریقائی و امریکائی و نژادهای سرخ همه و همه انسان هستند؛ و انسان غیر از جن است.

مفسر قرآن باید عارف به لسان قرآن باشد

این افرادی که تفسیر مینویسند و به منطق قرآن آشنائی ندارند، و میخواهند طبق علوم و مدرکات خودشان قرآن را پیاده کنند، سر از این مطالب در میآورند که میکرب را شیطان میگویند، و قصص قرآن را تمثیل و در حقیقت خیالبافی و افسانه ارائه میدهند؛ و حاشا من کلامه العالی که خودش فرمود: **إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * وَ إِنَّهُو فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِي حَكِيمٌ [۱۹۳]** که تا این حد به مطالب کوتاه و تخیلات وهمیه سقوط کند.

اگر اینگونه مفسران فقط یک آیه را از قرآن میفهمیدند، تا آخر عمر دست خود را برای برداشتن قلم تفسیر بلند نمیکردند؛ و آن آیه اینست که: **وَمَا أَوْتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا. [۱۹۴]**

«به شما از علم و دانش داده نشده است جز مقدار اندکی!»

وقتی انسان بداند که علمش کوتاه است، مطالب راقیه و مهمه و عالیه قرآن را که به فکرش نمیرسد، به حال خود وامیگذارد و تا آخر عمر به دنبال پی جوئی و کاوش میرود، تا مسأله برای او منکشف گردد؛ نه آنکه پیوسته فرمول حفظی همگانی را بر زبان آورده و تکرار کند که: علم بدین مطلب گواهی نداده است! تجربه اثبات نکرده است! فیزیولوژی و بیولوژی و و و چنین و چنان. آخر فیزیولوژی و بیولوژی را به کشف جن و شیطان، و یا به دیدار فرشته و ملائکه چکار؟!

اطلاع بر این امور راه دگری دارد، و تا انسان در آن علم وارد نباشد حق مداخله در آن را ندارد. و این مطلب از واضحات است که: شعبه های علوم بسیار و جدا جدا هستند، و هر علمی موضوعی مختص بخود دارد. با علم فیزیولوژی در علم کشف حقائق و پنهانیها اعم از موجودات ملکوتیه رحمانیه، و موجودات جنیه شیطانیه وارد شدن و با آن ابزار و آلات در پی جستجوی حل مسائل این علوم بودن، سر از ترکستان در آوردن است برای کسی که مقصودش سفر مکه است.

ما نمیگوئیم: حتماً شخص مفسر باید روح ملکوتی داشته باشد و گرنه نباید قرآن را تفسیر کند؛ ما میگوئیم: شخص مفسر باید به معانی و اصطلاحات قرآن وارد باشد، و قرآن را آنطور که قرآن میخواهد تفسیر کند. گر چه این مفسر اصولاً مسلمان هم نباشد؛ یهودی و یا مسیحی باشد ولی در تفسیر قرآن از منطق قرآن خارج نشود؛ و آنچه را قرآن میگوید، بگوید؛ خواه خودش معتقد باشد و یا نباشد.

بزرگترین خطائی که شیخ محمد عبده در تفسیر «المنار» نموده است آنست که: در این تفسیر به حقائق و معنویات و اصول عالم بالا و خلقت موجودات ماورای این عالم توجه کمتری شده است؛ و به اصول و روابط علوم مادی و پیشرفتهای طبیعی توجه و عنایت بیشتری مبذول گردیده است.

و این منطق، روح بشر را سیر نمیکند و تشنگی او را فرو نمیشاند، چون بشر مرتبط با عالم غیب است. بدنش در عالم شهادت است؛ ولی روحش و سرّش و کمون وجدانش از عالم ملکوت است. و آن را با این علوم سرگرم کننده و فانیه بشری نمیتوان ارضاء نمود. اما تفسیر «المیزان» که هزاران هزار درود و رحمت بی پایان خداوندی بر معلّمش که این باب را در تفسیر گشود، و ولایت را حقیقت معانی قرآن دانست، و عرفان را یگانه راهگشای به سرّ ملکوت معرفی کرد، و در این تفسیر از همان روش پیامبر اکرم استفاده کرد که دعوت به خداوند و وحدت حقّه حقیقیّه او و عالم جان و ملکوت و وصول به مقام ولایت بوده باشد؛ جانهای گرسنه را اشباع، و عطش زدگان معارف را سیراب، و از دو عالم ملک و ملکوت بهره‌ور ساخت.

مفسّر عالیقدر اسلام: علامّه طباطبائی در شهرهای عرب مشهورتر است از ایران

فلهذا دیده میشود که: تفسیر علامه طباطبائی قدّس الله سرّه الزّکیّ امروزه در مصر و لبنان و بعضی از بلاد دیگر چنان شهرتی دارد که در اینجا ندارد. و با آنکه نویسندگان «المَنار» سنّی مذهب است، و اهل شهر و دیار خود آنها یعنی مصر است معذک معلّمان و فارغ التحصیلان و دانشگاهیان مصری و لبنانی چنان به این تفسیر روی آورده اند که قبلاً برای ما قابل تصوّر نبود.

حقیر بعد از آنکه رساله «مهر تابان» را به عنوان یادنامه استادمان حضرت علامّه نوشتم و بزودی منتشر شد، چندی نگذشته بود که روزی در مشهد مقدّس به دیدن یکی از علمای نجف اشرف که فعلاً در قم اقامت دارند، و به مشهد مشرّف شده بودند، رفتم. آن مجلس متشکّل از جمیع آقازادگان و دامادان ایشان بود.

چون بالمناسبه سخن از رحلت علامّه پیش آمد، و حضار هریک چیزی میگفتند، یکی از دامادهای ایشان که متولّد نجف بود و اصلاً عرب و از نواده های مرحوم صدر بود به من گفت: شما چرا این یادنامه را به زبان عربی نوشتید؟! این کتاب سزاوار بود بدان زبان نوشته شود!

حقیر گفتم: آخر علامّه، فارسی زبان و محلّ و موطنشان در ایران است. این کتاب برای اطلاع از احوال ایشان است و معلوم است که شهرت ایشان در ایران است.

گفت: آقا شما اشتباه میکنید! علامّه در بلاد عرب دهها برابر شهرتش از ایران بیشتر است. استادان دانشگاهها و اهل فنّ و اطلاع و حتّی دانشجویان استادشان به تفسیر «المیزان»، یک امر روزمرّه است. همگی تفسیر «المیزان» را به عنوان یک مصدر اصیل تحقیق میدانند؛ و تفسیرهای «المَنار» و «فی ظلال القرآن» و امثالهما به کنار رفته است.

او میگفت: من خودم در آنجا اقامت داشتم، و این جریان را از نزدیک مشاهده نموده ام.

حقیر گفتم: اینک مسأله مشکلی نیست؛ بعضی از اهل خبره که به زبان عرب آشنائی کامل داشته باشند میتوانند این کتاب را به آن زبان ترجمه کنند، تا روش اخلاقی و سلوک ادبی و علوّ همّت و اخلاص این فقید سعید برای آنها نیز مشهود شود: رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ مَا بَقِيَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ.

داستان تأثیر جنّ در نفوس بشری تا سرحدّی است که خداوند متعال در قرآن کریم از باب سنت قطعیه خود که برای دعوت انبیاء و مرسالان از جانب خود دشمنانی را از طائفه انسان بر میگماشته است تا در صدد زحمت برآیند و مشکلات و موانعی در راه دعوت و تبلیغ رسالات الهیه ایجاد کنند، همچنین دشمنانی از طائفه جنّ را نیز برای این منظور بر میگماشته است تا با دشمنان انسی همدست شده و توأماً در راه انبیاء و کیفیت تبلیغ و هدایتشان سدّ راه شوند، تا دعوت پیامبران از روی جدّ و جهد و تعب و رنج و مجاهده صورت پذیرد.

پناه بردن به خدا از شرّ وسوسه های شیاطین جنّی و انسیّ

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ * وَ لَتَصْنَعِ إِلَهِهِ أَفِئْدَةً الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ لَيَرْضَوْهُ وَ لَيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ. [۱۹۵]

«و همینطور که برای تو هست، ما برای هر پیغمبری شیاطینی از انسان و از جنیان قرار دادیم تا بعضی از آنها به بعض دیگر سخنان آراسته و دلفریب بدون محتوی و واقعیّت را به جهت گول زدن آنها برسانند. و اگر پروردگارت میخواست، ایشان نمیتوانستند چنین کاری را انجام دهند. پس تو ای پیامبر ایشان را با دروغشان واگذار!

و تا اینکه به گفتار فریبنده و غرورآور آن اهریمنان، دلها و اندیشه های آنانکه به آخرت ایمان نمیآورند گوش فرا دهند و دل سپرده و خشنود گردند، و در آن گناه و زشتی و سوء عاقبت که آن اهریمنان در آن درافتاده اند اینان نیز درافتند و مرتکب شوند.»
بنابراین، انسان باید از شرّ این شیاطین جنّ به خدا پناه برد؛ همانطور که از شیاطین انسی به خدا پناه میبرد.

شیطان به معنای موجود شرّور است. و همه جنیان شیطان نیستند؛ همچنانکه همه انسانها شیطان نیستند. شیطان جنّی آن جنّی است که کافر است و اسلام نیاورده است و کارش خرابی و شرارت و شیطنت است. همانطور که شیطان انسیّ آن انسانی است که مسلمان نیست و کارش اضرار و افساد و شرّ رسانیدن است.

شیاطین از جنّ با شیاطین از انسان رفاقت دارند، و مسلمانان از جنّ در صدد کمک و اعانت و بهره رسانیدن به مسلمانان از انسان میباشند.

شیاطین انسی از ظاهر و برون در انسان وسوسه میکنند، و با سخنان دلفریب و غرور آفرین راه مستقیم انسان را کج میکنند و به اهداف فاسده خود که نتیجهاش خسران و ندامت است وی را میکشانند.

شیاطین جنّی از باطن و درون در انسان وسوسه مینمایند. و با ایجاد خاطرات پریشان و افکار بیمایه و آراء فاسده و کاسده او را تحریک میکنند و برای انجام کارهائی که در شرارت و در خباثت با هم اشتراک دارند، دعوت نموده و بر آن امر ترغیب و تشویق مینمایند.

وَسَوْسَه عبارت است از خاطراتی که برای مصلحت انسان نیست بلکه او را از روش مستقیم و نهج قویم باز میدارد.

در سوره ناس وارد است که: انسان باید از این وساوسی که توسط انسانها و جنیان بدو وارد میشود به خدا پناه برد:

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ. [۱۹۶]

«بگو ای پیامبر! من پناه میبرم به پروردگار مردم، پادشاه و صاحب اختیار نفوس مردم، خدا و معبود و مقصود مردم؛ از شرّ وسوسه شیطان و موجود شروری که دائماً ظهور میکند و سپس پنهان میشود؛ و برای تصرف دل حمله و گریز دارد. آنکه در سینه های مردم وسوسه میکند. خواه از جنس جنّ باشد، و خواه از جنس انسان!»

این سوره را با سوره فلق با هم جبرائیل برای رسول الله از نزد خداوند آورد در وقتی که حسنین علیهما السلام تب کرده و هر دو مریض شده بودند، تا بر آنها خوانده شود و شفا یابند.

معروف است که: این دو سوره در مصحف ابن مسعود نبود، یعنی از اهل بیت علیهم السلام اینطور وارد است. زیرا ابن مسعود معتقد بود که اینها دوتا تعویذ (عوذة) هستند که جبرائیل از آسمان آورده است تا حسنین را بدان تعویذ کنند؛ یعنی به آنها بخوانند و آویزان نمایند و حالشان خوب شود.

بر آنها بستند و خواندند، و حالشان خوب شد.

اما دیگران غیر از ابن مسعود، این دو را به عنوان سوره قرآن میدانند.

مُعَوِّذَتَيْنِ به صیغه اسم فاعل است، که مراد سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ است، و آن متضمن استعاذه به خداوند از هر شرّ روحی و وساوس باطنی است، و سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ که متضمن استعاذه به خداوند از هر شرّ بدنی و جسمی و دنیوی میباشد.

مجلسی رضوان الله علیه از رسول خدا صلى الله عليه وآله و سلم روایت نموده است که: چون میخواست بخوابد آیه الكرسي را قرائت مینمود، و میگفت: جبرائیل به نزد من آمد و گفت: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ عَفْرِيَّتًا مِنَ الْجِنِّ يَكِيدُكَ فِي مَنَامِكَ؛ فَعَلَيْكَ بِآيَةِ الْكُرْسِيِّ.

[۱۹۷]

«ای محمد! یک شخصی از رؤسای شیاطین که نافذ الامر و کاربر است و بسیار زشت و خبیث است، در هنگامی که بخواب میروی در صدد آزار و اذیت تو بر میآید، بنابراین در وقت خوابیدن برای دفع شرّ او آیه الكرسي را بخوان!»

ما در این بحثها خواستیم فقط به آیات قرآن اکتفا کنیم تا حجّتی قاطع برای منکرین وجود جنّ و تأثیرات سوء آنها باشد، و گر نه روایات مستفیضه چه از شیعه و چه از عامّه فوق حدّ احصاء است؛ و بحث در آنها کتابی جداگانه میخواهد.

نمونه هایی از مشاهده خارجی جنیان در زمان ما

اما از جهت مشاهده خارجی جنیان، ما به نقل حکایات وارده در کتب و تواریخ نمیپردازیم فقط به نقل چند مورد از مشاهدات زمان فعلی ما که موثقین حکایت نموده اند، اکتفا مینمائیم:

روزی حضرت استاد علامه طباطبائی قدس الله سره الشریف در ضمن بیان اینکه تقسیم آیه مبارکه: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را در مُرَبَّعات به حروف اُبْجَد، برای رفع جنیان و افراد مبتلای به جن مفید است، میفرمودند:

یک روز در جائی که من هم حضور داشتم و مشاهده میکردم، سخن از این به میان آمد که آیا جنیان میتوانند از در بسته وارد شوند، و یا از صندوق سربسته اشیائی را بیرون آورند و ببرند یا نه؟! یکی از حضار که خود در تسخیر جنیان مدعی بود میگفت: میتوانند! جنیان از صندوق سربسته و قفل زده شده میتوانند چیزهائی بیرون آورند.

در همان مجلس رختدانی را که بزرگ بود و در کنار اطاق بود و در داخل آن بقچه های لباس بود به میان اطاق آوردند، و چند قفل محکم بر در آن زدند، و سپس مردی وزین و سنگین هیکل هم بر روی آن رختدان نشست.

ناگاه ما بالعیان دیدیم: بقچه های لباسها همگی در خارج از صندوق روی زمین چیده شده است. بسیار متعجب شدیم. در این حال آن مرد جسیم و قوی بنیه از روی صندوق برخاست و قفلها را باز کردند، چون در جامه‌دان را بلند کردند ما دیدیم که ابداً در آن، بقچه لباس نیست؛ صندوق خالی است.

داستان إحضار جنّ توسط آقای بحرینی در محضر حضرت علامه طباطبائی (قده)

دیگر فرمودند: روزی آقا سید نورالدین (آقا زاده کوچک ایشان) در طهران که بودم نزد من آمد و گفت: آقاجان، بحرینی در طهران است. میخواهید من او را فوراً اینجا نزد شما بیاورم؟!

و آقای بحرینی یکی از افراد معروف و مشهور در احضار جنّ، و از متبحرین در علم اُبْجَد و حساب مرَبَّعات است. گفتم: اشکال ندارد.

سید نورالدین رفت و پس از یکی دو ساعت آقای بحرینی را با خود آورد و در مجلس نشست و سپس چادری را آوردند و دو طرفش را به دو دست من داد و دو طرف دیگر را به دستهای خود گرفت. و این چادر که بدست ما بود تقریباً بفاصله دو وجب از زمین فاصله داشت. در اینحال جنیان را حاضر کرد و صدای غلغله و همهمه شدیدی در زیر چادر برخاست، و چادر به شدت تکان میخورد که نزدیک بود از دست ما خارج شود، و من محکم نگاهداشته بودم. و از طرفی آدمکهای به قامت دو وجب در زیر چادر بودند و بسیار ازدحام کرده بودند، و تکان میخوردند، و رفت و آمد داشتند.

من با کمال فراست متوجه بودم که این صحنه، چشم بندی و صحنهسازی نباشد. دیدم: نه، صد در صد وقوع امر خارجی است. در اینحال آقای بحرینی یک مربع سی و دو خانه‌ای کشید. و من تا آنحال چنین مربّعی را نشنیده و ندیده بودم. چون سیر مرَبَّعات چهار در چهار، و یا پنج در پنج است. و سیر مرَبَّعات هر چه باشد مانند مربّع صد در صد، بر این منوال است. ولی مربع سی و دو

خانهای، در هیچ کتابی نبود. و آقای بحرینی از من سؤالاتی مینمود و یادداشت میکرد و جواب میداد. و از بعضی از مشکلات ما که هیچکس اطلاع بر آن نداشت جواب گفت. و جوابها همه صحیح بود.

من آن روز بسیار تعجب کردم. مانند آقای ادیب [۱۹۸] که از شاگردان برادر من: آقا سید محمد حسن بود، و چون روح مرحوم قاضی رحمه الله علیه را حاضر کرده بود و از رفتار من سؤال کرده بود، فرموده بود: روش او بسیار پسندیده است؛ فقط عیبی که دارد آنست که پدرش از او ناراضی است و میگوید: در ثواب تفسیری که نوشته است مرا سهمیم نکرده است. چون این مطلب را برادرم از تبریز بمن نوشت، من با خود گفتم: من برای خودم در این تفسیر ثوابی نمیدیدم، تا آنکه آن را هدیه به پدرم کنم. خداوندا اگر تو برای این تفسیر ثوابی مقدر فرمودهای، همه آن را به والدین من عنایت کن. و ما همه را به آنها اهداء میکنیم!

پس از یکی دو روز کاغذ دیگری از برادرم آمد، و در آن نوشته بود که: چون روح مرحوم قاضی را احضار کرد مرحوم قاضی فرموده بودند: اینک پدر از سید محمد حسین راضی شده، و بواسطه شرکت در ثواب بسیار مسرور است. و از این اهداء ثواب هم هیچکس خبر نداشت.

مشاهده آثار جنیان در مشهد مقدس توسط آیه الله حاج شیخ محمد کاظم دامغانی

جناب محترم آیه الله حاج شیخ محمد رضا مهدوی دامغانی دامت برکاته که از علمای برجسته شهر مقدس مشهد رضوی علیه السلام هستند، فرمودند: مرحوم آقای سید ابوالحسن حافظیان که از شاگردان مرحوم حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف بوده است، در اثر خبط و اشتباهی که در امری از امور نموده بود و با دستورات مرحوم شیخ درست نبود، مورد غضب شیخ واقع شد.

مرحوم شیخ به او گفت: یا اجازه اعمال تمام چیزهایی را که بتو داده ام میگیرم، و یا تو را تبعید میکنم.

مرحوم حافظیان حاضر به تبعید شد. شیخ به او فرمود: باید ده سال تمام به هندوستان بروی و اصلاً در این مدت به مشهد نیائی. و پس از آن پانزده سال دیگر هم بمانی؛ و در این مدت کم و بیش اگر به مشهد بیائی اشکال ندارد. و بعد از آن پانزده سال اگر خواستی به مشهد بیائی و متوطن گردی، اختیار با تست!

آقای حافظیان ده سال به هندوستان رفت. و پس از آن گاه و بیگاهی به مشهد مشرف میشد. و از جمله، در یکی از سفرهایی که بعد از سپری شدن ده سال، به مشهد آمده بود داستانی اتفاق افتاد که حل آن را ایشان نمود. و من خودم شاهد قضیه بودم.

توضیح آنکه: یکی از اهل منبر کرمانشاه به نام مرحوم صدر دو سه سالی بود که به مشهد آمده و در اینجا اقامت گزیده بود. یک روز به نزد پدرم: مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد کاظم دامغانی رحمه الله علیه آمد و گفت: جنیان در منزل، ما را خیلی اذیت میکنند؛ سر و صدا راه میاندازند نمیگذارند بخوابیم.

ما را از خواب بیدار مینمایند. میبینیم چرخ چاه مشغول گردیدن است و آب را از چاه بیرون میآورند و دوباره در چاه میریزند، ولی کسی را نمیبینیم؛ و فقط همینقدر میبینیم که چرخ در حرکت است.

مرحوم پدر ما به وی گفتند: من خیلی میل دارم که خودم باچشم خودم بعضی از این کارها را که میکنند ببینم! این بار اگر کاری کردند که قابل دیدن بود بیائید و بما خبر دهید!

یک روز مرحوم صدر به منزل ما آمدند و گفتند: آمده اند و در صندوق لباسها را باز کرده و تمام لباسها را درآورده و به دیوار اطاق آویزان کرده اند.

مرحوم پدرم حرکت کرد، و من در معیت ایشان بودم. آمدیم در منزل و دیدیم لباسها را بدون ترتیب از لباسهای زنانه و بچگانه و غیره همینطور به دیوار چسبانیده اند؛ و لباسها بدون میخ و یا چیز دیگری به دیوارهاست. و همینکه به یکی از آنها دست میزدیم میافتاد.

این منظره بسیار جالب و شگفت آور بود و برای پدرم امری بدیع و نادیده بشمار میرفت.

مرحوم پدرم این قضیه را به مرحوم حافظیان که در مشهد بودند، گفتند. و ایشان دستوری داد، و یا کاری کرد که دیگر اجانین متعرض و مزاحم مرحوم صدر نشدند.

ناحیه سوّم: حجّیت ظهورات قرآن بنابر اصل عقلائی غیر قابل تردید

ناحیه سوّم از نواحی اشکال آنست که: آیا میشود قرآن را طبق معنائی که انسان میپسندد تفسیر کرد و یا نه؛ معنی و تفسیر قرآن باید طبق ضوابطی باشد؛ و در صورت خروج از آن، تفسیر نادرست است؟!

قرآن مانند سائر کتب آسمانی و کتب غیر آسمانی - به هر لغت و به هر زبان - دارای الفاظ و کلماتی است که از معنای خاصی حکایت مینماید. و در صورتیکه قرینه قطعیه ای بر خلاف اراده آن معانی ارائه نشود، باید گفت: همان معانی اولیه از این کلمات اراده شده اند؛ خواه دلالت الفاظ بر معانی خود به وضع تخصیصی باشد و یا به وضع تخصّصی. و به عبارت دیگر هر کلمهای در وقت سخن گفتن دلالت بر معنای خاصی میکند که آن را ظهور گویند. و باید کلمات را بر مفاهیم ظاهریّه خودشان حمل نمود، تا زمانیکه گوینده با لفظی و یا اشارهای و یا کنایهای و یا نصب قرینههای که خارج از دائره گفتگو باشد بفهماند که مراد از این کلمات، معانی دیگری است.

این بحث را بحث حجّیت ظواهر گویند که در علم اصول فقه و در علمیان از آن مفصلاً بحث میشود. و ماحصل و نتیجه بحث اینست که: در هر لغت و زبانی اعم از عربی و عبری و فارسی و اردو و لغتهای اجنبی، ظواهر کلمات و الفاظ در محاورات و معاملات و اقاریر و محاکمات و غیرها حجّیت دارند. و حاکم محکمه طبق همین ظهورات بر مدّعی استدلال میکند؛ و حکم را له محکوم له، و علیه محکوم علیه صادر میکند. و اگر احیاناً کسی ادّعا کند که مقصود من این معنای لغوی و وضعی نبوده است و چیز دیگری

بوده است، حاکم و محکمه، تاجر و تجارت، و زارع و زراعت، و ناکح و نکاح، و بالاخره تمام شؤون و روابطی که در آن اجتماع با گفتگو و مکالمه ارتباط دارند، آن را ردّ مینمایند، و براساس و اصل اراده معنای ظاهر در تفهیم مراد و منظور مَشی میکنند.

و در این مسأله تفاوتی نیست در میان آنکه برای الفاظ و کلماتی که در قالب جمله و عبارات آمده است، مخاطبی باشد و یا نباشد، و عبارت برای افراد حاضر القا شود و یا غائب. و حتّی حجّیت ظهورات از لسانی به لسان دیگر، و از مفاهمه به مشاهده تغییر نمیکند. جمله‌های را که مثلاً یک نفر ترک گفت، در زبان فارسی برای فارسی زبانان در آنچه را که آن کلمه در لغت ترکی معنی میدهد، حجّت است.

بر همین اساس است که سالیان متمادی اهل لغت و زبان، رنجه‌ها برده و کتابهای لغت را تدوین کرده اند، و معانی ظاهریّه را از سائر معانی جدا کرده اند. و در محاکم طبق همین کتب لغت که از افهام عرف برداشته شده است، و از ردّ و بدلها و داد و ستدها و مخاصمات و منازعات، با دقیقترین اسلوبی ریشه گیری گردیده است، در تعیین مقاصد و مرادها در قبالات و غیرها، استدلال میشود. قرآن مجید هم روی همین اصل دارای ظهوراتی است که حجّت است، و با همین ظهورات خداوند متعال مقاصد و مرادهای خود را تفهیم میکند. و اگر احیاناً از بعضی از کلمات مراد و مقصود دیگری داشت، نصب قرینه مینمود تا اساس مفاهمه و مکالمه بهم نپاشد. و گرنه ابداً ارسال رُسل و انزال کتب مفید فائدهای نبود، و کاخ تکلم و تبلیغ و ترویج و هدایت بشر فرومیرخت و اثری از حیات در روی زمین باقی نماند.

حجّیت قرآن کریم بر اصل حجّیت ظهورات است. یعنی اگر به بشر اجازه داده میشد که بتواند کلمات را طبق معنی و مراد ظاهر آن حمل نکند، قرآن نه تنها از عظمت مینشست، بلکه در ردیف کوچکتین و کممایه ترین کتاب از کتب معمولیه در میآمد، و همانند کتب افسانه و داستانهای بیاساس و کتاب هزار و یک شب و حسین گرد میشد؛ در حالیکه اعلی کتاب است که براساس حجّیت ظهورات از ملا اعلی به عالم اعتبار نزول کرده است.

در قرآن کریم، شیطان و جنّ را به معنای میکرب دانستن، روشنترین تجاوز و تعدّی از این اصل کلی است، و واضحترین مصداق تفسیر به رأی که شدیداً در لسان حضرت رسول الله و ائمه اهل بیت علیهم السّلام نهی شده است.

و همچنین آیه ۲۶ و ۲۷، از سوره ۱۵: الْحَجَر: وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ * وَ الْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ «و هرآینه تحقیقاً ما انسان را از گل و لجن سالخورده و تغییر یافته متعفن خلق کردیم و جنّ را پیشتر از خلقت انسان از آتش گدازنده آفریدیم.» و این آیه، نیز دلالت دارد بر آنکه آفرینش جنّ قبل از آفرینش انسان بوده است.

آیه ۳ و ۴، از سوره ۴۳: الزّخرف «ما این کتاب سماوی را قابل قرائت، و فصیح و روشن قرار دادیم به امید آنکه شما آن را بفهمید و ادراک کنید. و این قرآن در عالم اُمّالکتاب در نزد ما بسیار عالی و محکم است.»

جن دارای حرکات بسیار سریع می‌باشد و به همین دلیل قبلاً می‌توانست در آسمان نفوذ و استراق سمع کند ولی با ظهور حضرت مسیح (علیه السلام) جلوی ورود و نفوذ آنها به آسمانها به صورت نسبی گرفته شد و با ظهور پیامبر گرانقدر اسلام حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) کاملاً از ورود آنها به آسمانها جلوگیری گردید، پس جن نمی‌تواند از آینده و اسرار غیب خبر دهد و آنهایی که مدعی این گونه امور هستند، آگاهانه یا ناآگاهانه دروغ می‌گویند. خلقت انسان بعد از خلقت جن روی زمین بوده است و جن‌ها هفت هزار سال پیش از انسان در کره زمین زندگی می‌کردند. همانطور که انسان‌ها از نسل آدم و حوا بوده، جن‌ها از نسل مارج و مارجه می‌باشند. طول عمر جن از انسان بسیار زیادتر است ولی جن نیز دارای مرگ، تولد و عمر محدود و مشخص می‌باشد، همچنین دارای حشر، نشر، معاد، حساب و کتاب اخروی است. از لحاظ مرفولوژی و ظاهری، قیافه واقعی جن با انسان تفاوت دارد (این موجودات می‌توانند با قیافه و ظاهر کاذب نمایان شوند).

جن یک امتیاز از لحاظ ظاهری نسبت به انسان دارد و آن اینکه می‌تواند به هر شکلی که می‌خواهد اعم از انسان و حیوان دربیاید، ولی به شکل پیامبران، ائمه معصومین و شیعیان واقعی ظاهر نمی‌شود. طول قد جن بسته به سن او، بین سی تا هشتاد سانتیمتر است. جن دارای دو جنس مذکر و مؤنث است و تولید مثل می‌کند. نطفه جن بر خلاف انسان از جنس و ماهیت شبیه هوا می‌باشد. برخی معتقدند که انسان و جن می‌توانند با همدیگر ازدواج نموده، حتی تولید مثل نمایند. دستگاه گوارش جن با انسان تفاوت دارد، جن از پس مانده غذای انسان بصورت بو کشیدن و یا مزه مزه کردن استفاده می‌کنند. بطور معمول جن انسان را می‌بیند ولی برای انسان قابل رؤیت نمی‌باشد.

جن مانند انسان دارای علم، ادراک، قدرت تشخیص، مسئولیت و تکلیف است. پیغمبر گرامی اسلام بر جن‌ها نیز مبعوث شدند و در بین جن‌ها نیز دین و مذهب و فرقه وجود دارد. جان به دو گروه مسلمان و غیرمسلمان تقسیم شده و مسلمانان آنها نیز در دو گروه اهل تشیع و اهل تسنن قرار می‌گیرند. رهبر جن‌های شیعه «سفر ابن زعفر» می‌باشد و لوحی مزین به جمله مبارک «یا ابا عبد الله الحسین» برگردن دارد. پدر زعفر در صدر اسلام توسط حضرت علی (علیه السلام) کشته شد و خود نیز به دست آن حضرت مسلمان گردید. زعفر و لشکریانش در واقعه کربلا به یاری حضرت امام حسین (علیه السلام) شتافتند ولی آن امام بزرگوار اجازه نفرمودند. در منابع مختلف از جمله قرآن کریم، تفاسیر، احادیث و کتب علمی از جن یاد شده است. دانشمندان غربی از جن به عنوان ارواح صدا دار یاد می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام که درود خدا بر او باد می‌فرمایند: «خداوند جن را در پنج صنف آفرید: باد، مار، عقرب، حشرات و انسان.» برخی از انسانها جن را می‌پرستند، علامه طباطبائی (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمایند: «مشرکان سه دسته می‌شوند، اول آنها یکی که جن می‌پرستند، دوم آنها یکی که ملائکه می‌پرستند و سوم آنها یکی که مقدسینی از بشر را پرستش می‌کنند.» ابلیس از

طوایف جن است و در قرآن صراحتاً به این مطلب اشاره شده است. ابلیس شش هزار سال عبادت کرد و همین امر باعث شد از زمین به آسمان برود و در رده ملائک قرار بگیرد و به درجه‌ای رسید که مرتبه استادی برخی از ملائک را داشت. برخی از جن‌ها علاقمند به داشتن ارتباط با انسان می‌باشند، بعضی انسانها نیز به ایجاد رابطه با جن تمایل دارند، ایجاد این ارتباط امکان پذیر است ولی به هیچ عنوان توصیه نمی‌شود و نهی شده است، برخی از علما نیز آن را مجاز نمی‌دانند. ارتباط با جن و تسخیر جن نه تنها هیچ سودی برای انسان ندارد بلکه مضر نیز می‌باشد، اگر انسانی با جن ارتباط گرفت، دیگر نمی‌تواند آنرا قطع کند و یا حداقل قطع این ارتباط دارای عواقب خطرناکی است. قابل ذکر است که جن در مقابل ارتباط با انسان و بعضاً خدماتی که ارائه می‌کند، چیزهایی از انسان می‌گیرد که جبران آن بسیار سخت بوده، یا غیرقابل جبران است. در صورتیکه جن از طرف انسان احساس خطر کند و یا آسیب ببیند، اقدام به تلافی خواهد کرد و به شخص مورد نظر یا بستگان نزدیک، از جمله همسر و فرزندان او آسیب می‌زند و یا آزار و اذیت می‌رساند، پس بهتر است در مورد جن به همین مقدار اطلاعات رسیده از منابع دینی و بزرگان اکتفا نموده، جن را بهانه‌ای برای تفکر و تدبّر در عظمت خالق آن قرار دهیم. براستی که اگر انسان تمام عمر خویش را نیز صرف اندیشیدن در بزرگی و عظمت حق تعالی نماید، بسیار اندک خواهد بود. صخرالجن یکی از دیوها است که به زشتی قیافه شهرت دارد. او همان است که انگشتر سلیمان را دزدید.

جن در باور مردم ایران

جن از موجودات خیالی و افسانه‌ای فرهنگ عامه و خرافات مردم خاورمیانه و ایران است. جن واژه‌ای عربی و به معنی موجود پنهان و نادیدنی است و در فارسی با مفهومی نزدیک به پری از این موجود نامریی یاد می‌شود. در باور برخی افراد، جن‌ها تنها در شب، تاریکی، تنهایی و در محل‌هایی مانند گرمابه، آب انبار، پستو و ویرانه و بیابان وجود دارند. در باور عامه، جن به شکل انسان است با این تفاوت که پاهایش مانند بز سم دارد. مژه‌های دراز او نیز با مژه انسان متفاوت است و رنگ موی او بور است. همزمان با زاده شدن هر نوزاد انسان، بین اجنه نیز نوزادی به دنیا می‌آید که شبیه نوزاد انسان است اما سیاه و لاغر و زشت. این موجود را همزاد آن طفل می‌خوانند. اگر کسی شب هنگام آب جوش روی زمین ریخته و بسم الله نگفته باشد ممکن است یکی از فرزندان اجنه را اذیت کرده باشد. مادر و پدر آن جن برای انتقام، نوزاد آن شخص را می‌ربایند و همزاد او را بجایش می‌گذارند.

به باور برخی، به زبان آوردن نام جن شگون ندارد و ممکن است آن‌ها را حاضر کند.

بنابراین برای دلخوشی جن‌ها هم شده به آن‌ها "از ما بهتران" گفته می‌شود.

روزهای یکشنبه، سه شنبه و چهارشنبه از مابهران به لباس و صورت آدمیزاد درمی آیند.

در این روزها نباید به دیدن مریض رفت، زیرا چه بسا که از ما بهتران به شکل یکی از دوستان یا بستگان به دیدن مریض بروند و به او صدمه برسانند.

از مابهران مانند آدمیان جشن و سرور و شادمانی و گاهی هم عزاداری به راه می اندازند. این مراسم بیشتر در گرمابه های عمومی و شب هنگام برگزار می شود. کسی که شب تنها به حمام برود و دائم بسم الله نگوید جن به سراغ او می آید. اگر کسی در تاریکی تنها به حمام برود و بی احتیاطی کند و در آنجا بخوابد، ناگاه متوجه می شود که دورادور او را جنیان گرفته اند، یا یکی دو جن در گوشه و کنار حمام مشغول شستشو هستند.

جنیان ابتدا با محبت نزدیک می شوند، اما اگر انسان با نگاه کردن با پاهایشان که سم دارد ایشان را بشناسد، آن وقت به آزار او مشغول می شوند. از مابهران اهل رقص، موسیقی و شادی اند. اگر کسی را بین خود ببینند او را واهی دارند تا آن قدر برقصد که دیوانه شود. با دمیدن صبح صادق، جنیان ناپدید می شوند. اما هنگام روز نیز اگر کسی در حمام آب بخورد و کف دست چپ خود را روی سر نگذارد، جن به بدن او وارد می شود و دیوانه و غشی خواهد شد.

از ما بهتران اگر از کسی نیکی ببینند، صدچندان به او نیکی می رسانند. مثلاً اگر پزشکی شب هنگام طفلی را از مرگ برهاند یا مجروح و بیماری را نجات دهد و این کار در بیابان یا تاریکی و تنهایی صورت بگیرد، ممکن است جنیان را مداوا کرده باشد. آن گاه از مابهران به او مال و خوشبختی بسیار می رسانند. برخی مردم با انجام مراسم چله نشینی، از مابهران را احضار می کنند و آن ها را واهی دارند تا کارهای مورد نظرشان را انجام دهند. برای چله نشستن از محلی خاص در مسجدهای کهنه و قدیمی استفاده می شود به نام چله خانه که غرفه ای کوچک و تودرتو و تاریک است.

شخص در چله خانه می رود. دورادور خود را خط می کشد و میان دایره می نشیند. روز اول چهل بادم غذای اوست. اما به تدریج هر روز یکی کم می کند و تا آخرین روز فقط یک بادم می خورد. در این روزها همه کار او دعا خواندن است.

روز چهلم ارواح و شیاطین و جن ها به او ظاهر می شوند و هرچه را بخواهد انجام می دهند.

برای این کار ترتیب دیگری هم هست و آن این که یک شب تا صبح آیه ای از قران را پی درپی می خوانند تا از ما بهتران حاضر شوند. از خطرناک ترین جن ها آل است که موجودی نامریی به شکل زن لاغر و بلند قد با پستان های آویخته توصیف شده. در صورت سرخ رنگ آل بینی از جنس گل قرار دارد.

آل روبروی زن زائو و نوزاد حاضر می شود و اگر فرصت یافت و زائو تنها ماند جگر او را می رباید. سپس به سرعت به طرف آب می رود و جگر زائو را به آب می زند. زائو بلافاصله می میرد.

برای جلوگیری از دستبرد آل باید دور بستر زائو را با کارد یا قیچی که ناف نوزاد را با آن زده اند خط کشید. سه یا پنج پیاز را به سیخ کشید و قیچی یا کارد یا شمشیر و تفنگ و دیگر چیزهای فلزی و نوک تیز در کنار اطاق گذاشت.

آل و از ما بهتران از چیزهای فلزی نوک تیز می ترسند. فرو کردن سوزن به پارچه ای و گذاشتن بالای سر زائو برای رفع آل خوب است.

از اعتقادهای قدیمی ایرانیان یکی این است که آهن دیو و غول و اهریمن را دفع می کند و ضد جادو است. تا شش روز باید بالای سر زائو و نوزاد شمع بسوزد.

زائو نباید تنها بماند و کسی جز نزدیکانی که هنگام زادن در اطاق بوده اند نباید به دیدن او بیاید شاید آل باشد که به صورت انسان درآمده.

شب ششم باید در اطاق زائو تا صبح همه بیدار بمانند و چراغ ها روشن باشد و در این شب باید دعاها و اشعار مذهبی و سرودها و آوازا خوانده و پیوسته به دف و دایره کوبیده شود تا آل بگریزد. روز ششم زائو نوزاد را به حمام می برند و پس از شستشو، ماما نوزاد را بالای سر مادر می گیرد و با جام چهل کلید روی او آب می ریزد تا بر سر مادر نیز ریخته شود.

از آن هنگام دیگر آل توانایی ربودن جگر مادر و عوض کردن نوزاد را ندارد پسریچه ای که ختنه شده نیز مانند زائو در معرض خطر آل است.

به همین ترتیب باید مواظب او بود تا به حمام برود و با جام چهل کلید آب روی سرش ریخته شود تا آل بگریزد.

جن ها

در واقع همه ی انسانها دارای توانایی های زیاد و یکسانی هستند (در قرآن هم آمده) . ولی انسان به دلایل مختلف از برخی بی خبر بوده و از برخی کم و از برخی بیشتر استفاده میکند قابلیت های ذهن انسان نیز بینهایت است فقط باید آنها را در وجودمان کشف کنیم و باور کنیم ذهن در حالت بیداری فقط ده درصد کارایی خود را دارد (به گفته محققان) ولی در حالات روانی مانند هیپنوتیزم و ... کارایی به نود درصد هم میرسد حتما تا به حال چیزهایی در مورد تله پاتی شنیده اید . منظور از تله پاتی برقراری ارتباط ذهنی بین دو یا چند نفر است که بوسیله ارتعاشات امواج روحی انسان صورت میگیرد در کتاب گفت و گو با مردگان - نوشته شوود زموند - ترجمه مرحوم کاظمی خلخالی چنین آمده :

وقتی میخواهید با یکی از دوستانتان که دهها کیلومتر با شما فاصله دارد تماس برقرار کنید دستگاه بیسیم این امکان را برای شما فراهم میآورد . در واقع این دستگاه واسطه ای است در برقراری ارتباط شما.

برای هر چیز خواه جامد یا سیال موج خاصی است البته سرعت امواج برخی سریع و برخی کند می باشد درک و حس این امواج برای قوای حسی پنجگانه انسان بسیار محدود و اندک است . یعنی از طول موجی مثلا یک کیلومتری قادر خواهیم بود یک چهارم متر آنرا حس نماییم . انسان میتواند با استفاده از دستگاههای مختلف ارتعاشات امواجی را که برای حواس ما نامرئی میباشند دریافت نموده و آنها را از هم تفکیک نماید این مقدمه ساده ای بود تا شما راحت تر با مفهوم مدیوم یا واسطه روحی - آشنا شوید ارواح به علت خروج از کالبد فیزیکی و ورود به جهان اثیری دارای سرعت بالاتری از امواج هستند

و هرچه این روح در مرتبه بالاتری از جهان ثانویه قرار داشته باشند به همان نسبت طول موج و سرعت انتشار امواج آن سریعتر خواهد بود مدیوم یا واسطه روحی نقش همان دستگاهی را ایفا مینماید که امواج را دریافت نموده و آنها را از هم تفکیک مینماید من قول دادم که شما رو با روشهای برقراری ارتباط با ارواح و جن ها آشنا کنم و این کار رو حتما خواهیم کرد.

برای ارتباط موفق شما باید شناخت کافی بر روی آنها داشته باشید و این به خاطر آنست که مشکلی پیش نیاید.

بله دوستان اگر شما بدون داشتن دانش و اطلاعات کافی اقدام به این کار بکنید بدان معنی است که خودتان را در معرض خطر قرار داده اید . بهتر است اینطور چیزها را بدانید. حالا میپرسید چه خطر هایی ممکن است از سوی آنها شما را تهدید

کند ؟ . عرض میکنم : از مهمترین خطر ها آسیبهای روحی و روانی و حتی جسمی و کاهش شدید حافظه ی موقت از جمله مشکلاتی است که برایتان پیش می آید . مثلا ساعتون رو دست کردید ولی دارید دنبالش میگردید و فکر میکنید گم شده. یا مثلا به راننده تاکسی چند بار پول میدید و همین قضیه در مورد عینک و سایر چیز ها هم صادق است ارتباط با ارواح یا جنها چند نوع است: از جمله ارتباط دوستانه . تسخیر و غیره تسخیر با شیوه های دیگر فرق میکند و میتواند برای فرد و اقوام نزدیکش خیلی خطرناک باشد چون اگر جنها او را بترسانند یا دچار اشتباه شود قضیه برعکس میشود یعنی اینکه جنها او را تسخیر میکنند و در نتیجه منجر به دیوانگی فرد میگردد که در این مورد باید بگم که من کسی رو میشناسم که همین اتفاق برایش افتاده و بعد تا آخر عمر خودش دچار دیو گرفتگی یا همان دیوانگی بود و فوت کرد. این شخص که عرض کردم یکی از همشهریان بنده بودند که شغلشان هم سفالگری بود که جنها را تسخیر میکرد تا کار هایش را انجام دهند .

بله دوستان ! توصیه بنده این است که هیچگاه تسخیر جن انجام ندهید زیرا به خطراتش نمی ارزد. در برخی موارد هم که موفق عمل کنید باز احتمال خطر وجود دارد. باید بگم که خیلی وقت پیش بنده اقدام به تسخیر چهار جن نمودم که موفق به این کار هم شدم ولی.... ؟ اقوام آنها به چهار نفر از اقوام نزدیک بنده از ناحیه کمر آسیب زدند . که ماجرایش مفصل است و بعدا بحمدالله

مشکل حل شد از موضوع بحث خارج نشویم ! . از جن ها از قدیم الایام به موجوداتی شرو فاسد یاد میشود. که البته این طور نیست. چرا که آنها هم مثل ما انسانها خوب و بد دارند و تنشان به گفته ی قرآن از روشنایی آتش آفریده شده است. و زاد و ولد

هم دارند حدود هزار و هفتصد_ یا دو هزار سال عمر میکنند بعد میمیرند نیازی به دفن ندارند چون جسمشان فنا میشود . جمعیت

آنها نسبت به آدمها خیلی زیاد است بیشتر مسلمانان شان شیعه و برخی نیز یهودی . و برخی کافرند.

آنها قادرند به شکلهای گوناگونی در آیند و تجسد یابند که در اینصورت دیدن آنها برای انسان میسر است. ولی در حالت عادی شان توسط انسان دیده نمیشوند و باید برای دیدنشان ریاضت بکشیم و از روشهای خاصی استفاده کنیم البته حیوانات قادرند دنیای ارواح و اجنه را به راحتی ببینند .

خوش به حالشان مگه نه ؟ ؟ ؟.

راستی تا یادم نرفته بگم : ذکر هست که اگر بر خواندن آن مداومت کنیم چشم برزخی ما را باز میکند و جهت رفع حاجت ها و نورانیت و تجرد و برای تقویت نفس بکار میرود . که اینست : لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین.

این ذکر قسمتی از آیه ی ۸۷ سوره ی انبیا میباشد. و به ذکر یونسیه معروف است . که بسیار موثر و مجرب است. موجب اتصال به ارواح میگردد که بهتر است در سجده حداقل ۴۰۰ بار گفته شود برای در امان ماندن از اذیت و آزار جنها آیه ی ۱۴۴ سوره مبارکه آل عمران را بنویسید و اسم های چهار فرشته ی مقرب : جبریل . میکائیل . اسرافیل و عزرائیل را در اطراف آن بنویسید و با خود دارید. که شما را از شر جن و انس محفوظ میدارد.

و اگر کسی این نام باری تعالی را با زعفران و گلاب بر پوست آهو یا کاغذ سفید در روز پنج شنبه بنویسد و با خود دارد هرگز دیو و پری به وی زحمت نخواهد رسانید (بسم الله الرحمن الرحیم یا بیا مارثب) . و از شر ها ایمن گردد

برای چه جنها در شب فعالیت میکنند؟

جنها معمولا شبها پیدایشان میشود و شب برای آنها همانند روز برای انسانها میباشد آنها به اشکال مختلف در می آیند ... مانند سگ یا گربه و غیره ... آنها داری انرژی مغناطیسی یا شبح آن هستند زیرا میتوانند اجسام را با دست گرد خود جذب کنند و از اجسامی تیز مانند خنجر و نیزه به شدت میگریزند ! از جیوه هم وحشت دارند جنیان از نامحسوسات هستند و از سه عنصر آب هوا و آتش آفریده شده اند و بعد از مرگ جسمشان فنا میشود ... ! بنابراین نیازی به قبرستان ندارند.

جنیان بسیار باهوش تر و سریعتر از انسان هستند و این بخاطر آنست که سرعت روحی آنها بالاست آنها قبل از انسان اشرف مخلوقات محسوب میشده اند ... ولی اکنون حتی موظفند از پیامبر آدمیان پیروی نمایند عمر آنان به طور متوسط ۲۰۰۰ سال می باشد و تعداد آنان نیز بسیار بیشتر از انسانها است زیرا آنها قبل از آدم بوده اند برقراری ارتباط با آنها برای همه ی انسانها امکان پذیر است ولی با ریاضت همراه است. آنهم بخاطر همون مسئله ی سرعت روحی . که قبلا ذکر شد یعنی برای ارتباط موفق باید یکی از طرفین سرعت روحی خود را با دیگری مطابق نماید. البته جنها این قابلیت را دارند که تجسد بیابند! بنابر این دیدنش برای

همه میسر است برقراری ارتباط با جنها روشهای گوناگونی دارد که حتما توضیح خواهم داد

ظرفیتها و عکس العملهای انسانها در ارتباط با موجودات ناشناخته بسیار متفاوت و غیر قابل پیش بینی است. بنا بر اعتقاداتی که نسل به نسل منتقل شده همواره جن ها موجوداتی آزار دهنده بوده اند و موجب شر و فساد بوده اند ! همانطور که میدانید آنها هم مانند انسان مختار بوده بعضی نیکو کار و بعضی بد کارند.

شاید بهترین راه برای در امان ماندن از آزار جنیان بالا بردن دانش و آگاهی نسبت به آنهاست.

برخی بعد از برخورد با جن ممکن است دچار اختلالات روانی گردند تعداد جنها بسیار زیادتر از انسانهاست. و از آنجا که آنها در میان ما انسانها زندگی میکنند دیدار با آنها برای هیچ کس غیر ممکن نیست چه بسا بسیاری از اختلالات روحی و روانی که به جسم هم آسیب میرساند ناشی از دیدار با یک جن خوب و نیکوکار بوده (و تنها ترس خود افراد از دیدار با این موجود. آنها را دچار عارضه ساخته و هیچ قصد عمدی از سوی جنیان در کار نبوده ان شاءالله در آینده در مورد چگونگی برقرار کردن ارتباط با آنها را توضیح خواهیم داد

جن و قرآن

تصرف جن در زندگی انسان! پرسش من راجع به جن است. این که جن ها تا چه حد حق تصرف در زندگی انسان ها را دارند. گه گاه در اطراف شنیده می شود که مثلاً شخصی جن زده شده است و یا جن ها به خانه کسی حمله کرده و اموالش را به سرقت برده اند و مانند این ها و حتی روایاتی نیز در همین مضامین شنیده ایم. آیا این چیزها واقعیت دارد؟ آیا با قدرتی که دارند می توانند در زندگی ما خللی ایجاد کنند؟

در عالم هستی برخی از موجودات غیر محسوس اند و به حواس طبیعی و عادی قابل درک نیستند. یکی از این موجودات جن است. جن که در اصل معنا و مفهوم "پوشیدگی" دارد، از چشم انسان پوشیده است. قرآن وجود این موجود را تصدیق کرده و سوره ای به نام "جن" نیز در آن وجود دارد. در قرآن گاهی از این موجود به "جان" نیز یاد می شود.۱

ماهیت و حقیقت این موجودات چندان برای ما روشن نیست؛ ولی از پاره ای آیات و روایات می توان به برخی از مشخصات این موجود دست یافت؛ از جمله:

۱. از آتش آفریده شده و خلقت آن پیش از خلقت انسان است.۲

۲. جن نیز مانند انسان مکلف و مسئول است.۳

۳. دسته ای از آنها مؤمن و گروهی کافر، عده ای از آنها نیک کردار و و برخی از آنها زشت کردارند.۴

۴. بعضی از آنها مرد و مذکر و پاره ای دیگر زن و مؤنث هستند و تولید نسل نیز می کنند.۵

۶. دارای شعور و اراده اند و می توانند با سرعت حرکت کنند. مانند قصه حضرت سلیمان و تخت بلقیس. ۷

۷. مسخر انسان می گردند. البته در این رابطه تنها در قرآن به قضیه حضرت سلیمان اشاره شده است که علاوه بر پرندگان، وحوش و انسان ها، جن ها نیز در اختیار و به فرمان حضرت سلیمان بودند. ۸

۸. در روایات آمده است که جن های مؤمن برای پیامبران و امامان، مسخر می شوند و خدمت می کنند و کسانی که به اذن الهی ولایتی دارند نیز می توانند جنیان کافر را تحت فرمان خویش درآورند. ۹

۹. از پاره ای آیات قرآنی و روایات معلوم می شود که جنیان به پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - ایمان آورده اند. ۱۰
اما این که جن در کجای زمین قرار دارد به طور واضح و مشخص مطرح نشده است؛ هر چند در برخی از روایات به اماکنی که جنیان در آن جا حضور بیشتری دارند، اشاره شده است. آن چه مسلم است جن نیز مانند انسان موجودی است جسمانی؛ با این تفاوت که انسان از خاک و جن از آتش است. طبعاً همان طور که انسان دارای روح است جن نیز روح دارد و از آن جا که میان روح و بدن رابطه نزدیک وجود دارد، می توان تصور کرد - چنان که برخی از انسان ها با ریاضت و تاجد شرایط سیر روحی در عوالم دیگر می شوند - برای جن نیز در شرایط خاص روحی این امکان هست که روح آنها با عالم بالا تماس حاصل کند. اما به هر روی مکان اصلی آنها همین زمین است و حتی تماس با عالم بالا نیز طبق برخی آیات قرآن پس از تولد حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - برای آنها ممنوع شده است. ۱۱

البته برخی از روایات به اماکن خاصی اشاره کرده اند که جن در آن جا حضور بیشتری دارد و گویا مانند موطن اصلی آنها تلقی می شود؛ مانند بیابان ها، مناطق خلوت، مکان های نجس، حمام، دست شویی، محل دفن مردگان و... در این باب اگر با زبان عربی آشنایی داشته باشید کتاب های زیر خواندنی است:

۱. الجن فی الکتاب والسنه، اعداد ولی زاربن شاه زالدین، دارالبشائر الاسلامیه، بیروت، چاپ اول ۱۹۹۶م، ص ۸۸-۹۴ و بقیه کتاب در مورد مختصات و ماهیت جن. ۲. الجن فی القرآن و السنه، عبدالامیر علی مهنه، مؤسسه العلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۲م، ص ۳۱-۳۳ و بقیه مباحث هم خواندنی است. ۳. الجن بین الاشارات القرآنیه و علم الفیزیا، عبدالرحمن محمد الرفاعی، مکتبه مریوسی الصغیر، چاپ اول ۱۹۹۷م. ۴. جن و شیطان، علیرضا رجالی تهرانی، نشر نبوغ، (منبع فارسی).

اما درباره این که طائفه جن از چه نوع پیامبر و شریعتی پیروی می کنند و وضعیت و شرایط این موجودات پیش از آدم ابوالبشر و پس از او، و هم چنین پیش از بعثت - صلی الله علیه و آله - و بعد از آن چگونه است، بایستی به چند نکته اساسی توجه کنیم: ۱. جنس جن به لحاظ این که با انسان از نظر خلقت تفاوت دارد و از حواس انسانی پوشیده است، به طور دقیق و جزئی نمی توان به احوال آنان از تمام ابعاد پی برد. تنها در محدوده معلوماتی که قرآن و احادیث در اختیار انسان می گذارد، می توان اطلاعاتی

کسب کرد. ۲. طبق صریح آیات قرآن، جن هم مثل انسان مکلف است. اما چگونه تکلیفی، جزئیات آن معلوم نیست. آیه ۵۶ سوره ذاریات: "و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون؛ من جن و انس را نیافریدم مگر برای این که مرا (به یکتایی) پرستش کنند"، بر اشتراک بشر و جن در تکلیف دلالت می کند. همچنین آیه ۱۷۹ سوره اعراف اشاره دارد بر این که کفار و گناهکاران جن هم چون انسان ها اهل جهنم اند و در عذاب خواهند بود. نظیر این آیه، آیه ۱۱۹ هود و آیه ۱۳ سجده است. ۳. از صریح آیه ۱۳۰ سوره انعام، دو مطلب را می توان استفاده کرد: یکی این که طائفه جن بسان تمام انسان ها از پیامبران الهی نمی توانند بی بهره باشند. یعنی جن نیز در مسیر مراحل تکاملی و کسب سعادت دنیا و آخرت محتاج پیامبر است؛ دیگر این که پیامبر جن از جنس خود آنهاست. خداوند در همین آیه می فرماید: "یا معشر الجن و الانس الم یاتکم رسل منکم؛ [در روز قیامت گفته می شود] ای گروه جن و انس! آیا پیامبرانی از بین شما برای شما نیامدند؟" ظاهر عبارت "رسل منکم" نشان می دهد که پیامبران جن از طائفه خود آنانند و خداوند با ارسال پیامبران، حجت را بر آنها تمام می کند. ۴. قرآن در دو مورد به طائفه جن و چگونگی عقاید و شریعت آنان اشاره کرده است؛ یکی آیات ۳۱ تا ۳۹ سوره احقاف و دیگری تمام آیات سوره جن. آن چه در آیات سوره احقاف آمده، نشان می دهد جن پیش از بعثت پیامبر - صلی الله علیه و آله - از دین موسی - علیه السلام - پیروی می کرده است. آیه می فرماید: "انا سمعنا کتاباً انزل من بعد موسی مصداً لما بین یدیه یهدی الی الحق؛ ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، و به سوی حق هدایت می کند".

این کلام به تعبیر علامه طباطبائی، دلالت دارد بر این که جنیان نامبرده به دین موسی و کتاب آن جناب مؤمن بوده اند. ۱۲. جن ها می توانند با بعضی از انسان ها ارتباط برقرار کنند. چنان که بعضی از آنها با انسان ارتباط برقرار می کردند. در مورد انبیاء و ائمه - علیه السلام - در روایت آمده است که چنین ارتباطی داشتند و گاهی نیز ارتباط جن مشرک و کافر با بعضی از انسان ها موجب افزایش گمراهی و طغیان آنها می شدند "و انه کان رجال من الانس یعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقا؛ و این که مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می بردند و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیان می شدند". ۱۳. بنابراین، جن با انسان ارتباط برقرار می کند و این موضوع به صراحت در قرآن و روایات و حکایات نیز وارد شده است. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

۱. جن و شیطان، علیرضا رجالی تهرانی، ص ۱۶۳-۱۵۳.

۲. دانستنی هایی درباره جن، ابوعلی خداکرمی، ص ۱۸۹-۴۱.

لازم به ذکر است، ارتباط با جن واقعیت دارد، اما تلاش برای این منظور با خطرهای بسیاری رو به رو است و نظام زندگی برخی را گرفتار اختلال می کند، لذا طی این مسیر را توصیه نمی کنیم.

براساس استفاده از آیه ۱۲۸ سوره انعام که می فرماید: "یا معشر الجن قد استكثرتم من الانس: ای گروه جن، غلبه کرده اید بر

آدمیان"، می توان گفت تعدادی از جنیان می توانند انسان هایی را تابع خویش سازند. ۱۴

در واقع می توان گفت این گروه از جن، شیطان^۱ هایی هستند که با ایجاد وسواس در برخی از انسان ها، بر آنها مسلط گشته،

موجب بروز و ظهور عقاید یا کردار خاصی در ایشان می شوند. ۱۵

اما از آن جا که نوع تسلط ایشان بر اشخاص متفاوت بوده، راه علاج و درمان نیز گوناگون است، از این رو نمی توان نسخه ای کلی در این باب ارائه کرد. به دلیل آن که خداوند متعال جهان را براساس نظام علّی استوار ساخته است، همیشه آثار و حوادث و افعالی که در جهان هستی صورت می گیرد به دلیل و یا بهتر بگوییم متکی بر علتی است، اما این علل گاهی طبیعی و عادی اند و گاه غیرطبیعی.

براین اساس، برخی با آشنایی با برخی از علل فرامادی که می تواند در رویداد های مادی و دنیوی اثر گذار باشد، دست به کارهایی زده و روند حوادث عادی را از مجرای اصلی خویش خارج می سازند. از این رو، می توان گفت، سحر و جادو با انواع و اقسام گوناگونش به دلیل ارتباط با علل و اسباب غیرطبیعی، عادی و مادی، می توانند حوادثی غیرمترقبه پدید آورند. البته این گونه اعمال از نظر شرع مردود بوده، از آنها نهی شده است. کسی که به آموزه های دینی ایمان داشته باشد، از آن جا که خلل رساندن به روند طبیعی امور ممنوع و مطرود است، هیچ گاه حاضر نمی شود با سلسله اعمال و افعالی، به کار دیگران خلل وارد سازد، آن^۲ چه اهمیت دارد ایمان قلبی و باور درونی است نه ظاهری فریبنده. بله - چنان که گفته شد - بایک سلسله سلوک عملی می توان به مکنونات گذشته و آینده افراد پی برد، چنان که می توان با یک سری افعال، آینده دیگران را تغییر داد، اما باید دید شارع مقدس این کار را روا می داند یا خیر؟ البته مراجعه به برخی از اولیای الهی برای از میان بردن تصرفات غیرعادی و فرامادی که دیگران برای انسان پدید می آورند، امری معقول، موجه و مجاز است.